

واریق

سیزده ساله

فرهنگی فارسی و ترکی

سال سیزدهم

اون اوچ یاشیندا

نور کجه و فارسجا فرهنگی مجموعه

اون اوچونجو ایل

شماره امتیاز ۸۵۳۸

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر جواد هیئت

قیمت: ۷۰۰ ریال

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

ایچینده کیلر

(فہرست)

صفحة

- ۱- بمناسبت ۵۵۴ فجر : انفجار نور : سید مسعود نقیب (خلخالی) ۲
- ۲- تاریخ زبان ترکی : دکتر جواد ہیئت ۴
- ۳- دؤردلرک : عطا امیری (گؤنول) ۲۳
- ۴- دیریلک نه دیر : محمد امین رسولزاده- یازیمیز اکوچورن : منظوری خامنه‌ای ۲۴
- ۵- یشی سؤزبیرلشمه لری نئجه ایشله دهک : دوققور محمد تقی زهتابی ۲۷
- ۶- تبریز رادیو سونون وئرلیشلرینه بیر باخیش : حسینقلی سلیمی ۳۸
- ۷- حاجی بکتاش ولی ومقامات حقیقنده : پرفسور سلیمان خیری بولای آذری تور کچه سینه ۴۹
کؤچورن : محمد رضا هیئت
- ۸- پرفسور عباس زمانوفون ۸۰ ایللیگی مناسبتیله : ح- مجید زاده (ساوالان) ۵۹
- ۹- فوتادغو بیلیگکده قرآن وحدیثین تاثیری : محمد قارا (آنکارا) - دوققور جوادهیئت ۶۳
- ۱۰- وارلیق دان ارکه سلام ۷۹
- ۱۱- ایسته ره : نگار خیاوی، مشکین شهر ۸۰
- ۱۲- فلک اوغلو ۸۱
- ۱۳- گونئی گولشنی : علی عالیفر ۸۲
- ۱۴- چیخلدی گؤیه افغانیم. ح. م. ساوالان ۸۵
- ۱۵- دانیس : دوققور یوسف معماری ۸۶
- ۱۶- پاییز : محمد رضا مقدسی - مراغه‌ای ۸۷
- ۱۷- زامان کور اوغولاری : علی صحتی (: صحت) مراغه ۹۰
- ۱۸- اوریز ناللیق مسئلهسی : اروجعلی دوزنانی ۹۲
- ۱۹- مجلس نخبوان قرارداد گلستان وترکمانچای را محکوم کرد ۹۳
- ۲۰- یوخودا گورمه دیگیمی گوزوم ایله گوردوم : شاهین میاب ۹۴
- ۲۱- کهله نین دیلندن : سید علی اکبر سید فضل اله اوغلو ۹۶
- ۲۲- بیزه گلن مکتوبلار ۹۹
- ۲۳- وارلیق : دوققور علی اکبر ترابی (حالاج اوغلو) ۱۰۱
- ۲۴- شان وطن : بهمن وحدتی (باهار) اورمیه ۱۰۲
- ۲۵- تلبیه دوشدو گوزلریم : محمد سبحانی ۱۰۳
- ۲۶- خیالیم باکی : یاشار حیدر بابا اوغلو ۱۰۴
- ۲۷- قاضی : م. م. ناظر شرفخانه ۱۰۵
- ۲۸- عؤمر رژه سی : ع. جوادی ۱۰۷

- ۲۹- شعر : عباس شیکاهی
 ۳۰- من بشيک داغ بولسادیم : عبدالرحمن ديبه‌چی
 ۳۱- اوستاد هابيل شهریمیزده
 ۳۲- عرقچیلیق (نژاد پوستلیک) : آیدین آیتکین
 ۳۳- یئنی کتابلار
 ۳۴- سن همیشه یادیمداسان : ص - حسنلو «یوخسول»
 ۳۵- بایک رضا زاده دن بیرمکتوب و شعر.
 ۳۶- تورکجه حافظانه لر یا آئینه اوها م
 ۳۷- بیرداها : نزهت تبریزی دن
 ۳۸- حسین جدی دن هجران شعری : م.ع. فرزانه
 ۳۹- آچی خبر : تبریز رضانین شهادتی
 ۴۰- طنطنه لی ادبی - مذهبی مجلس : گوئی لی - ح.م. ساوالان
 ۴۱- فضولی نین ۵۰۰ ایللیک صنعتی نین قدرتی : پرفسور- ف. صادق زاده -
 یازیمیرا کؤچوره ن ح.م. ساوالان
 ۴۲- گچن صابی دان : مشاهیر آذربایجان کتابی حقیقنده : م.ع. فرزانه
 ۴۳- ادبی خبر
 ۴۴- سید حسن شریف زاده : صد سرداری نیا

نوروز مبارک باد

نوروز باستانی را به همه هم میهنان گرامی تبریک گفته خوشی
 و کامیابی همگان را در سال نو از درگاه ایزد یکتا خواستاریم.

وارلیق

نوروز بایرامی مبارک اولسون

یئنی ایللی و نوروز بایرامینی عزیز ائلیمیزه تبریک دئییب ، اولوتانیری دان
 ها میمیزا صاغلیق ، بسا شاری و باریش ایچینده یاشاماغی و خوشبخت
 اولماغی دیله بیریک.

وارلیق



وارلیق

مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی
آرلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشر.

پایینز (مهرا، آبان، آذر) ۱۳۷۰ شمسی

از: سید مسعود نقیب (خلخالی)

بمناسبت دهه فجر
"انفجار نور"

دگر سپاه سیاهی برفت و آمده نور
شکر به ملک ملائک، چه سان بتافته هور
همای عزت و خیر و صفا رسیده کنون
ذالکت و ظلمات و جفا شده است بسدور
هلال فتح و ظفر را بیا و رویت کن
نشان فجر و فلک را بسین به حال ظهور
فتاده شور حقیقت به جان و دل جانا
روان به دیبۀ عشق و لایتش مستهور
جهان به حیرت زاین نور و ناربا نهیوت
زولسی ملائکه خندان و نوریان مسرور
رسیده بر همه جا انفجار نور "نقیب"
که مُستدام بود تا به یوم نفخه صور

متن سخنرانی دکتر جواد دهیشت

در دانشگاه تهران

تاریخ زبان ترکی (۱)

زبان ترکی زبان بیش از ۱۵۰ میلیون ترکمان مسلمان و کمتر از نیم میلیون ترکمان مسیحی و اندکی هم ترکهای یهودی است. و در حدود ۱۵۰۰ سال سابقه تاریخی زبان کتابت دارد.

موطن اولیه ترکمان بین کوههای اورال - آلتائی بوده و بعداً از آنجا به نقاط مختلف مهاجرت کرده اند. مهاجرت ترکمان بدو شکل صورت گرفته یکی مهاجرت دسته جمعی ساده و دیگری بشکل فتوحات.

از همه مهاجرتها دو مهاجرت اهمیت زیاد تاریخی داشته: یکی مهاجرت هونها به اروپا که در اواخر قرن چهارم بوده و در قرن پنجم به سرکردگی آتیلای امپراطوری هونها ی غربی را تشکیل داده اند.

دوم مهاجرت ترکمان اوغوز به سرکردگی دو برادر طغرل و چاغر که در ایران و آسیای صغیر امپراطوریهایی بزرگ اسلامی را تشکیل داده و قرن‌ها حکومت کرده اند.

در اوطان جدید تماس با ملتها و فرهنگهای تازه موجب تشکیل لهجه‌ها و زبانها و فرهنگهای متفاوت شده. تماس اوغوزها با ایرانیان قدیم زیاد بوده و لذا از دیرباز زبان و فرهنگ ایرانیان در اوغوزها نفوذ کرده است. بعد از تشریف بدین اسلام تاثیر زبان قرآن و فرهنگ اسلامی نیز در زبان و فرهنگ ترکها زیاد شده و خط عربی نیز جایگزین خط و الفبای قبلی ترکمان شده است.

منشاء زبان ترکی: جزو زبانهای اورال - آلتائی یا آلتائی

است که بدو دسته تقسیم میشوند:

۱- زبانهای آلتائی: ترکی، مغولی، تونقوز و منچو.

۲- زبانهای اورالی: فین، مجار، ساموید.

- از نظر ساختار و مورفولوژیک التماقی است.

زبانهای دنیا به سه دسته تقسیم میشوند:

۱- هجائی مانند زبانهای چین و جنوب شرقی آسیا.

۱- سخنرانی به ترکی ایراد شده و چون متن آن به فارسی تهیه شده بود

عیناً چاپ شد.

- ۲ - تحلیلی مانند هندو اروپائی .
۳. التماقی مانند زبانهای اورال - آلتائی .
- به نظر دانشمندانی مانند وینکلر و هومل زبان سومری نیز التماقی بوده و با ترکی از یک ریشه است .
- ویژگیهای زبانهای آلتائی بنظر ویدرمان *WIEDERMANN* (استونیا ئی) ۱۴ عدد است :
- هما هنگی پدها ، نبودن جنس و حرف تعریف ، صرف بوسیله پسوند ، در صرف اسماء پسوند ملکی بکار میرود . اشکال افعال غنی و متنوع اند ، حرف اضافه وند بعد از کلمه میآید . صفت قبل از اسم میآید ، بعد از اعداد جمع بکار نمی رود ، مقایسه با مفعول منه (دن) انجام میشود . فعل معین بودن (ایمنگ) است . برای منفی فعل مخصوص است . پسوند سوال می موجود است ، بجای حرف ربط از اشکال فعل استفاده میشود .
- نحو یا ترکیب کلام : به نظر لویس ترتیب عناصر دستوری در جمله ترکی چنین است : فاعل ، قید زمان ، قید مکان ، مفعول غیر صریح ، مفعول صریح . قید و هر کلمه ای که معنی فعل را تغییر دهد . فعل (۷) . (که) از فارسی وارد شده نباید بکار رود . بویژه بعنوان ضمیر فاعلی یا مفعولی مثلا : دُونِ اَدَامِ کی گلدی منیم آتام دیر . صحیح نیست . دُونِ گلن آدام منیم آتام دیر (صحیح است) . در جمله معکوس فعل اول میاید : قاچین آشاغی قاپیدان .
- مراحل مختلف تاریخی : مراحل مختلف زبان ترکی عبارتند از :
- ۱ - دوره آلتائی : مرحله اشتراک با مغولی ، تونقوز و منچو .
 - ۲ - پروتو تورک : از این دوره سندی در دست نیست .
 - ۳ - ترکی اولیه : زبان هون ها ، بلغارها و بچهنگ ها و خزرهاست از قبل از میلاد تا ظهور گوک تورک ادامه داشته است .
 - ۴ - ترکی قدیم : از قرن ۱۰ - ۶ میلادی شامل ترکی گوک تورک و اوغوری می باشد .
 - ۵ - ترکی میانه شامل قرنهای ۱۶ - ۱۱ میلادی است ترکی مشترک آسیای میانه ، ترکی غربی آذری آنا طولی ترکمنی .
 - ۶ - ترکی جدید شامل ترکی عثمانی : آذری - جغتائی ، اوزبکی و سایر لهجه های ترکی است .
 - ۷ - ترکی قرن بیستم . مرحله اصلاح و بازسازی زبان و لهجه های

ترکی است .

ترکی ادبی یا کتابت از قرن هشتم با سنگ نوشته های اُرخون شروع و تا قرن ۱۳ - ۱۲ ادامه یافت (ترکی گوگ تورک، ترکی اوغور، ترکی خاقانی) بعد بعلت مهاجرت گروه های به غرب و قبول اسلام دین و نوع زبان کتابت پیدا شد: ترکی شمالی- شرقی و ترکی غربی .

ترکی شمالی - شرقی ادامه ترکی خاقانی است که بعد از یک قرن به دولجه شمالی (قبچاق) و شرقی (جغتائی) تبدیل شد. ترکی جغتائی از زمان تیمور شروع و در قرنهای ۱۵ - ۱۶ تکامل یافت و آثار ادبی با ارزشی عرضه کرد. و بعد به ترکی اُزبکی تبدیل شد .

ترکی غربی در نیمه دوم قرن ۱۲ و نیمه اول قرن ۱۳ تشکیل شد و تا امروز ادامه یافته (ترکی اوغوز) ترکی جنوبی هم نامیده میشود و به لهجه و یا زبانهای ترکی عثمانی، آذری، ترکمنی و خراسانی تقسیم میشود .

ترکی قدیم : زبان گوگ تورکها، اوغورها و قیرقیزهای قدیم است (قبل از اسلام) .

ترکی گوگ تورک : از سنگ نوشته ها، کتابها و اسنادی از دوران حکومت گوگ تورک شناخته شده . این سنگ نوشته ها مربوط به مزار وزیر و پادشاهان گوگ تورک است . که از ۵۵۲ میلادی به مدت یکصد سال در مغولستان کنونی حکومت کردند .

تعداد آنها ۶ عدد است که مهمترینشان سه کتیبه تونیوکوک

TONYUKUK کۆل تیگین و بیلگه خاقان است به اینها *ORKHOUN INSCRIPTIONS* نیز گفته میشود چون نزدیک دشت رود اُرخون در جنوب دریاچه بالکال قرار دارند. سنگ نوشته ها به خط اُرخون یا گوگ تورک نوشته شده .

تونیوقوک وزیر بیلگه خاقان و پدرش ایلتریش بوده است کۆل تیگین شاهزاده و برادر بیلگه خاقان است .

غیر از سنگ نوشته های فوق کتاب مربوط به شاهانیم و چندی سند حقوقی هم پیدا شده است . غیر از سنگ نوشته های گوگ تورک سنگ نوشته های بینی سئی نزدیک رود بینی سئی در جنوب سیبری پیدا شده که مربوط به دو قرن قبل از سنگ نوشته های اُرخون می باشد و مربوط به ترکمان قیرقیز است . این سنگ نوشته ها دودسته اند :

۱ - سنگ نوشته‌های ایالت آباکان یا آباکان .

۲ - " " " " " تووا " "

دریکی از اینها که مربوط به خان زاده اوغوز بوده و درکنسار رودبارلیق (وارلیق) که به رودکم می‌ریزد پیدا شده چنین آمده است :
اراردمی آتیم تاپدیم اردمی .
اؤز بیگن آلب توران آلتی اوغوز بودوندا اؤچ بیگیمی (یا -
شیمکا) آدیریلتمیم .

بگاریکیمه سیزیمه آدیریلدیم .

ترجمه : مرد فضیلت و هنر و فرهنگ (اردم) نامم را پیدا کردم : اردم
اؤز بیگین آلب توران آزایل ۶ اوغوز در ۱۳ سالگی جدا شدم
از نفوذ و قدرت خانی و شماها جدا شدم .

تعداد حروف کتیبه‌های بین‌سی ۱۵۹ و بیشتر به شکل تصویری است
و زیاد هم خوانا نیست .

الفبای اورخون : الفبای اورخون از ۳۸ حرف تشکیل شده که
چهار حرف آن صدا دار است .

منشاء الفبای اورخون : در مورد منشاء الفبای اورخون نظریات
مختلف است بعضی از مؤلفین منشاء آنرا ترکی میدانند، عده دیگری
معتقدند که از الفبای رونیک اسکاندیناوی گرفته شده بعضی‌ها هم
اصل آنرا آرامی و تُخاری میدانند . در ترکی اورخون ۸ حرف صدا دار مو-
جود است لهذا در این الفبا، مخرجهای کلفت و نازک با یک حرف نشان داده
شده است .

در عوض برای ده مخرج بی‌صدا ۲۱ حرف موجود است $\alpha, \theta, > =$
 $\text{اؤ}, \text{اوؤ}$. فتحه $\text{A} = \text{آ} = \text{اُ}, \text{اُ}$.

فقط برای کسه حرف وجود دارد $\text{ö}, \text{ö}, \text{ن} = \text{اؤ}, \text{اؤ}$ و $\text{ا} = \text{ا}$
 $=$ ایی، ایی . از حروف بی‌صدا برای شناسائی کلفتی و نازکی حروف صدا
دار استفاده شده است . بعلاوه ۵ حرف برای مخرجهای بی‌صدا جفت
(لد، ند، نگ، نچ، نی، یاین) .

و ۴ حرف جفت باصدا و بی‌صدا مانند : $\text{اؤک}, \text{اؤک}, \text{کؤ}, \text{کؤ}$ ،
 $\text{اؤک}, \text{اؤک}, \text{کؤ}, \text{کؤ}$ ، $\text{اؤک}, \text{اؤک}, \text{کؤ}, \text{کؤ}$.

در ترکی اورخون مخرجهای ه، خ، ژ، و، چ وجود ندارد لهذا حروف
مخصوص هم ندارند .

ویژگیهای اصلی ترکی گۆک تورک : ریشه کلمات ثابت است صرف
 با پسوند صورت میگیرد. صرف اسامی در حالات مختلف اسم عبارتند از :
 (*genitive*) پسوند ملکی (ن) ویا (این) است بعضاً هم (ک)
 اضافه میشود مثلاً: بۆدونین (مال مردم) .
 پسوند عطف (به) : کا، که میباشند مثلاً: بیزکه = بهما (بیزه).
 پسوند عطف بعد از پسوند ملکی نا، نه میشود مانند اوغلینا (بسه
 پسرش) .

پسوند مفعول صریح (را) : اگر آخر کلمه صدادار باشد ق ی ا گ
 واگر بیصد باشد ایگ و اوک میباشد مثلاً: یاغیق (دشمن را)، قاتونوگ
 (خانم را) : خانیمی .
 پسوند مفعول عنه (از) و مفعول فیه (در) ، ده ، تا ، ته میباشد
 مثلاً: بولتا (در راه)، ایلته (در دست و از دست) . فقط در کلمه قاندین
 (از کجا) پسوند مفعول عنه ظاهر میشود .
 پسوند صفت تفضیلی (راک) و عالی (رو) میباشد .

قاعده هماهنگی اصوات هنوز بشکل امروزی تکامل نیافته است
 در مقایسه با ترکی آذری :
 در مورد کلمات : مخرج (د) در اول کلمات اغلب (ت) بوده و (ی)
 در ابتدا و وسط کلمات اغلب (د) بوده است .
 وار (هست) بشکل بار و اوّل (بشو) بؤل بوده همچنین کلماتیکه
 با (م) شروع میشوند مانند من (بن)، مین (هزار) مینمک (سوار شدن)، بین
 مینمک (سوار شدن) و امثال آنها باب شروع شده است .
 اینک برای نمونه چند بند از سنگ نوشته کؤل تیگین را نقل و
 بررسی می‌نمائیم .
 کتیبه کؤل تیگین :

کول تیگین آبدہ سی (۱)

گونئی اوزو

N>J :)YH : JCEYFQ : RTNH : Y*J>J : JXFTYH : EHFYH (1)
*HNCEYHF : >DJ> : YEXFI : FKH :)*JY : * *HJ> : JFX
YEQ * F1*Y : JYTFQ : *)>>J : *Y> : JFTFQ : *)JY> :
H * : TYEQ : JHD>J : *HJ* : JDHFQ : T

*H : XFI : FHNEX : H*JY>J : F)>>JFTYEQ : HY>H>J * (2)
N* : NTEYFQ : JHY> * : H*N* : NTEYF : JYFH : F>>Y
: >HYHFQ : JYFQI * J : H*N* : >HYHF>J : >HYFI>*H> : H
* : J>J :)>>J : JFT LF : J * : >HYFI>*H> : H*N
)>>J : J

YFQ : HFKN :)YH : RTNH : JDY* : F *HJ> : *XHF : J>J (3)
: FKHJHFHD : > *Y : NTEYF : JDY>J : JHYF : HYHJ> :
: H>J * : NTEYFQ : *X*EH : EYF : JHD>J * : *XYNI
FHY>J : *X*EH : EYF : JFHNIH : *XYNI : FKH : JFIHT
EN>J : >HY

: >JHDJYQ : >HYHFQ : *XYNI : FKH : JHYJHT*H : JLF (4)
: * *HJ>D : FKH : JYTFQ : J>>J : *XYNI : FKH : JYTFYQ
FHN : YFQ : HY * > * YF : I*Y : JDFX : EFQ : J>>YFQ : HFKN
: JYTFQ :)>>J : LYJ* : JHJ> : JXTFY>J : Y*YFQ : H

: HY>J>J : D * > J : FKHIF : Y*H* :) , *J : *HYH'NH (5)
: HYHFQ : FIF : EYFI : JY :)>>J : LYJ* : YNTEYFJ
YDJ> : Y)>>JHY : JH : HIF : HY* : JY : EYFI : I*Y

۱ - اورخون آبدہ لری . محرم ارگین . استانبول ۱۹۷۰

اوزخون و ئىشى ئىسىمى الفباسى (۱)

ئىشى ئىسىمى	اوزخون ۲	اوزخون ۱	ئىشى ئىسىمى	اوزخون ۲	اوزخون ۱	ئىشى ئىسىمى	اوزخون ۲	اوزخون ۱	ئىشى ئىسىمى
پ (p)			پ (p)			پ (p)			پ (p)
ق (q)			ق (q)			ق (q)			ق (q)
۲			۲			۲			۲
۳			۳			۳			۳
۴			۴			۴			۴
۵			۵			۵			۵
۶			۶			۶			۶
۷			۷			۷			۷
۸			۸			۸			۸
۹			۹			۹			۹
۱۰			۱۰			۱۰			۱۰
۱۱			۱۱			۱۱			۱۱
۱۲			۱۲			۱۲			۱۲
۱۳			۱۳			۱۳			۱۳
۱۴			۱۴			۱۴			۱۴
۱۵			۱۵			۱۵			۱۵
۱۶			۱۶			۱۶			۱۶
۱۷			۱۷			۱۷			۱۷
۱۸			۱۸			۱۸			۱۸
۱۹			۱۹			۱۹			۱۹
۲۰			۲۰			۲۰			۲۰
۲۱			۲۱			۲۱			۲۱
۲۲			۲۲			۲۲			۲۲
۲۳			۲۳			۲۳			۲۳
۲۴			۲۴			۲۴			۲۴
۲۵			۲۵			۲۵			۲۵
۲۶			۲۶			۲۶			۲۶
۲۷			۲۷			۲۷			۲۷
۲۸			۲۸			۲۸			۲۸
۲۹			۲۹			۲۹			۲۹
۳۰			۳۰			۳۰			۳۰
۳۱			۳۱			۳۱			۳۱
۳۲			۳۲			۳۲			۳۲
۳۳			۳۳			۳۳			۳۳
۳۴			۳۴			۳۴			۳۴
۳۵			۳۵			۳۵			۳۵
۳۶			۳۶			۳۶			۳۶
۳۷			۳۷			۳۷			۳۷
۳۸			۳۸			۳۸			۳۸
۳۹			۳۹			۳۹			۳۹
۴۰			۴۰			۴۰			۴۰
۴۱			۴۱			۴۱			۴۱
۴۲			۴۲			۴۲			۴۲
۴۳			۴۳			۴۳			۴۳
۴۴			۴۴			۴۴			۴۴
۴۵			۴۵			۴۵			۴۵
۴۶			۴۶			۴۶			۴۶
۴۷			۴۷			۴۷			۴۷
۴۸			۴۸			۴۸			۴۸
۴۹			۴۹			۴۹			۴۹
۵۰			۵۰			۵۰			۵۰

۱۰۰۰ ئىشى ئىسىمى الفباسى (۱) (پۈتۈن ئۆزۈم ئۆزۈم ئۆزۈم ئۆزۈم)

ترجمه؛ ۱ - تانری کیمی گوی ده اولموش بیلگه خاقان بوزاما نسدا اوتوردوم، سوزومی تامیله ایضیت بخصوص قارداش اولغلو، اولغوم بؤتون قوهوموم، ملتیم، گونئیده کی شادا پیت بیگلری قوزئی ده کیمی تارقات بویوروک بیگلری، اوتوز تاتار.....

۲ - دوقوز اولغوز بیگلری، ملتیی، بوسوزومی یاخشی اشییست درست قولاق آس، شرق ده گون دوغانا گونئی ده گون اورتاسینا، غربده گون باتانا، قوزئیده گنچه اورتاسینا قدهر، اولونایچینده کی ملت هامیسی منه تابع دیر بوقدرملتیی ...

۳ - هامیسی نظمه سالدیم وایندی پیس دگیل، تورک خاقانسی اوتوکن جنگلنده اوتورسا ائلده سیخینتی وغم یوخدور، شرق ده شان - تونک اوواسینا قدهر قشون چکدیم. آزالدی دریا یا یئتیشم گونئیده دوقوزارسینه قدهر قشون چکدیم آزالدی تبتیه یئتیشم غربده اینجی شهرینی (سیحون)....

۴ - گنچدیم دمیرقا پویا قدر قشون چکدیم، قوزئی ده بیربا تیرکو بیترینه قدهر قشون چکدیم، بویشرلره دک بیشریتدیم، اوتوکن اورمانیندان داها یاخشیسی هئچ یوخموش، ائل تومان یئر اوتوکس اورمانی ایمیش بویشرده اوتوروب چین ملتیی ایله .

۵ - سازش ائلده دیم قیزیلی گوموشی ایگی، ایپک قماش (ایپلیگی) سیخینتی سیز ائلده ویریر، چین ملتیی نین سوزی شیرین ایپک قوما شسی یوموشاق ایمیش، شیرین سوزله یوموشاق ایپک قماشلا اولاق ملتیی تو- ولاییب ائلده یاخین لاشدیرمیش، یاخینلاشدیریب قوندوقدان سونرا، پیس ایشری اولامان دوشونور مکراندیرمیش .

ترکی اویغوری : دنباله ترکی گوک تورک است. به مرور با قبول دین های بودائی و مانئی، زردشتی و مسیحی تغییراتی در آن ظهور کرده و دوسه نوع لهجه اویغوری پیدا شده است. اویغورها در ۶۶۰ تا ۶۷۰ تورکها شدند و در ۷۴۵ حکومت را بدست گرفته و تا ۸۴۰ یعنی تا تسلط قیرقیزها حکومت کردند.

ترکان اویغور در تکامل و اشاعه زبان و فرهنگ ترکی آسیای میانه نقش مهمی داشتند در حفریاتی که در ۶۰ - ۷۰ سال اخیر اروپائیان در این منطقه کرده اند آثار گرانبهای بدست آمده که نشانگر تمدن و فرهنگ پیشرفته ترکان اویغوری است .

اویغورها بعد از قبول دین مانی الفبای جدیدی برمبنای الفبای سُعدی که مانوی بودند ساختند که به الفبای اویغوری معروف شد. الفبای سدهی ۲۲ حرف داشت و برمبنای آرامی بود. خط اویغوری از قرن هشتم میلادی خط رسمی شد. این الفباء ۱۸ حرف دارد و برای حروف باصدا سه حرف دارد. برای رفع نواقص آن از نقطه گذاری استفاده نمودند. خط اویغوری شبیه خط آشوری است. الفبای اویغوری بعد از قبول اسلام نیز در ترکستان شرقی بکار رفته و در زمان مغولها خط رسمی دولت بوده و تا دربار سلطان محمد فاتح در استانبول راه یافته است .

از مهمترین آثار قبل از اسلام کتابهای زیر را میتوان نام برد :
آثار مانوی : ایرک بیتیک یا کتاب فال که در سال ۹۳۰ میلادی به قلم راهب مانوی و با خط گوک تورک نوشته شده است .
- ایکی بیلتیز نوم (اصول اساس دوگانه) : درباره فلسفه و آئین نامه های صومعه های مانوی و دعاها نوشته شده است .

آثار بودائی : آلتون یا روک یا نورطلائی : اشرحیمی است ۷۰۷-
صفحه) درباره فلسفه بودائی و مناقب بودا .
ادگوا و غلی تیگین بیرله آییغ اوغلی تیگین (شهزاده نیکانندیش و شهزاده بدانندیش) اصل داستان به زبان سانسکریت بوده و در قرن دهم میلادی توسط اویغورهای بودائی به ترکی ترجمه شده . بعد از قبول اسلام
آثار بیکه با الفبای اویغوری نوشته شده عبارتند از :
- قوتادغو بیلگیا علم سعادت و یا سیاستنامه . اثر یوسف حاجب خاص با لاسا غونی .

- عتبة الحقایق .

- داستانا و غوزخان .

- بختیارنامه که در سال ۱۴۳۵ میلادی توسط منصور بخشی نوشته

شده و اصل آن در اکسفورد است .

- معراجنامه که در ۱۸۸۲ از طرف مدرسه زبانهای زنده شرقی در

پاریس منتشر شده است .

- تذکرة الاولیاء که در سال ۱۸۸۹ از طرف پاره دوکورتیل در پاریس منتشر شده .

- محبت نامه خوارزمی .

- سراج القلوب منصوربخشی که در سال ۱۴۳۲ در یزد نوشته شده است

- مجموعه اشعار قاسم که در موزه بریتانیا است .

ادبیا بآ و یغوری قبل از اسلام از دو قسمت نظم و نثر تشکیل شده

شعر به شکل دوبیتی بوده به شعر تاشوت، کۆگ (ترانه) می-

گفتند. قافیه در اول مصرع بوده که به آن *التائسی* *Aliteration*

میگویند. وزن شعر هجائی و آزاد بوده (از ۱۵ - ۳ هجا) اینک بعنوان

نمونه شعری از آپرییچور اولین شاعر شناخته شده در ادبیات ترک را

نقل می‌نمائیم : شعر یک الهی است یعنی درباره خدا سروده شده :

بیزیم تنگری میزاندگوسیرشدنی تیپور

رشدنی ده بیگمنینگ اندگوتنگریم، آلیم بیگره کیم

ترجمه : خوبی خدا وندما جوهر است، میگویند از جوهر بالاتر است خدا وند

خوب من قهرمان من آقای من .

بئلنگو سوز بییتی. وازیر (الماس) تیپور

بئلنگو سوز بییتی وازیر تیپور

ترجمه : بدون (بیلو) سنگ چاقوتیزکن الماس تیز است

بدون سنگ چاقوتیزکن الماس تیز است .

وازیردا اوتوی بیلگلیگیم، تۆز ونلام، یاروقوم

گۆن تنگری یاروقین تگ کۆکۆز لۆگۆم بیلگه

ترجمه : از الماس تیزتر است دانای من، اصیل من نور من .

مانند نور آفتاب خدا سینه فراخ ، دانایم

کۆرته تۆزۆن تنگریم کۆلۆگۆم کۆزۆنچوم

کۆرته تۆزۆن تنگریم بۇرقانیم، بۇلۇنچسوزۇم

ترجمه : خدای زیبا و اصیل من شهرت و حامی من

خدای زیبا و اصیل من آتش فشان من ناپیدای من .

ترکی میانه (اورتا تورکجه) : ترکی میانه هم ادامه ترکی قدیم

است با مختصر تغییرات و زبان رسمی دولت قاراخانیان بوده است. چون

مردم کاشغر و بالاساغون و خوالی آنها هم با این لهجه صحبت میکردند

ترکی خاقانی یا ترکی کاشغری هم گفته میشود. این لهجه ترکی مدتها زبان ادبی مشترک آسیای میانه بود و بعداً در سه دوره و سه مرکز فرهنگی سه لهجه کاشغری، خوارزمی و جغتائی را بوجود آورد.

حکومت قره‌خانیان در اول قرن دهم میلادی تشکیل شد. قلمرو او ابتدا در ترکستان شرقی بود و بعد ترکستان غربی هم به آن ضمیمه شد و در ۹۹۹ میلادی شهر بخارا را گرفتند و به حکومت سامانیان خاتمه دادند. صا تَوْق بُغراخان، خاقان قاراخانیان در ۹۳۲ میلادی مسلمان شد و اقوام تابع خود را که عبارت از: ترکان قارلوق، ایغور، اغسوز و قبچاق بودند مسلمان کرد از طرفی همسایه ایرانیها بودند لهذا بمرور زبان عربی و فارسی در ترکی قاراخانیان نفوذ کرد و دو لهجه یکی متعلق به مردم و دیگری خاص طبقه بالا پدیدار شد.

ترکها بعد از آنکه مسلمان شدند به زودی بصورت مبلغین و مدافعان اسلام درآمدند و در اشاعه اسلام و فرهنگ اسلامی نقش مهمی بازی کردند.

بزرگترین نمایندگان زبان و ادب ترکی در این دوره محمود کاسا - شغری مؤلف دیوان لغات ترک و یوسف خاص حاجب مؤلف قوتا دغو بیلگ میباشند.

دیوان لغات ترک: در سال ۴۵۱ هجری و ۱۰۷۲ میلادی به وسیله محمود بن حسین کاشغری تألیف و به خلیفه عباسی ابوالقاسم عبدالله بن محمد المقتدی اهدا شده است.

این دیوان برای تعلیم زبان ترکی ادبی (لهجه خاقانی یا کاشغری) و لهجه‌های ترکی آن زمان (اوغوز، قبچاق، چیکیل، یغما و قیرقیز) برای اعراب نوشته شده و ضمناً اولین کتاب گرامر ترکی است و در باره اقوام مختلف ترک هم بهترین اطلاعات را داده و در عین حال مجموعه‌ای از منتخبات ادبیات خلقهای ترک زبان است. ضمناً برای توضیح معانی کلمات از امثال و حکم ترکی (آتالار سۆزی) استفاده کرده و در حدود ۲۹۰ مثل ترکی بکار برده است. گذشته از آنچه ذکر شد در دیوان لغات ترک از ادبیات شفاهی ترکان (چهار مرثیه، چند داستان، کلمات قصار و در حدود ۳۰۰ دوبیتی و پندنامه و غیره) بعنوان مثال نقل شده و نقشه‌ای هم از دنیا ترسیم شده است.

در دیوان لغات ترک نام و محل ۲۲ قوم ترک و همچنین ۲۲ قبیلۀ

اوغوز با علامات مخصوص آنها (دامغا ، تمغا) ذکر شده است .
 کاشغری ضمن شرح لهجه‌های مختلف ترکی و ویژگیهای آنها لهجه
 اوغوز را آسانترین و لهجه‌های توخسی و یا غما (یغما) را صحیحترین آنها
 میدانند ولی فصیحترین و ظریفترین لهجه ترکی را لهجه خاقانی می‌شمارد
 که زبان شهزادگان ترک و توابع آنهاست .

به نظر او اختلاف در لهجه‌ها بیشتر در فونم هاست مثلاً:
 - کلماتیکه در لهجه خاقانی با (ی) شروع میشوند در لهجه‌های
 اوغوز و قباچ (ی) حذف میشود . وییلان ← ایلان ، بیل ← اییل
 میشود و در بعضی کلمات (ج) میشود .

- در لهجه اوغوز ، قباچ و سؤوار (م) اول کلمات به (ب) تبدیل
 شده : پن ، بیندیم بجای من ، میندیم . (من ، سوارشدم) .
 - در لهجه اوغوز (ت) در اول کلمه به (د) تبدیل شده : دوه
 (شتر) بجای توه . بعضاً هم عکس این دیده میشود : بؤکته (خنجر) بحای
 بؤگده .

- (د) ترکی قدیم که در خاقانی و جغتائی به (ذ) تبدیل شده
 در اوغوز یغما ، توخسی در وسط کلمات به (ی) تبدیل شده مانند : قادین
 قاذین ، قاپین آغاجی . غ وسط اسماء و افعال (در حالت ادامه فعل) در
 لهجه‌های اوغوز و قباچ حذف میشود :

- تاماق ← تاماق یا داماق (سقف دهان) ، اورقان (رننده
 ووران .

- (ب) کلمات خاقانی در اوغوز تبدیل به (و) میشود : ائب ←
 ائو (خانه) ، بارماق (رسیدن) و ارماق . کاشغری بعد از شرح ویژگیهای
 لهجه‌های مختلف لهجه‌ای خاقانی و اوغوز را به تفصیل شوح داده است .
 به نظر محمود کاشغری یکی از ویژگیهای ترکی اوغوز وجود کلمات
 فارسی است زیرا اوغوزها بیش از دیگر اقوام ترک با فارسها تماس
 و نزدیکی داشته‌اند . کاشغری برای بیان این نزدیکی و اختلاط ضرب
 المثل قدیمی ترکان را ذکر میکند .

باش سوز یورک بولماس تات سوز تورک بولماس
 ترجمه : کلاه بدون سر نمیشود ترک بدون تات نمیشود .
 اینک چند نمونه از امثال و حکم (آتالار سوزی) و دوبیتی از دیوان
 کاشغری نقل میشود :

- بیرقارقا بیرله قیش گلمس (با یک کلاغ زمستان نمی آید).
 - قانبق قان بیلله یۇماس (خون را با خون نمی شویند).
 - بیر تیلکو تری سین ایکیلله سۇیماس (پوست یک روباه را دوبار نمی کنند).

- قۇرقمۇش کیشی گه قۇی باشی تۇش کۇرۇنور (کسیکه ترسیده باشد سرگوسفند را دوتا می بیند).

- آلپلار بیرله اۇروشما، بیگلر بیرله تۇروشما (با قهرمانان نهستیز، بابیگ ها در نیفت).

مرثیه افراسیاب :

آلپ ارتونقا اۇلدی مو ایسیز آچون قالدی مو
 اۇدلک اۇچین آلدی مو ایمدی یوره ک بیرتیلور

ترجمه : آلپ ارتونقا (افراسیاب) مرد. دنیای فانی ماند.
 زمان انتقامش را گرفت حال دل پاره پاره میشود.

قۇتادغۇ بیلگ : در سال ۱۰۶۹ = ۴۴۸ از طرف یوسف

اۇلوغ حاجب خاص بهرشته نظم درآمده وبه بُغراخان سلطان قاراخانسی
 تقدیم شده است .

قۇتادغۇ بیلگ یعنی علم اقتدار و سیاست یا سعادت، به مناسبت
 موضوع و محتوای کتاب انتخاب شده. موضوع کتاب پنداست وبه شکل مناظره
 ومکالمه نوشته شده. اثر به شکل مثنوی و در بحر متقارب مُثَمَّن مقصور
 مانند شاهنامه نوشته شده وبه شهنامه ترکی معروف شده است. جمعاً
 ۶۶۴۵ بیت است در آخر کتاب سه قصیده (۱۲۳ بیت) و در داخل کتاب
 ۱۲۳ دوبیتی بشکل شعر قدیم ترکی یعنی با یاتی نقل شده این کتاب
 اولین اثر منظوم ترکی بعد از اسلام است و از پایه های ادبیات منظوم
 ترکی است. زبان شاعر ترکی ساده و در عین حال ادبی است. در تمام
 کتاب بیش از ۱۲۰ لغت عربی - فارسی بکار نرفته (۸۰% عربی) بعد از
 مناجات پروردگار و مدح پیغمبر و خلفای راشدین و... متن اصلی که
 مناظره بین چهار شخصیت است شروع میشود. هر کدام از شخصیتها واقعیست
 یا حقیقتی را تمثیل می کنند :

کون تۇغدی (طلوع آفتاب) که پادشاه است. راه راست و عدالت

را تمثیل میکند .

آی تۆلدى (ماه كامل) كه، وزيراست سعادت، دولت واقبال را .
 اؤدولموش عقل ومنطق و اؤد قوزموش عاقبت رانشان ميدهد .
 كۆن توغدى ميگويد: اطرافيان پادشاه تابع اويند واگسـر
 پادشاه بدنباشد اطرافيان بد به دورخودجمع نميكنند .
 قوتادغو بيليك درضمن اينكه يكشاهكار ادبي وشعري است
 كتاب علومسياسي واداري واجتماعي است اين كتاب ازطرف مرحوم رشيد
 رحمتي آرات به تركي تركيه برگرداننده وچاپ شده است .
 اينك بعنوان نمونه چندبيت ازآن نقل ميشود:
 - بايؤسابدوسه ياديلسا چاوي
 بيسه تؤوسا ياتسا بؤييلقى تۇرور
 ترجمه : اگر شروتمند، بزرگ ومشهور هم بشود
 هر كه كارش خوردن وسيرشدن و خوابيدن باشد حيوان است .
 - بيليك بيرله بكلر بۇدون باشلاري
 اؤكوش بيرله ايل كۇن ايشين ايشلهدي
 ترجمه : بيگها (امرا) با علم سران ملت شدند - با عقل كار مردم را انجام
 دادند .

- تايانما تريگليگه تۇش تگ كئچير
 كؤونمه قيوى قوتقا قۇش تگ اۇچار
 ترجمه : به زندگي دل مبندمانند خواب ميگذرد
 به سعادت بيهوده اعتمادمكن مانند پرنده پرواز نميكنند .
 - تۇرۇتتى تىلك تگ تۇرۇ عالميغ
 يارۇتتى آچوقا كؤنؤگ هم آيبيغ
 ترجمه : همه عالم را بدلخواهش آفريد
 براي دنيا آفتاب وهم ماه را آفريد
 تركي خاقاني بعدازانتشار درميان اقوام ومراكز فرهنگي
 مختلف ترك زبانان تعبيراتي پيدا كرد وبه مرور درسه دوره پياپي
 ودرسه مركز سه لهجه تركي با مختصر اختلاف پيدا شد. اين سه لهجه
 حدود مشخصي با هم ندارند وعبارتنداز:

۱ - مركز كاشغري وتركي كاشغري يا خاقاني .
 ۲- مركز تركستان غربي يا خوارزم وتركي خوارزمي . از قرن ۱۳
 ميلادي منطقه آلتون اوردو نيز جزو اين مركز ولهجه تركي قرار گرفته

است .

۳ - ترکی جغتائی : این لهجه از قرن ۱۴ میلادی پیدایک قرن بعد در مراکز مختلف متداول شد و با آثار امیرعلیشیر نوائی به حد

اعلای تکامل رسید و ادبیاتی غنی بوجود آورد. آثاریکه به ترکی کما - شغری یا خاقانی نوشته شده با قوتادغو بیلگ شروع شده و مهمترین آنها عبارتند :

- عتبة الحقایق، تألیف ادیب احمد یوکنکی : اثری اسبب منظوم و در فضیلت دینداری و علم اخلاق نوشته شده و بوسیله مرحوم رشید رحمتی آرات بامتن ترکی ترکیه در سال ۱۹۸۱ چاپ شده است .
- دیوان حکمت احمدیسوی : اثری منظوم و دینی و اخلاقی آمیخته با تصوف .

- قصص الانبیاء را بغوزی : در مناقب پیغمبران و بوسیله ناصر را بغوزی نوشته شده ۱۳۱۰ - ۵۸۹ .

احمدیسوی مؤسس طریقت یسوی است و به پیرترکستان معروف است و اودین و تصوف را با هم آمیخت و سبب اشاعه اسلام و تصوف در میان مردم ترکستان شد .

طریقت یسوی در پیدایش طریقت های حیدریه در خراسان (قرن ۱۳) و بابائی و بکتاشی در ترکیه و همچنین طریقت نقش بندی تأثیر بسزائی داشته است .

- داستان اوغوزخان یا اوغوزنامه : به اوینوری نوشته شده به (نثر و نظم) و به لهجه کاشغری نزدیک است . دارای شکل قبیل از اسلام و شکل اسلامی است که بعد از قرن ۱۳ میلادی پرداخته شده و درجا - مع التواریخ و شجره ترک ابولغازی بهادرخان نقل شده است . نسخه خطی آن در کتابخانه ملی پاریس است و توسط پرفسور رشید رحمتی آرات در ۱۹۳۶ متن ترکی استانبولی آن منتشر شده است .

ویژگیهای ترکی خاقانی : (ب) ترکی قدیم تبدیل به (ف) یا سه نقطه (شده مانند اف بجای اشو. (د) ترکی قدیم تبدیل به (ذ) شده (نی) تبدیل به (ی) شده مانند قوی (گوسفند) بجای قونی . برای مفعول به (به) قا و که و بیئور نادر (آ، ا) آمده است .
پسوند ملکی، نین، نون میباشد . پسوند مفعول صریح اوق، اوک

می‌باشمانند: سوزوگ (حرف را)

پسوند مفعول‌عنه : دین ، این میباشد .

پسوند زمان آینده تاچی وچی و یا آچی و اجی میباشد مثلاً:

من آیداجی (من خواهم گفت)

ترکی خوارزمی : از مخلوط اوغوز — قبچاق و قانیقلی در منطقه خوارزم بوجود آمد و بعد زبان ادبی منطقه آلتون اردوش ، آشکار مهم نوشته شده در این لهجه عبارتند از : نهج‌الفرادیس ، معین‌المربد ، محبت نامه خوارزمی ، کتاب لغت مقدمه‌الادب زمخشری ، قصه بوسف .

— نهج‌الفرادیس درباره احکام دینی و اخلاقی و معجزات دینی بوسیله محمود فرزند علی اهل کُردر نوشته شده و متن آن بوسیله پرفسور *ECKMANN* به حروف لاتین برگردانیده شده و در ترکیه چاپ شده است .

— معین‌المربد : منظوم در ۱۳۱۳ = ۶۹۲ در خوارزم نوشته شده مذهبی — عرفانی است مؤلف آن شیخ شریف است ، نسخه خطی آن در کتاب — خانه بورساست .

— محبت نامه خوارزمی : مثنوی ترکی است از ۱۱ نامه تشکیل شده و با وزن مفاعیلُ مفاعیلُ فاعلُ نوشته شده . اثر در سال ۱۳۵۲ = ۷۳۱ هجری در حوضه رود سیحون با تمام رسیده است . در ترکی خوارزمی (ف) بجای (و) محفوظ مانده مانند آف (شکار) تغه (شتر) ، اذ (بجای ی) آذاق (پا) ، گاهی (ق) تبدیل به (خ) شده : یا خشی (خوب) پسوند مفعول صریح (نی) می‌باشد : یولنی (راه را) .

پسوند زمان آینده : غای، گی، غا، گه میباشد : بارغای من (من خواهم رفت) .

— مقدمه‌الادب زمخشری : برای تعلیم عربی به مسلمانان فارس، ترک و خوارزمی از طرف جلاله محمود زمخشری نوشته شده و به سلطان آتسیز خوارزمشاه تقدیم شده است .

متن به عربی است در بین سطور ترجمه فارسی و ترکی دیده میشود به لهجه خوارزمی نوشته شده و بیشتر درباره لهجه‌های اوغوز و قبچاق و قانیقلی اطلاعات میدهد از نظر لغات ترکی بسیار جالب و با ارزش است یعنی مثال چند نمونه نقل می‌شود : ائل ، ایل = قریه ، شهر ، ماست ، خلق . کبییت = دکان (کلمه روسی کبییتکا از این ریشه است) .

بیرایلیک = همشهری . ایسیق صوی = حمام . بشکت = مدرسه اؤبا = ده سین = قبر . سینلاق = مقبره . قونوملوق اِف = مسافر خانه . کسون - باتارییر = مغرب . کون توغاریر = مشرق . تام = دیوار .

قسمت ترکی مقدمة الادب یا شرح تفصیلی آن در ترکیه بوسیله پرفسور نوری بیوجه در سال ۱۹۸۸ چاپ شده است .

- خسرو و شیرین قطب : ترجمه منظوم خسرو و شیرین نظامی گنجوی است . در سال ۱۳۴۱ در خوارزم بوسیله قطب نوشته شده . نسخه خطی در کتابخانه ملی پاریس است .

- رونق الاسلام : این اثر منظوم برای تعلیم اسلام به مردم ترکمن سروده شده و یکی از بهترین نمونه های لهجه ترکمنی است . در سال ۱۴۶۵ = ۸۴۴ بوسیله شیخ شرف خیوه ای نوشته شده است .

زبان ترکی در منطقه آلتون اوردویا دشت قیجا ق : اکثریت مردم دشت قیجا ق (بین نهر دنی پیر و ولگا) را قیجا قها تشکیل میدادند . بعد از تشکیل حکومت آلتون اردو بوسیله فرزند چنگیز (جوجی) و پسر او ، مغولها چون در اقلیت بودند در میان قیجا قها مستحیل شدند . مهمترین اثر ترکی قیجا قی کودکس کومان (مجموعه قیجا ق) میباشد .

- کودکس کومانیکوس از طرف مسیونرهای مذهبی ایتالیائی و آلمانی در اوایل قرن ۱۴ برای تبلیغ و تعالیم مسیحیت در میان ترکان قیجا ق نوشته شده و نسخه خطی آن در کتابخانه سنت مارکوس در ونیز است .

دفتر اول که قسمت ایتالیائی نامیده میشود از لغت لاتینی (ایتالیائی) - فارسی و قیجا قی تشکیل شده حاوی حدود ۲۵۰۰ کلمه میباشد : اینک چند نمونه نقل میشود :

تیزی = خدا	کؤرکلؤ = زیبا	اؤلتوروق = صندلی
اؤجماق = بهشت	یا مان = بد	اؤتاچی = دکتر جراح
تاموق = جهنم	ایگی ویا خشی = خوب	اتمکچی = نانوا
قویاش = آفتاب	کؤووز = قالیچه	یالچی = عمله مزدور
تاندا = فردا	آقچا = پول	یارقوچی = والی و حاکم
	آچقو = کلید	تولماچ = مترجم .

دفتر دوم از کتاب لغت قیجا قی - آلمانی و متون قیجا قی دعا های

مسیحی و جیستای قیجاقی تشکیل شده این مجموعه چون به حروف لاتین نوشته شده از نظر بررسی فونته‌تیک ترکی بسیار مهم است .
 از نظر فونته‌تیک نکات زیر جالب است :
 - صدا های بلند قدیم بطور پراکنده مانده است .
 - صدای فتحه و کسره هر دو موجود است مانند : کشچه .
 - مخزجهای بیصدا مانند ترکی قدیم است .
 - مخزجهای (ه)، (ف)، (چ) مخصوص کلمات بیگانه است .
 - (ذ) تبدیل به (ی) شده مثلاً اودقو (خواب) تبدیل به اویخو شده است .

- (ب)، (گ)، (غ) تبدیل به (و) ویا (ی) شده است .
 - (ق) ترکی قدیم قبل از حروف بیصدا تبدیل به (و) و (ک) شده مانند : اوقشا - اووشا، اوکشا ویا (خ) شده مانند : توؤدی - توؤدی (سیر است) .

در ترکی قیجاق کتابهای لغت و گرامر نیز نوشته شده که از مهم ترین آنها دو کتاب زیر نقل میشود :

- لغت ابوجیان اندلسی یا کتاب الادراک للسان اتراک . لغت قیجاقی مصری است در ۱۳۱۲ نوشته شده است این لغت در سال ۱۹۳۱ توسط پرفسور احمد جعفر اوغلو در استانبول چاپ شده است .

- لغت ابن مهنا : در ایران در زمان بلخاتیان نوشته شده در سال ۱۹۸۸ در آنکارا از طرف آکادمی زبان و فرهنگ، با برگردان ترکی ترکیه چاپ شده است .

ترکی جغتائی : ترکی جغتائی از زمان امیر تیمور پدیداشدو در زمان تیموریان تکامل یافت و با ظهور امیر علی شیر نوائی به اوج کمال رسید .

این لهجه بر مبنای گویشهای محلی مانند اندیجان و ترکی ادبی آسیای میانه و اختلاط آنها بوجود آمده و در آن تاثیر آذری زیاد بوده است .

نوائی که در اشعار فارسی شافانی تخلص کرده بزرگترین شخصیت ادبی تاریخ ادبیات ترکی است . او ۳۲ اثر نوشته که ۱۶ اثرش به ترکی، بقیه به فارسی است . نوائی مؤسس و رهبر مکتب آکادمی هرات است که از آنجا مورخینی مانند حافظ ابرو، عبدالرزاق سمرقندی میخوانند

خواندمیر و دولت‌شاه سمرقندی و خطاطانی مانیند سلطانعلی مشهدی و علی تبریزی و نقاشی مانیند بهزاد در آنجا پرورش یافته‌اند .

غیر از نوائی دوست وی سلطان حسین با یقرا نیز حامی این مکتب بوده است . نوائی به ترکی و فارسی دیوان دارد او خمسۀ نظامی را به ترکی برگردانیده و مؤلف مجالس الشفاش اولین تاریخ ادبیات ترکی است بعلاوه رسالۀ محاکمة اللغتین را در مقایسه زبانهای فارسی و ترکی ا و نوشته است .

نوائی در این رساله بعد از مقایسه دوزبان و اشبات برتری ترکی از شعرای ترک گله میکند که چرافقط بفارسی شعر می‌سرایند ، بعد از آنها میخواهد که از مشکل بودن زبان ترکی نترسند و در زبان مادری هم طبع - آزمائی نمایند .

غیر از نوائی سلطان حسین با یقرا که دوست و همدرس او بود در پیشرفت زبان و ادبیات ترکی بسیار مؤثر بود و فرمان نوشتن به ترکی را صادر کرد ، خودش هم شاعر بود و تخلص حسینی را انتخاب کرده بود زمان او را دوران طلائی ادبیات ترک می‌نامند .

بعد از نوائی شاگردان او که از ایران و روم آمده بودند شعرو لهجه ادبی جغتائی را به دیار خود بردند و دیری نگذشت که شعری برای آنا طولی و آذری بالهجه جغتائی شعر گفتند مانند کاظم سالک ، نشاط و حجت و در آنا طولی شیخ غالب و ندیم و غیره .

همچنین ادبا برای فهم آسان آنا رنوائی فرهنگ لغات جغتائی تألیف کردند که از آن جمله لغت سنگلاخ تألیف منشی نادر شاه میسرزا - مهدیخان آسترآبادی را میتوان نام برد .

ویزگیهای ترکی جغتائی :

- (ن) غنّه ، نگ و (خ) موجود است .

- فتحه و کسره در اول کلمه و هجای اول اغلب به ایی (ا) تبدیل

میشود : سبکیز (ا) ، تینگری (خدا) کیل (بیا) . اغلب اوقات (پ) به (ف) (

تبدیل میشود : توفراق بجای توپراق (خاکه) .

- کلمات فارسی و عربی همیشه پسوند صخیم می‌گیرند مانند فقیرقا

(به فقیر)

- برای زمان آینده مانند ترکی قدیم . قای ، گی ، قا ، گه ، قو ، گو

بکار می‌رود : قیل قای من (خواهم کرد) . برای فعل کمکی توانستن بجای

فعل بیلیمک (دانستن) فعل الماق (گرفتن) بکار می‌رود مثلاً: قیلا لسانگ
(اگر بتوانی بکنی) بجای قیلا بیلسن .

اینک برای نمونه چند بیت از منظومه لیلی و مجنون اورا که از
زبان مجنون گفته شده نقل می‌نمایم :

مُهَلک غمینی عیان قیلور مین
یا خود غم عشق دین خلاص ایست
افزون قیل و قیلما ذره‌ای کم
اؤر قلبیمه عشق کیمباسیسن
عشق ایچره مین بیوق ایله یارب
لیلی غمیدین کناره توت قیال
اؤل قومقا تینگری غدر قولقاي
لیلی شوقین رگیمده قان قیال
یا دینی حیا تم ایت الاهی
جانیمفا وصالینی نصیب ایست
بودمنی قیال آتسیز اولسانا بود

بوعشق اوتی کیم بیان قیلور مین
دیمین کی مینی طربغا خاص ایست
دیرمین که مانگا بواؤتنی هر دم
چیکه عینیمه عشق توتیاسیسن
گونگلوبم غم ایله توق ایله یارب
دیزلر مانگا عشقینی اؤتوت قیال
آللاه، آللاه بونی سوز اولقنای
لیلی عشقین تنیمده جان قیال
دردینی نجاتیم ایت الاهی
دردیمفا خیالینی با بیت ایست
آنسیز مینی بیردم ایتمه موجود

عطا امیری "گونول"

من اولوره م آغلاسن - گوزلریمی با غلاسن
نیسگیلمی ده انله - اورکلری دا غلا سن
ایسترم کی نار اولسون - هیوا اولسون بار اولسون
مرده قاپی با غلیان - درده گرفتار اولسون

يازيميزا چئويرهن: عبدالكريم منظوري خامنه
منبع: ادبيات غزشتي ۲۵ - اكتوبر ۱۹۹۱.

○ محمدامين رسولزاده:

ديريليكنه دير؟

ديريليكن، ايشته بيرموضوع كى، صحيفه لر دولوسو يازى يازديرا
بيلهر، فقط، بيز "ديريليكى" نلادينغيميزگيبي آنلاماق اوچون حال
حاضر دا ديريليكن اوچون اولونان حرب لردن وديريليكن يامينه اجرا
اولونان ايتالاردا ن داها بليغ بيربى ان اولنماز ظنده بيز.

دونيما متمدن ملت لرى اوز ديريليكن لر ينى تامين اوچون
جهنمى سيلاحلارلا مسلح اولوب بير - بيرلر ينى اوستونه هجوم ائدييو -
رلار. نه عجاب بير تلقى كى، ايسته ديكلرى گيبي ديريله بيلمك اوچون
اولومو قبول ائدييورلار.

ديريليكن اوچون اولمك اوروپا ديريليكى بو درجه ده معزز
دوتويور و اونما بوقدهر اهميت و ثريور. حال بو كى شرقه، على الخصوص
شرقى اسلامدا يالقيز اولمك اوچون ديريلييورلار. باشقا لاريندا مقصد
ديريليكن ايسه بيزيم مقصديميز اولومدور. ايشته ديريليكى وديريليكن
فيكرى نين اوروپا ليلارگيبي آنلاييب و آنلادا بيلمك ديريليكن مقصدينى
تشكيل ائدييور.

اوروپا ليلار جا ديريليكن محضا" قوتلى اولماقدان عبارتديسر.
بدنا" وروحا" قوتلى اولماق. گرهك بير انسان و گرهك بير ملت علمان" و
وبدنا" قوتلى اولمايىنجا محرومدور. يا شا يا بيلمك اوچون ايجابىندا
يا شاماغى بئله فدا ائده بيله چك قدهر رشيد اولان ملت لرديركى،
دونيا دا ديريليكن حقى قازانييورلار.

مدافعه نفس و مبارزه حيات خاصه سى ذاتا" بوتون موجوديتا تا
قويولموشدور. انسان دگيل، حيوانلار دى اوز نفوذلار ينى مدافعه اوز
ديريليكن لر ينى محافظه اوچون وار قوه لرى ايله چالشييور، چير -
پيشييورلار.

انسانلار بلا فرق ملت و مذهب دشمن عمومى لرى اولان طبيعت له
مبارزه ائتمك مجبوريتينده ديرلر گوردويوموز مدنيت، ايچينده
بولوندوغوموز عمران ايشته بشرى تين طبيعت له ائديكى دا والاردا ن

آلديني غنيمت لرددير. هر هانكي ملت كي، طبيعته قارشى اجرا اولونسان محاربه بده داهبا جاريقلى وداها قوتلى دير. اول ملت طبيعتدن آليمان غنيمتدن ده داهبا زياده استفاده ائديور. هله يالقيز بونوت سلا قالما ييب دونيانين نعمت لربنى تقسيم ائده ركن ديري ملت لرا اولر. ينه هر كسدن زياده پاى جيقا ريبورلار، ايشته بوخصوى، عمومى دير يليكدن باشقا انسانلار آسندا بيرده خصوى بيرد يريك، وجوده كتير ييور. كي، بوخصوى دير يليك لربن ان مكممل بيرشكيلي مى. دير يليك لرددير، ملت لر قوتلى و مترقى اولما ديقتا و دير يليكي، معنائى - حقيقى و مادي سيله آنلاما ديقتا طبيعتدن آليمان غنيمت لردن حصه لربنسه آنجاق بير قوت لاي موت دوشر. ايشته بو قوت لاي موتا قناعت ائدهن ملت لر كارگاه بشريته ان سفلى خدمت لرا يفا ائدهن سفيل عمله لرددير. نفت معدن لربنده چالیشان "جورنى رابوچى" لر گيبي .

بنجه مدنيت بشريته ملت لربن زحمت لربندن حاصل اولان بيير يئكوندور. هر ملت اوز اقتدار و اوز استقلالى سايه سينده، يعنى اوز دير يليكي ايله او يئكونا خصوى، خصوى اولدوغو قده رده قيمتلى بعضى شئيلر علاوه ائدييوركي، بير ملت ين اولمه سي و يا خود اولگون فيكر لرله ياشاماسى يالقيز اوزونون بدبختلىغىنى دگيل، بشريت ين ده بو بؤك بير نقصانىنى تشكيل ائدييور.

بوخاريدا باشقا لاري دير يليك اوچون اولدوكلرى حالدا، بنيزيم اولمك اوچون دير يلدېگيميزدن بحث ائتميش ايدېگ. ايمدى تكرر بو بحثه عودت ائده ليم :

بيز يعنى اسلام عالمى و اسلام ملت لرى دينيميز ين ساغلام امر لربندن چوخ اوزا قلاشاراق، دونيا دير يليگينه غريب بير نظرله باخماغا باشلا ديغيميز زماندان برى باشقا لاري ين ريزه خواري و او نلاردا كي ترقى و عمران ين اسير و دستگيرى اولدوق، بونو اعتراف ائتمه لي ييز، بيزجه، دونيانين دير يليگى بير مانقورا دگمز. بئشگون دونيادان اوترو انسان چاليشماسا، داهبا معقول بير ايش گورموش اولوبور، چونكى بو دير يليك موقتى دير، بوراسى دابيركار و انسر اادان عبارت دير. دؤغروندان دا، اسلام عالمى ايله آروپا عالمى ين آباد - ليفى مقايسه ائديلسه، بيرينجى سى ين خرابه بيركار و انسر اادان عبارت اولدوغو همان آنلاشيلار.

فقط، دۆشۈنمەلىدىكى، بۈگۈن دۇنيا تىن ان محكم سنگرلىرىنى
خاكايلە بېكسان ائىدەن تۇپلارنىن مقابلىندە كۆھنە كاروانسرا لازىق
حالىنە اۇلار .

بۈگىنى كاروانسرا لازىن انسانى ياشادا بىلەجگىندىن بىشت
ائىمەلىم . بۇنلار اۇلۇمۇ چارچىمىلە گۈزەلەين بىر عابدىن حضور قلب
ايلە راز و نيازىنادا كافى گلمز .

بۇيلە دۇنيا يا بىر قلم چكىب دە بۇتون دىرىلمىگى آخرت دىرىلى-
گىندىن عبارت بىلمەگى بىرا مردىن بىلمك سلىم دۆشۈنچەلرسە ، بۇيوك
بىر خطا دىر . چونكى بۇتۇن نتيجهسى مادى ومعنوى بىر فلاكت دىرگىنى ،
دۇنيا نىدا ، آخرتىدە بربادا ئدە بىلەر . "الدنيا مزرعة لاخرت" . مزرعهنى
آباد ائتمك لازىم دىر . بۇنادا آنجاق دىرىلر يارار . دىرىلىك ايسە
علماء ، روحا" و جساما" قوتلى اولماقدان و دىرىلىكى سئمكدان عبارت دىر .
نظره بىراز غرىب گلەدە ، دئمك ايستە نيورمكى ، دىرىلىك بىر
معنادا دۇنيا نى سئمكدان عبارت دىر .

دىرىلىك لىرىن قىمت لىسى دە ملتى دىرىلىك دىر . "ملتى دىرىلىك"
موضوعوندا بىر سلسلە مقالات بازاماغى محترم قارىلەر بىمە وعدا ئتمك
لە برابر ، بۇ پرىشان سئبىرلردە بىشتىرمك ايستە دىگىم فىكرى خلاصە
ائتمك لە ختام مقال ائدەجگم . دىرىلىك نەدىر ؟

فىلسوفلار و صوفىلر نەدئىبىرلرسە دئسىنلر ، دىرىلىك دۇنيا نى
سئمكدان واۇز حقوق و ناموسونو محافظە ائدە بىلەجك قەدر قوت لى
اولماقدان عبارت دىر . ايشتە مطبوعا تا بىشنى جىخان "دىرىلىك" دە اۇز
ملتى اوچون بۇيلە بىر دىرىلىك آرزو ائدەر .

تعيينى سۆز بىرلشمه لر ينى نئجه ايشله ده ك ؟ (۱)

منحوس په لوى رژيمى دؤورونده ديليميز اؤزون ايللر آغوشار آلتيندا اولدۇ، حتى اداره لر و مدرسهلر ده آذرى ديلينده دانيشماق دا ياساق اولدۇ. بؤمدته آذرى ديلينين مکتبلر ده تدريس اولون - ماماسى و بوديلده مطبوعاتين قاداغان اولماسى اوجوندا ن ، آذرى ، روشنفيكيرلرى يالنيز آنا قوينوو يا شاديقلارى محيطده اؤيرنديكلرى دانيشيق لهجه سيني بيلديكلرى حالدا ، ادبى آذرى ديلينين قايدالارى صرف - نحويله تاماميله بيگانه اولدولار ، حتى بعضى اؤزدن ايراق آذرى روشنفيكيرلرى آنا ديللرينى بگنمه ييب ، اونها دانيشماغى بئله عار بيلدیلر .

قرآن مجيددين احكامينا اساسلانا ن اسلامى حكومت ، شونىستى و ضدملى سياسته سون قويدو . ازيلميش وديللرى تا پدالانميش ايسران ملتلى ، اوجمله دن آذربايرين ديلينده مطبوعات نشرا ولما غا باشلادى . لکن ايران آذربايجانى روشنفيكيرلرينين اؤز آنا ديللرينين علمى صرف - نحويله تانيش اولما مالارى ، هابئله صون زامانلارا قدر آذر - بايجانين علم اوجاقلاريندا آذرى ديلينه مناسبتين شاه دؤورو اول - دوغو كيمى قالماسى ، اونون علمى اصول ايله گئشيش مقيا سدا اؤيرنيلى - مه مەسى ، تدريس اولونما ماسى نتيجه سينده ، نشر اولونسا ن آذرى مطبوعاتيندا ، ديليميزين علمى صرف - نحوى باخيميندا ن بير سيرا يالنيش جهتلر اؤزونو گؤستيرير .

اؤزون ايللرين نشاريندا ن سونرا تا زان آياق آچيب يولادوشن بير مطبوعات اوجون بئله حال لار عادى و طبيعى سا بيلسا دا ، معاصير حيات و خصوصيله اسلامى حكومتين آدو حيثييتى بو ايرى جهتلرين - ايمكان قدر سرعتله آرادان قالديري لماسيني ، آذرى ديلينين بوتون آذربايجان دانىشغالارى ، علم اوجاقلارى ، اورتا وابتدائى مکتبلرين - ده تدريسينه باشلانماسيني تاخيره سالىنما ز بير وظيفه كيمى طلب

اڻديرو.

بيز بورادا سون زامانلار آذريجه چاپ اولونموش كتابسلا
مخزئت ومحلهرده تئز - تئز راست گلدیگيميز، تعيینی سۆز بيرلشمه -
لريله علاقه دار، بير يالنيش جهتي گؤسترمه چاليشا جاييسق، اودا
تعیینی سۆز بيرلشمه لرینی بیری - بیرینه چئویرمکده، داها دوغروسو.
اونلاری بیری - بیرینین یئرینه ایشلتمکده دیر.
بو يالنيش جهتلری آچیب گؤسترمک اوچون، معاصر ديلچسی -
ليگيميزين نحوینده " تعيینی سۆز بيرلشمه سی "، اونون نوعلری
خصوصیتلریله، قیسا شکیلده، تانیش اولماق لازیم دیر.



ایکینجی دونیا محاربه سی ایلترینه قدر آنا دیلیمیزده اولان
سۆز بيرلشمه لری، فارس و عرب گراممترلی تأثیرینده، فارس و عرب
اصطلاحلریله "صفت و موصوف" / صفت بيرلشمه سی /، مضاف و مضاف الیه
اظافت بيرلشمه سی / وسایره آدلانیردی. بير صورتده کی، دیلیمیزین
سۆز بيرلشمه لرینده کی نحوی اساسلار، فارس و عرب دیل لرینده کی بيرلش-
مه لرین نحوی اساسلاریله، بیرسیرا حاللاردا عینی و اوخشار اولسادا
بیرسیرا یئرلرده اونلاردان تامامیله فرقلنیر. یعنی آنا دیلیمیز-
ده، عرب و فارس دیل لرینده اولمایان و بالنیز دیلیمیزه خاص اولان
نحوی اساسلارا مالیک ائله سۆز بيرلشمه لریده واردیرکی، اونلاری
باشقا دیل لرین نحوی چرچیه سینه سیغیشدیرماق اولماز. منشیلا
" آقاچ قاپی - قیزیل ساعات - گوموش قاشیق - شمشک قانا د کیمی
سۆز بيرلشمه لری عینی شکیلده فارس و عرب دیل لرینده اولما دیغیندان
ترجمه زامانی صفت بيرلشمه سی اولور. بونا گوره ده بوسۆز بيرلشمه-
لری اولور، او دیل لرین سۆز بيرلشمه لری بؤلگولرینه داخیل اولار
بیلمه دیکلریندن، نحویمیزده اؤیرنیلمه میش قالیردی.

نحویمیزده اولان بو چاتیشماز جهتی آرادان قالدیرماق و
دیلیمیزین بوتون سۆز بيرلشمه لرینی احاطه اڻديب نحو چرچیه سینسه
داخیل ائتمگی نظرده توتان مشهور دیلچی عالم رحمتلیک، پروفیسور-
مختار حسین زاده ایکینجی دونیا محاربه سی ایل لریندن باشلاپ راق،
بو موضوعو تحقیق ائتمگه باشلاپیر و آراشدیرمالارینین نتیجه لرینی
مختلف ایلرده چاپ اڻدیریر.

مختار حسینزاده گۆستریرکی، معاصر آذری دیلینده، نحوی علاقہلر و فورمال صرفی علامتلری بیری - بیرینه باغلاناراق واحدبیر سۆز شکلینه دۆشموش بۆتون ایکی سۆزلو بیرلشمه لرین بیرینجی طرفلری مختلف شکلده و مضموندا، ایکینجی طرفلرینی تعیین ائدیر. بونسا - گۆره ده، او، بو بیرلشمه لرین هامیسینی: هم / عرب و فارس دیللی - نین صفت بیرلشمه لرینه برابر / "یا شیل چمن"، هم / اولارین اضا فست بیرلشمه لرینه بوابر / "ارک قالاسی - خلقین اراده سی" کیمی سۆز بیرلشمه لری، همده آذری دیلینه خاص اولان، عرب و فارس دیللی رینده اولمایان "گوموش قاشیق - قیزیل ساتاغات" کیمی سۆز بیرلشمه لرینی، عمومیتله "تعیینی سۆز بیرلشمه سی" آدلاندیردی .

دیلمیزده کی ایکی سۆزلو تعیینی سۆز بیرلشمه لری، اولار -

داکی نحوی علاقہ و فورمال علامتلره گۆره ، اوچ شکلدن بیرینده اولور:

۱- بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی :

بونوع تعیینی سۆز بیرلشمه لری ، هئج بیر فورمال - صرفی ، شکلی علامت اولمادان، یا آدلیق حالدا اولان ایکی اسمین / آغا چقا پی /، یا بیر صفت و آرذینجا آدلیق حالدا اولان بیر ساده اسمین بیرلشمه سی - ندن / یا شیل چمن /، یا آدلیق حالدا اولان بیرسای و بمر اسمندن / بئش داش /، یا دا بیرینجی طرفی اشاره عوضلیگی و آرذینجا آدلیق حالدا اولان بیر اسم و یا اسملشن باشقا بیر نطق حصه سیندن اولان سۆزدن ، یارانیر / او آدام - بئله ایش - هامان حادثه /

بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی بۆتون تورک سیستملی دیلر، او جمله دن آذری دیلینده ان اسکی ، ان قدیم سۆز بیرلشمه سی اولموشدور. تاریخی فاکتار گۆستریرکی، بو سۆز بیرلشمه سی "توزک" اصطلاحی یارانمادان چوخ اولر، تورک دیلی و تورک خلقلرینین اولو بالاری اولموش بیتیشیک ، التماقی / آق لوتینا تیف / دیلی خلقلر زامانی بئله بیر سۆز بیرلشمه سی بیمیش . اونا گۆره کی ، بیلدیگیمیز کیمی ، فارسار طرفیندن "افراسیاب" آدلانمیش مشهور تاریخی - افسا - نوی شخصیتین تورکلر داخلینده اصیل آدی "آلپ ارتونقا" اولموشدورکی، اوچ کلمه نین بیرلشمه سیندن یارانمیشدیر. (آلپ ارسلان" سۆزوده بئله دیر). اوندان اصیل آد "تونقا" اولدوغو حالدا ، "ار / کیشی -

مرد / " (هم اسم، همدە. صفت) و " آلپ / قهرمان. ابگیت / (اساساً صفت) کلمه لریده اونا قوشولوب بیرلشمه یاراتمیشدیر. تاریخاً معلومدورکی آلپ ارتونقا " میلاددان ۸ - ۷ قرن قاباق حدودلاریندا یاشامیشدیر. " آلپ ارتونقا " سۆزونون ایکی قات بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه مەسی اولدوغونو نظره آلاراق، جسارتله دئییه بیلرکی، بوبیرلشمه، او زامانکی تورک دیل لرینده افراسیاب دؤوروندن چوخ - چوخ اول، بلکه ده اوندان نئجه مین ایل اول یارانماغا باشلايان بیر دیسلل حادثەسی اولموشدور. فیکریمیزی آجیق ثبوت ائله مین " اسکو " شەرینین اصیل آدی اولموش " اوش کایا " کلمە سینی گؤستمک اولار. افراسیاب دؤوروندن چوخ قاباق، میلاددان ۱۲ - ۸ عصر اوللرین تاریخینده " آشوری " منبعلرینده بو آدا راست گلیریک. بودؤورلرده و اوندان دا اوللر آشوری شاهلاری هر نئجه اون ایلدن بیر اورمو گؤلونسون جنوبو ویا شالیندان آذربایجانا سوخولوبه بو گؤلون شرق و شمال کنارلاریله، " تاراکیس " / تبریز / شەریندن بئله ردا ولوب کئچرەک هر یئری تالاییب چا پار، اولداییب ویران ائدرەک گئدردیلر. همین آشوری شاهلاری اؤز سفیرنامەلرینده بعضا اورمو گؤلونسون شرق ساحیللریله " اوش / سهند / داغلاری آراسیندا، سهند یا ماجلاریندا یئرلشن " اوش کایا " قالاسیندان، اونون مقامت گؤستریب خراب ائدیلمە سیندن ده سۆز آچمیشلار / باخ: تاریخ ماد. ا. دیاکونوفه تهران ۲۵۳۷ ص ۲۰۲ و " آذربایجان درسیر تاریخ ایران ". رحیم رئیس نیا. جلد ۲ ۱۳۶۸. ص ۸۷۵ / زمان کئچدیگجه، ایشلنمک نتیجه سینده " اسکو " شکل - یینه دوشموش " اوش کایا " / اوج قایا / سۆز، بیر یئر آدی اولماق اعتباریله، هئج شەهه سیز، اوندان عصیرلرجه قاباق، هله آریالاریسن منطقە میزه کلمە سیندن اول، سای واسمدن دوزەلن " بیش داش " تیپلەسی بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمە سیدیر.

هر بیر دیلین قایدا - قانونلارینین یارانماغا باشلاماسی فورمالاشیب مشخص شکلە دوشمە سینە عادتاً اوزون عصیرلرین لازیم اولماسی نظره آلینارسا، فیکریمیزده هئج ده مبالعه گورونموز. بوگون دیلیمیزده ان چوخ ایشلنن مهم سۆز بیرلشمە لریندن بیر اولان " بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمە لری " ایکی اساس سۆز بیرلشمە سی دستە سینی اوزونده بیرلشدیریرکی، اوللارین هر ایکسی

"آلپارتونقا" سۆزۈندە بىر آرايا توپلانمىشدير. بوايىكى دستەسۇز بىرلشمەسىنىڭ بىرى "ايگىت خلق" كىمى، فارس و عرب دىللىرىنىڭ "صفت و موصوف" شەكلىدە، "ايگىتچىسى"، قىزىل زنجىر "شەكلىدە دىركى فارس و عرب دىللىرىدە بو شەكلىدە يوخدور و ترجمە اولدوقدا، اساساً يىئەندە صفت و موصوف كىمى اولور. /ساعت طلايى - ساعة ذهبية /

بو سۆز بىرلشمەلىرى، دىللىمىزىن مشهورمىتخەسى مرحوم پروفىسور زونوزلو مختارچىسىن زادە طرفىندەن اونا گۆره "بىرىنچى نوع تعيينى سۆز بىرلشمەسى" آدلاندىرىلمىشديركى، اۇنلار بىر ها مىسىندا بىر عمومى مضمون خصوصىتى، بىر نحوى خصوصىت واردىر، اۇدا بوندان عبارتدىركى اۇنلار بىرىنچى طرفلىرى ايگىنچى طرفلىرىنى تعيين ائدىر، اۇنلار بىر يا كئىفىت، نەجورلوگون، يادا نە جنس و يا نەن قا بىرىلدىغىنىسى گۆستىرىر. / ايگىت خلق - قىزىل ساعات / وعينى زاماندا ھىچ بىر فورم - مال - صرفى علامتى اولمور. بو ايگى نوع سۆز بىرلشمەسى "آلپارتونقا" سۆزۈندە بىرلشمىشدير، اونا گۆرهكى، اۇنون اصلى اۇنجى يارانمىش "ارتونقا" و داھا سونرا مئيدانا گلمىش "آلپتونقا" معناسى و شەكلىدە ايمىشكى، ايگىنچى طرفلىرى مشترك اولدوغونىدان اختصار ائدىلر، "آلپارتونقا" شەكلىدە دوشموشدور.

دئىمك بوگون دىللىمىز دە گئنىش شەكلىدە ايشلەنن بىرىنچى طرفلىرى ايگىنچى طرفلىرىنى تعيين ائدەن و نحوىمىز دە "بىرىنچى نوع تعيينى سۆز بىرلشمەسى" آدلاندىرىلمىش ايگى سۆزۈن بىرلشمەسى دىللىمىز دە اولدوقچا قديم بىر تارىخە مالىك دىل حادثەسىدير. بو بىرلشمەدە مطلق بىرىنچى طرف ايگىنچى طرفى معين جەتەن - كئىفىت، كمىست، جنس جەتەن تعيين ائتمەلى، مشخەش دىر مەلى، آچىقلاما لىدىر، بوخسا بىرىنچى نوع تعيينى سۆز بىرلشمەسى يارانماز و اوندان اۇلان مضمون و آنلام ائدە ائدىلمز. عىنى زاماندا بو بىرلشمەدە سۆزلىر ادلىق حالدا اولمالى ھىچ بىر فورم - صرفى علامت گۆتورمە مەلىدير.

۲* ايگىنچى نوع تعيينى سۆز بىرلشمەسى

بىرىنچى نوع تعيينى سۆز بىرلشمەسىنى يارانماسى، شەھەسىز حياتىن طلىسى و ضرورتىن ايجابى نەتىجەسىندە اولموشدور. حيات دايا نىسادان ايرەلى گئدىر. حياتىن انكشافى و ايرەلى مەسىلە ياناشى دىلەدە

انگشاف ائدیر. بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سینین قالیبی حیاتین ایرهلی سوردوگو تازا واقعیتلرین دیلده عکس اولونما سینا کیفاییت ائتمیر، دیلین جوخلو اخیل سۆزلیرى، بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیری- لشمه سی اساسیندا بیرلشکه، تازا مفهوملاری ایفاده ائتمکه کؤمک ائده بیلمیر. اجتماعى احتیاج تازا سۆز بیرلشمه سی اصولونو، بیری- نجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی اصولو ایله بیرلشه بیلمه یین سۆزلیرى بیرلشدیره بیلسن اصولا احتیاج دویور. بیرینجی نوع تعیینی سۆز- سۆز بیرلشمه سینى گۆز اؤنونده اؤرنک توتان خلق، تازا پرنسیپ اساس- بندا، ایکینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سینى یارادیر. بیرینجی نوعدا اولدوغو کیى، گئنه ده ایکی سۆز - اسمى یان - یاناقویور، لکن تامامیله تازا، بیری تمل، پرنسیپه مضمون ونحوى اساس نظره آلیر. بو تمل و اساس اوندان عبارت اولورکی، بیرینجی سۆز، معنا و آنلامى گئنیش - عمومی اولان ایکینجی سۆزون معنا و مضمونونو محدودلاشدیریر. مثلا : ارک قالاسی، تبریز شهری، ایران اولکه سی، آذربایجان ملتی، ... بو بیرلشمه لرده "قالا، شهر، اولکه، ملت" سۆزلیرى اولدوقجا گئنیش معنایا مالیکدیر، بئله کی، اوللارین هر بیرى مثلا "شهر" سۆز و عمومیتله شهر مضمونو و نتیجه ده مضمونجا بوتون شهرلری احاطه ائدیر لکن "تبریز شهری" ترکیبینه، خصوصی آد اولان، "تبریز" سۆز و اونسون گئنیش مضمونونو محدودلاشدیریر و یالنینز مشخص بیری شهرى بیلدیریر. "قالا، اولکه، ملت" سۆز لرینده ده وضعیت عینی ایله بئله دیر.

مطلق ایکی اسم یا اسملشن ایکی سۆزده ن عبارت اولان بسمو- بیرلشمه لرده بیرینجی طرف ایکینجی طرفی مشخص و معین ائتدیگی - محدودلاشدیردیغی اوچون، اوللاردا تعیینی سۆز بیرلشمه سی آدلاندیر- یلمیشدیر. بو بیرلشمه لرین ایکینجی طرفینده کی منسوبیت شکیلچیسى "ی - سی ۴ / ارک قالاسی - تبریز شهری - قویون سوروسو - آنادیلى - ایکی سۆز - بیری - بیری نه باغلایب واحد مضمونلو بیرلشمه نیس - یار انما سینا اساس عامیله ی، بئله کی، اگر او شکیلچی آتمیلسا، بیرلشمه اؤز معناسینی ایتیره ر، ایکی کلمه نین قارشیلیقلى نحوی علاقه سی قیریلار، واحد معنا آرادان کئده ر و کلمه لرین هر بیرى اؤزونه خاص معنا داشیما راق، جمله لرده، جمله عضولریله باشقا - با تفسا علاقه لره گیره ر. / تبریز شهرلرین ان قدیم لریندن دیر / بیر صورتده کی

ترکیب حالتیندا اولدوقدا ، منسوبیت شکیلجیسی "ی ۴" اونلاری واحد بیر کلمه شکلینه سالدیغی اوچون، اونلار جمله داخلینده آیری آیر یلیقدا دگیل، بیرلیکده، بیرکلمه کیمی بیرجه وظیفه داشییار و او، بیرى عضولرله یالغیز بیرجه علاقه ساغلايا بیلر. / تیریز شهسرى قدیمدیر /

دشک منسوبیت شکیلجیسی "ی ۴" هم ایکینجی نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینین فورمال علامتی، همده بیرلشمه نین ایکی طرفی آراسیندا نحوی علاقه یاراداندیر .

۳ اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه سی:

معاصر شفاهی و ادبی دیلیمیزده داها جوخ وگئنیش شکیلسده ایشلنن ایکی اسم ویا اسملشن کلمه ده ن یارانان سؤز بیرلشمه سی اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه سیدیرکی، هم معنا، همده فورمال صرفی علامت لرینه گؤره بیرینجی وایکینجی نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لریندن فرقلنیر .

اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه سینین بیرینجی طرفی بیه لیک حال شکیلجیسی " بین ۴ - نین ۴" وایکینجی طرفی منسوبیت شکیلجیسی " ی ۴ - سی ۴" قبول اندیر . مثلاً: آتانین باغی - دره نین چیچک سی قوزونون زینقیروو - مؤوون اوزومو - اسلامین حقیقت سی،

اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینین بیرینجی طرفلری بیه لیک حال شکیلجی سینین اولدوغونا گؤره ، همیشه معین لیک، بللی لیک / معرفه لیک / بیلدیره ر و عینی زاماندا بو طرف ایکینجی طرفین بیه سی، مالیک و ما حابی اولور، بیر صورته کی، بیرینجی نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینده بیرینجی طرف ایکینجی طرفین نجورلوک، سای ویا جنسینی بیلدیره ر، ایکینجی نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینده ایسه ، بیرینجی طرف ایکینجی طرفین اساماً گئنیش مضمونونو محدودلاشدیرار . دشک اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینده ده بیرینجی طرف ایکینجی طرفی مالکیت جهتن تعیین اندیر .

قتیید ائده کی ، ایکینجی و یا اوچونجو نوع تعیینی سؤز بیرلشمه لرینین ها نکیسینین تاریخا اسکرا ق اولما سینی معین لشدیرمک چتیندیر .



نظرده سا خلاما ق لازيمديركى، بو اوچ نوع تعيينى سۆز بىرلش-
 مه سينين دىلیمیزده هره سينين اوزونه خاص جرجيوهسى و ايشلنمه يئرى
 واردير، بئلهكى، اوللارين بىرىنى او بىرىسينين يئرينه ايشلتمك
 اولماز. بونا گۆرهدە بوگونه قدر بىز نه كلاسيك ادبى اشرلیمیز
 و مطبوعا تيمیزدا بونلارين بىرىنين ديگرينين يئرينه ايشلنمهسى حالدا
 ريله راستالاشديق، نەدە دىلچىلىك علمیمیزين نويونده تعيينى
 سۆز بىرلشمه لرينين بىرى - بىرىنه چئوريلمهسى بارەدە نظرى علمسى
 بىر سۆز اوخودوق.

دشمك اوچ نوع تعيينى سۆز بىرلشمه سىنى بىرى - بىرىلە قار-
 يشدیرماق، بىرىنى او بىرىسينين يئرينه ايشلتمك، بىرىنين صرفى
 علامتى ويا علامتلىرىنى آتاراق، باشقا سينين شكلىنه يالبا و نون
 يئرينه ايشلتمك دوغرو دگىلدير. اوچ نوع تعيينى سۆز بىرلشمه سينين
 هر بىرىنى، اوللارين معنا و مضمون لارينين ايجا بينا گۆره اۆز يئرينده
 ايشلتمك و بىلمك لازيمديركى، اوللارين بىرىنى باشقا سينين يئرينه
 ايشلتمك مومكون اولسا يدى، معنا و مضمونلارى بىر اولسا يدى، خلىق
 اولدن اوللارين بىرىنى و يا ايکيسىنى يا راتما زدى .

بونونلا برابر بونو داقتيد اشمك لازيمديركى، بو اوچ نسوع
 تعيينى سۆز بىرلشمه لرى آراسيندا ظاهيره كئچىلمز سرحد يوخذور.
 يعنى اوچونجو نوع تعيينى سۆز بىرلشمه لرينين بعضىلرينى شكىلجه
 ايکىنجى نوع حالينا سالماق اولار، لکن اوللارى اوچونجو نوع دگىل،
 يالنىز ايکىنجى نوع كىمى و ونون يئرينده ايشلتمك اولار. ها بئله
 بعضى ايکىنجى نوعلىر شكىلجه بىرىنجى نوع شكلىنه سالماق اولار، لکن
 اوللارى نه ايکىنجى، نەدە بىرىنجى نوع تعيينى سۆز بىرلشمه سسى
 يئرينه ايشلتمك اولار.

بىزيم بو مقاله نى يا زما قدان مقصديميز ده همين تعيينى سۆز
 بىرلشمه لرينين، يالنىش اولاراق، بىرى - بىرىنه چئوريليب ايشلنمه-
 سيندن يارانان خطلارى ايمكان داخلىنده آچىب گۆسترمدن عبارتدير.
 تا زان آياق توتان مطبوعا تيمیزدا، تعيينى سۆز بىرلشمه لريله علاقه-
 دار، نظره چارپان بو يالنىش جهتلىر ايکى يئردە اوزونو گۆستىرىر:
 ۱. ايکىنجى نوع تعيينى سۆز بىرلشمه لرينين يالنىش اولاراق بىرىنجى
 نوعا چئوريلمهسى :

بوخاريدا گۆردوگوموز كىمى، بىرىنجى و ايکىنجى نوع تعيينىسى

سۆز بېرلشمه لرینین هر بیرری اوزونه خاص صرفی - نحوی خصوصیت ومعنا - یا مالیکدیر. بونون دا نتیجه سینده هر هانسی ایکینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سینین ایکینجی طرفینین منسوبیت علامتی "۴۳" تیلدیقددا او ظاهیره بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سینه اوخشا سادا ، معنا و مضمون جهتدن بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سی اولابیلمز. اونون بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سی اولماسی اوچون بېرینجی طرفی یا صفت اولراق ایکینجی طرفین کشفیتینی ، یا بیر اسم اولراق او- نون جنسینی، یا دا بیر سای اولراق اونون کمیتینی گؤسترمه لی دیر. حتی بدیع علمیمیزده استعاره / بیرووووز / آدلانان بعضی بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه لریننده بو خصوصیت واردیر. مثلاً: شیمشک - قاناد ، لاله یا ناق ، کامان قاش، شالاه ساچ، نرگیس گؤز

ایکینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه لرینین بؤیوک حصه سی نسی بېرینجی نوعا چئویردیکده ، معنا سیز، یان - یانا گلن ایکی سۆز او- لور. مثلاً : ارک قالاسی ، ارک قالای ال قوشو، ال قوشو،

لاکن دیلیمیزده ائله ایکینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه لریده واردیرکی، اونلارین منسوبیت شکلجیلری آتیلیمیش واسلنیر. مثلاً : ال یازماسی - ال یازما ، ال بستی سی - ال بستی x قایین آتاسی - قایین آتا x قایین آتاسی - قایین آنا ،

اما بونلار بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سی یوخ، آرتیق مرکب اسم اولراق، بېرینجی کلمه لری وورغوسونو ایتیرمیشدیر. حالبو- کی ، بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه لرینده هر ایکی کلمه اوز ، مستقیل وورغوسونو ساخلامالیدیر. مقایسه اوچون "قایین آتا" و قایین آنا " سۆز لرینمن تلفوظو ایله "قیزیل ساعات" و "ارک قالاسی" سۆز لر- ینین تلفوظونه دقت ائتمک کفایتدیر .

دیلیمیزین بېرینجی وایکینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه لرینین بو خصوصیتلری وجهت لرینین نظره آلینما ما سیندان، بعضاً تا زا آساق توتان مطبوعا تیمیزین مجله ، غزئت وکتا بلاریندا " دوغوم ایل" کیمی ائله بېرلشمه یه راست گلیریک کی، او، شکلی و ظاهیری جهتدن بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سینه بنزه ییر، لکن معنا و طرفلرین نحوی علاقه سی جهتدن بېرینجی نوع تعیینی سۆز بېرلشمه سی دگیلدیر. چونکی ایکی اسمدن یارانان بو بېرلشمه نین بېرینجی طرفی ایکینجی طرفین- جنسی، کشفیتی ویا سایینی گؤستر میر. بونا گؤرده اونلارین آراسی-

ندا نحوی علاقه اولما دیغیندان ، بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی یوخ، ایک یان - یا نا گلن علاقه سیز سۆز اولموشدور . بیرلشمه نین طرفلری آراسیندا نحوی اهلگینین یا رانما سی اوجون ایکینجی طرفه منسوبیت شکیلچسی "ی" آرتیرما ق کیفایتدیر . " دوغوم ایلی " یعنی بیرلشمه ایکینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی شکلینه دوشر ، اونا گو ره کی ، بو حالدا ایکینجی طرفین گشنیش مضمونو بیرینجی طرف واسطه سیله / دوغوم / محدودلاشیر ، یعنی ایکینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه لرینین نحوی وفورمال خصوصیتلرینه مالیک اولور .

داها چوخ شعر کتابلاریندا ، او جمله ده ن "دیوان حیران خانیم" ، " ادبیات اوجا غی / بیرینجی و ایکینجی جلد / اثرلرینده ایشلنمیش " دوغوم ایلی" بیرلشمه سی ، نظره گلن ، فارس دیلینین "سال تولد" سۆزونون ، نحوی علاقه نی نظره آلمادان ، ساده جه ترجمه سی ویبا اونون تأشیرینده مثیدانا گلن بیر سۆز بیرلشمه سیدیر . بوخاریدا " دوغوم - ایلی " بیرلشمه سینین خصوصیتلریندن دانیشدیق . ایندی ده بو بیرلشمه نین فارس دیلینده کی قارشیلیغی " سال تولد " بیرلشمه سینین نحوی خصوصیتلرینه دقت ائده ک .

هامییا معلوم اولدوغو کیمی ، "سال تولد" بیرلشمه سی فارس گرا - مثرینده " مضاف ومضاف الیه " آدلانیر وتلفظ اولونا رکن ، بیرینجی طرفین سونونا کسره سسی / ٸ - ٸ / علاوه ائدیلمه کی ، ایک سۆزون نحوی جهتدن بیر - بیرینه باغلانیب واحد بیر بیرلشمه یاراتما سینی وا - قعیته چئویریر ، یعنی اگر تلفظ اولونا ن ، لکن یا زیلما یا ن بوسس - کسره دئیلمه سه ، فارس دیلینده بو ایک اسم نحوی جهتدن بیر - یینه باغلانماز ومضاف ومضاف الیه وجودا گلمز .

ترجمه زامانی فارس دیلینین بوسۆز بیرلشمه سینین هم کلمه لری لئکسیک - لغوی جهتدن ترجمه ائدیلمه لی / سال = ایلی ، تولد = دوغوم ، همده اونلار دیلیمیزین جمله ده کی سۆز سیراسینی رعایت ائدره که ، دال - قاباق ائدیلمه لی ایدیلرکی ، هرایکی جهت رعایت ائدیلمه چئوریلره که ، " دوغوم ایلی" شکلینه دوشموشدور .

لاکن بو سۆز بیرلشمه سینین فارسجادان دیلیمیزه ترجمه سینده بونلار یالینیز ایشین بیر طرفی ، بیر جهت ، ظاهیری ، داها چوخ صرفی جهتدیر ، نظره چارپان ، گۆز اونونده اولان طرفیدیر . لکن بونلاردان علاوه ، همین بو بیرلشمه نین دیلیمیزه ترجمه سینده ایکینجی جهتده

نحوی جهتیده، گۆزه گۆرونمهین جهتیده، ایکی سۆزو معنا جهتدن بیریه
ی... بیرینه باغلایان نحوی جهتیده نظره آلینمالی و او نحوی مفهوم-
ون دیلیمیزدهکی معادللی - برابرلی "دوغوم اییل" ترجمه سینده علاوه
اندیلمهلی ایدی.

فارس دیلینده بوا یکی اسمی نحوی جهتدن بیریه بیرینه باغلایان
، یوخاریدا اشاره ائتدیگیمیزکی . بیرینجی طرفین سونوندا اولان
س- کسره دن عینا رتدیرکی دیلیمیزده " اییل " سۆزونون - ایکینجی
طرفین آخیریندا گلن منسوبیت شکیلجیسی "ی" یله معادلیدیر، نتیجه کی
،مثلا: عیدنوروز- عیدغدیر- ماه رمضان - کشورایران - ملت آذربا -
یجان کیسی فارس سۆز لشمه لری " نوروز بایرامی - غدیر بایرامی
اوروجلوق آیی - ایران اولکه سی - آذربایجان ملتی... شکلینده .
دیلیمیزه ترجمه ائتدیلیمیش و اندیلمه لیدیر .

همین بو " مال تولد " بیرلشمه سینین دیلیمیزه ترجمه سی باره ده
بونودا علاوه ائتمک ضروریدیرکی، بو بیرلشمه ایکی شکلدن بیرینده
دیلیمیزه چئوریله بیلر:

۱- بیرینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی شکلینده . بومقصد
اوجون " تولد " سۆزونون دیلیمیزه فعلی صفت شکلینده / دوغولدوغو/
چئوریلمه سی گرکیر . " دوغولدوغو اییل " .

" ادبیات اوچاغینین " هرا یکی جلدینده شاعیرلرین تخلصلریندن بلا-
واسطه سونرا "دوغولدوغو اییل" شکلینده ایشلنسه ایدی، داها کۆزه ل
اولاردی .

۲- ایکینجی نوع تعیینی سۆز بیرلشمه سی شکلینده "دوغوم ایلی"
کی، یوخاریدا اونون معنا خصوصیتلری باره ده دانیشدیق .

آردی وار .



تائری آدی ایله

○ تبریز رادیوسونون وئریلمیشلرینه بیر باغیش (۱)

تبریز رادیوسونون مختلف وئریلمیشلرینه دقت ائدهنده بیسر سورغو اونه سورولور: تبریز رادیوسو، گئجه لر ساعت ۸ ایله ۱۰ آراسی- ندا "اسلام جمهوری"نین تبریز رادیوسو "آدلی وئریلمیشلرینه" آنا دیلیمیزین ادبی لهجه سینده وئریلمیش حالدا نهدن بعضی وئریلمیشلر- ینی خصوصاً سحر لر ساعت ۷/۱۵ ایله ۸ آراسیندا وئریلمیش "بیزدن سلام سیزدن کلام" آدلی وئریلمیشینی، دیلیمیز یا غیمیندا ن یا نلیشلرینی و یا راشیق سیز وئریر؟

بو سورغو نون منه بللی اولان جوابینین خلاصه سی بئله دیر:

"ایران اسلام جمهوروسونون تبریز رادیوسو" آدلی وئریلمیشلر- بولله جه ده دانیشا نلار اوجون، "بیزدن سلام، سیزدن کلام" آدلی وئریلمیش- لره بولله جه ده دانیشا نلار اوجون وئریلمیش. بوا یکی لهجه باره سینده بیرا شاره گرکلی دیر.

قوزنی آذربایجان دا آنا دیلیمیز روسجا دان بیرسیرا یا دسوزلر آلماغینا باخمی اراق مکتب، کتاب، گونده لیک، درگی اولدوغو اوجون ادبی دیلیمیز قورونموش و جتی دانیشیق دادا! تا شیر بورا خمیشدیر. بئله کی قوزنی آذربایجانین رادیودان وئریلمیش دانیشیمیندا سس-سوز جمله قورولوشلاری آذربایجان تورکجه سینین ادبی لهجه سینده اولدوغو کیمی وئریلمیش.

گوشنی آذربایجاندا، بونون ترسینه، مین نجه یوزایل قاباقدان کؤک، سالمیش عیرقچی (نژادپرست) و ضد تورک سیاستین (ادامه سینده)، "ا غوت چا غیندا بیریا ندان آنا دیلیمیزین یا زیب- اوخوما غی یا سا قلا- نمیش، او بیریا ندان آنا دیلیمیز علییه نه عصرلر بویو آپاریسلان- ۱- بو مقاله طرفیمیزدن ردا کته ائدیلمیش کن نمونه لر بولمه سی قیصا لتیل- میشدیر. وارلیق

یا لان و غرضلی تبلیغات شدتلند بیرلیمیشدیر (۱). نتیجه ده، آنا دیلیمیزده سوادسیز ساخلانیلمیش، یالنینز فارسجا سوادلانا بیلنلریمیزی — دا نیشیغی تمل دؤغما خصوصیتلردن بوشالیب، فارسجا سس، سؤز، جمله — قورولوشلاری ایله اشباع حدینه قدهر دولموشدور. طاغوت سیا ستجی لزی — نین تورک، دیلی نین ایراندا کؤکونو قوروتماق آماجی ایله — آپا ردیقلاری آما نسیز سیاستین نتیجه سی اولان بؤگن دیش، آز — ج — و خ — اللی ایل اوزونوندا همده سوادلیق و تشخص علامتی جیلوه لن دیریل — میشدیر ائله کی آزقالا — فارسلاشیمیش اؤخوموشلاریمیزین تورکجه — دانیشیق لاری، ایستهر — ایستهمز، ایشده فارسجا جمله قورولوشلاریندا بیرنئجه تورکجه سؤز، اؤدا اولدوقجا فارسجا سنلر و سؤز ترکیب لری ایله، قوندارماق شکلینه دوشموشدور. (۲)

ایندی تبریز رادیوسو بعضی وثریلیش لرینده بئله بیر پیچین دیلی یا یما قدادیر. (۴) تکرار نتیجه سینده دیلیمیزی خلق آراسخا شتمکده اولان بئله وثریلیش لر، اسلام جمهوریی تلو یزیونو عموم مدیری نی — بیلگین مشاوری زکریا لرزمی جنا بلاری دشمشکن ده، اونس لاردا اولان گؤزه گلیم ضعفر اوچوندا ن اسلام جمهوریی سینه باش آجا قلیغی لیر.

بؤرادا باشقا بیر سؤرغوقا باغاکلیر: کئچن بیش — آلتی ایل اوزونوندا وثریلیش لرینین اصلاحینا راجع وثریلن تذکرلره باخمی راق تبریز رادیوسونون داخلی وثریلیش لری بوسا یاق عیبه جر اولمالی دیر، ویا باشقا بیر پیچیمده ده اولابیلر می؟

تبریز رادیوسو آذربایجان کندلی لری وائل لرینه وثردیگی وثریلیش لره آز — چوخ ادبی لهجه میزه یا خین بیر لهجه ایشلتمکله گؤستریرکی داخلی وثریلیش لر یا شقا بیر شکلده ده اولابیلر. بوشک — تبریزده یا شایان، یالنینز فارسجا سوادلی بیرسایینین اداری دانیش — یقلارینی چیخاندا دیلیمیزین آذربایجانین چوخ یئرلرینده مخصوما کیچیک شهرلرینده، کندلرینده وائل — اوبالاریندا دانیشیلان شکلی دیر. دؤغرودا ن دا، آذربایجانلیلارین چوخو بیر — بیرلری ایله بوشکلده دانیشارکن تبریز رادیو — تلو یزیونو نهدن بؤتون داخلی وثریلیش لرینی بو پیچیمه اویغونلاش دیرما بیر؟

آما تبریز رادیوسونون دیلیمیزین سس، سؤز و جمله قورولوشلار — ینا اویماز وثریلیش لرینه گلنده، دشمه لیک کی: بیرینحیی، اصلا

پنجینی اشدیب، سونرا اونو اونو دارا شدیردیغی نقلره استناد اتمکله کیچیمسه ییب (تحقیر اشدیب) آرادان قالدیرماق آرزو سینی بسله یین طاغوت رژیم آتادیلیمیزده بیرجه درسلیگین ده یازیلما سینا اجازه وئرمه دی اما اسلام انقلابیمیزین غلبه سیندن سونرا آنسا دیلیمیزده چیخان یازیلاری اوخوماق ایلگیلی (علاقه لی) اوخوجولاری دیلیمیزین قایدا - قورولوشلاری ایله تانیش ائده بیلر. (۱۰)

یوندان علاوه، مدرسهریمیزده آتادیل و ادبیا تیمیزین تدریسی باشلاناندک، تبریز رادیو - تلویزیونو مهندس محمود مهتدی جنابلاری و دگرلی فروغ آزادی گونده لیگی ایره لی سوردوکلری کیمی، آذربایجان تورکجه سینی منسجم و دؤزگون اصول ایله تدریس اتمه لی دیر. (۱۱)

● آچیقلاما لار:

۱- دوقتورحمیدنطقلی. "منشورشیطان" وارلیق بهمن واسفند ۱۳۶۳ صفحه ۱۹-۳.

بومقاله دن علاوه، آشاغیداکی مقاله لرده فرهنگی تبعیضه اوغرادیلما غیمیزا اؤنملی اشاره لر وار دیر: دوقتورحمیدنطقلی "مقدمه بیئرینه" (دوقتورجوادهنیت، آذربایجان ادبیات تاریخینه بیرباغیش تهران ۱۳۵۸ صفحه ۸-۱).

● وارلیق درگی سنین ساییلاریندا:

۱۳۵۸: اردیبهشت، صفحه: ۱۵-۱۲، ۱۹-۱۶، تیر/ مرداد
صفحه: ۲۵-۲۳، دی صفحه ۷-۴.

۱۳۵۹: شهریور، صفحه ۱۴-۳، مهر صفحه: ۹-۳، آذر صفحه: ۱۴-۳

۱۳۶۰: فروردین، صفحه: ۹-۳

۱۳۶۱: مرداد/ شهریور صفحه: ۱۱-۳، ۹۲-۸۵.

۱۳۶۲: خرداد/ تیر صفحه ۸۵-۷۵.

۱۳۶۳: بهمن / اسفند، صفحه ۱۹-۳.

۱۳۶۴: خرداد/ تیر، صفحه: ۲۴-۳، مرداد/ شهریور، صفحه ۱۷-۳.

۱۳۶۵: بهمن/ اسفند، صفحه ۵۸-۵۶، شهریور/ مهر/ آبان، صفحه ۶۱-۳۹

۱۳۶۶: خرداد/ تیر، صفحه: ۴۳-۴۶، ۲۹-۴۴.

۱۳۶۸: فروردین / اردیبهشت، صفحه: ۳۲-۱۹

۱۳۶۹: تابستان، صفحه: ۲۷-۱۷، مهر/آبان، صفحه: ۳۸-۲۵.

۲) بو موضوعدا، دوكتور حميدنطقى حضرتلرينين "بیزده توفیق اولسا..." (وارلیق اردیبهشت ۱۳۵۹، مخصوصاً آلیتنجی وینکدینجی صفحه لر) آدلی مقاله لرینی اوْغویاندا ن سونرا، تبریز رادیوسوندا ن وئریلن آدی - آذربایجان تورکجه سینین اؤرنکلرینه (نمونه لرینه) دقت ائده بیلسینیز. جوْخلو وقت قویماق ایله اله گلن بو اؤرنکلری تبریز رادیوسوندا ن وئریلن دانیشیغین ایندکی دؤرؤمونو تدقیقچی- لریمیزین دقتی اوْچون بۇرادا وئریریک :

● " با توجه به اینکه فصل به اصطلاح سؤیوخ فصلی گنجیب قیش قور تولوبدی اما بونکتیه ده ظاهراً توجه از اولوب بوله سینه کی نتیجه کی اشاره اولوندی بوشهرستاندا حدوداً یکی مین دانا تراختور واردی خوب بۇلارین سوختونون تأمینى جزو مؤعضلات بوشهرستان دی . وقتى بیله بیر سئاد سوختی که بۇردا واریدی بۇدا تعلیل اولورکی حـداقل امکان دی آیا فیکر ائله میسیرکی بیر مؤشکیل به قول معروف مـضاعف اولور مخصوصاً اونا توجه ائله ما غینا کی محرومیت بوشهرستاندا یوخاری دی وتوجهات گره ک بیش از پیش اولموش اولما؟ "

(پنجشنبه ۶۹/۲/۲۵)

● " بو واژه نین رابطه سینده توضیح وئرون کی منظوراز [؟] اولماغی و بوکی بهر حال باصطلاح بیر حالت باز دی وبسته دهیی بسو رابطه ده توضیح بویورون .

اگر بوسیستم کی بویوروسوز سیستم بازدی وبسته یوخدی بعد از اینکه بوفلکه آچیلدی بیزیم سؤگلیر ولی وقتیکه سخر اولوری گینه ده مشاهده ائلیروخ کی گللیلر از طرف به اصطلاح سازمان آب سوووموز قطع اولور . خب پس بونه مهنه دی ؟ "

(چهارشنبه ۶۹/۵/۲۵)

● " ائولری خانه تکانی ائلیلر درختکاری هفته سی وضعیت جاده لردن با خبر اولئیدوخ ... بۇ رابطه ده پیشا پیش صحبت ائله میشوخ " (۶۹/۱۲/۱۸)

● "پخش رادیو دا حضور راری واردی .

نازلی اوشا خلارین الری گینه ده دسکشلره گییلیپ . محبت و صفا

وؤ صمیمیتدن صحبت ائلیروخ از طریق واحدسیار رادیو....
(۶۹/۱۲/۲۱)

• بلی من سیزون سوزی سطح شهردن دریافت ائله دیم. بیز سطح
شهرده وکنار گوذر شهریار دییوخ."
(۶۹/۱۲/۲۸)

• "فروشگا و موادغذائی که فروش اوچون واردی هار دادی ؟....
اول خیابان قطران دادی مسئولین محترم راهنمایی و رانندگی بوا مره
رسیده لیغ ائله سینته ". (۶۹/۱۲/۲۸ - ۲۵)
• "من ایس دیردیم کی وضعیت مخبرات اربیلدن بیزیم اوچسون
بیر صحبتی اولونا مسائلی در رابطه بابیکاری "
(۷۰/۶/۸ تبریز تلویزیونوندان)

اطراف روستای شادآباد . امکات ویژه رفت و آمد ده ترتیب
وئرله جاخدی " (۷۰/۷/۴)

• "اؤفت تحصیلی بیر شناخته شده مسله دی " (۷۰/۸/۱)
" عمدتا" لوله مسئله سی از جمله موشکی لر دی کی جماعت اوننان
سروکاری واردی " (۷۰/۸/۱۹)

• "به اصطلاح او تفاوت کی اساسا" ایندی بو توزیغی که از طرف
شرکت غاز اولوری بو شیرآلات و لوله های اتمال کی واردی بـ
زمینه ده فعلا" هزینه ای که واردی شاید خانواده لر ایستیه مۇطلع
اولار اگر بو زمینه ده بیر اطلاعاتی اولسا بیورون تا حورمتلی
ائشیدن لریمیز جریاندا اولار. " (۷۰/۸/۱۹)

• "موننان کی بیویون برنامده شرکت ائله دوؤز تشکر ائلیم
(۷۰/۸/۱۹)

• "ضمن سلام و سحروز خئیر بو عزیز قرده شیمیزه خواهیـ
ائلییه جاغام درمورد مشکلات سوخت رسانی با توجه به اینکه آذربایجان
منطقه سردسیری دی و همیشه احتیاجی وارکی از نظر سوخت تأمین اولوـ
نسون بورا بیطه ده توضیح بیورالار. " (۷۰/۸/۱۹)

• "خود بو پیدارولاردا ظاهرا" کانال واردی و امکان احداث
راحت تر دی. " (۷۰/۸/۲۰)

• "بوننان آرتیخ صحبت ائله مییم نیه کی مسئولین گاز منطقه
هشت تبریز استودیوی رادیو دا حضورلاری واردی ... انشالله کـ

اٹلیہ بیلہ جیویخ طول بو برنامہ ده و مسائل سوخت استان رابہ
سینده عزیزلریمیز پاسگو اولاجا غلار. هر صورتده بوننان کسی
ارتباط و ثریب تهیه کنندۀ برنامہ بو با بتدن متشکرم . برنامہ میزده
مسئولین محترم شرکت گازدان برنامہ ده واردیلار . "(۷۰/۸/۲۱) .

● "شکوہ و و غٹلایه پس بحق اولایلرکی طول بؤمدتیکه بهرحال
شهریمیزده حقار ریخ واردی". با توجه به اینکه حدوداً بیس
دیقه یاریم سگیزه فرصتیمیز واردی . "(۷۰/۸/۲۱) .

دئیلیمه لی دیرکی بو اورنکلر یال نیز تبریز رادیو -
سونون قوللوغوندا (استخدا میندا) اولان دانیشا نلارین بعضی سی نیسن
دانیشیق لاریندا ن آلمنیمیشدیر. سؤز سؤز، اداری منصلی ماصبه اولونا -
نلارین جوخلوغونون "تورکجه" لری بونلاردا ن دانیشیمه لی دیر اما
رادیو قوللو قچولاری نین دیلیمیزی یا یما قداد اولمی تا شیرلری اولدو -
غوندا ن، هابئله بودا تلارین دیلیمیزی دؤزگون یا یما خدا مسئولا ولدوقلاربتا
گوره، بویا زیدا یال نیز بونلارین دانیشیق لاریندا ن یارالاندیق (فاید
الاندیق) .

۳] بو سؤزون آنلامینی اوستاد دوقتور حمیدنطقی حضرتلریندن
اٹشیده ک . دیلیمیزین قایغی سینی جاندا ن چکن اوستا دانا دیلیرینی سی
فارسا سی سؤز جمله قورولوشلاریندا دانیشا ن، یال نیز فارسجا
سوادلی آذربایجانلیلارین دانیشیق لاری ایله ایلگیده یازیرلار:

اوخوموشلاریمیزین جوخونون دیلیمیزده یازما قدان مطلقاً عاجز
اولدوقلاری بیر حقیقتدیر . . . بو ذاتلارین دانیشیق لاری دیل، دیلچیلیک
(زبان شناسی) جهتیندن مطلقاً تورکجه دگیل، دیلچیلیک علمینده بئله
بیر دانیشما غا یاراشا ن (پیچین) pidgin آدی در .

چین لیرین انگلیس لرله تما سیندا ن دوغان قوندا رما بیردی ل
دوغدی: کلمه لر انگلیزجه و دستور قاعده لری چین دیلینه گوره ایدی،
بونا و بونا بنزه ر دیل لره "پیچین اینگلیش" دئدی لر. دقت اٹدی لسه
گورولورکه بیزیم اوخوموشلارین دانیشیغی بیرنوع "پیچین" دیر. لکن
اشباه بویورما سینلار بودیل آذری تورکجه سی دگیل، اولسا - اولسا
فارسا نین پیچین دیلی دیر .

بونا گوره تورکجه دانیشیق دلارینی مطلقاً خیال اٹمه سینلر،
اونلار فارسا دانیشیرلار، منتهی دیلچیلرین اصلاهی ایله پیچین

فارسجاسی ! (وارلیق ، اردیبهشت ۱۳۵۹ ، صفحه لری : ۶ و ۷) .

۴- [۴] شاهیردیجی (حشیرتلندیریجی) بوراسی دیرکی ، بلیلی اولالیسی ، ۱۳۶۵ دن بری ، تبریز رادیوسونون آنادیلیمیزده وئولیشلری نیسین — یانلیشسپوزلاتماسی (تصحیحی) مختلف بیانلارلا مختلف آداملار توسطی ایله ایستنیلمیشدیر ، آما بو یولدا بؤگونه قدهر بیر تمل آددیم آتیلما میشدیر . بورادا بو قونویا (موضوعا) قایدان (راجع) یالنیسز باسیندا (مطبوعا تدا) یانسیمیش (منعکس اولموش) باخیملار (نظرلر) وئریلیر :

۱- خدا یاری ، محمد "تبریز رادیوسونون محلی برنامہ سی" فروغ آزادی ۱۱ / ۱۳۶۵/۶/ .

۲- اورمان ، رضا (رضا اورمانین مکتوبو و یحیی شیدا جنا بلاری — نین جوابی) فروغ آزادی ۱۳۶۹/۲/۶ .

۳- سلیمی ، حسینقلی "بیزدن سلام ، سیزدن صبح بخشیر" فروغ آزادی ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ، و ۱۳۶۹/۶/۳۱ . (بویا زینین تقریبا" اوچده ایکیسی — نین باسیلیشی هله ممکن اولما میشدیر .)

۴- سلیمی ، حسینقلی "دیلمیزده آلینما سؤزلرین مائتلری نیسین تلفظو" فروغ آزادی ۱۳۶۹/۱۰/۲۶ .

۵- سلیمی ، حسینقلی "تبریزدن بیرمکتوب" وارلیق بهار ۱۳۷۰

۶- افق ، س.ج. "صبح جمعه تلویزیون تبریز" فروغ آزادی —

۱۳۷۰/۵/۱۶ .

۷- مهتدی ، محمود "سئوال ازمسئولان صدا و سیمای مرکز تبریز" فروغ آزادی ۱۳۷۰/۶/۱۸

۸- "سئوال از صدا و سیمای مراکز تبریز وارومیه" فروغ آزادی .

۱۳۷۰ / ۷/۲۰

۵- [۵] زکریا طرزمی "جندیبیشنهادبرای تقویت زبان آذری ، وارلیق

خرداد / تیر ۱۳۶۶ :

انقلابیمیزین اصولونون اثرلی تبلیغی اوچون آذربایجان دیل و ادبیاتینا توجه ائتمه نی یایما آراجلاری نین (انتشار وسیله لری نین) ، مخصوصا" اسلام جمهوروسو رادیو تلویزیونونون ان اؤنملی وظیفه لریندن بیلن رادیو — تلویزیون وئولیشلری نین حاضرلاما سی نین زنگی — سا غلام فرهنگی — ادبی دایاق ایسته مه سینها اشاره ائده ن ، وکئچسین

بيخيجى رزىمدە يازىلى آذربايجان ادبىياتىنىڭ تەقريبەن "دايا ندىرىلما" سى نىتىجەسىندە بۇگۈن رادىيو- تلوۋىزىيون و ئىشلىتىشلىرىنىڭ دىلى ادبى باخىمدان ودا نىشيق شىكىندە بۇيوك چا تىشما زلىقلارا اۇغرا دىغىنسا علاج آختران ساىغىلى زكرىيا طرزى جىنابلارى بۇمقالەدە چوخلو حىق و اولدوقچا اۇنملى نظىر و ئىرىرلىر. بۇنظىرلىرىن اولدوقچا اۇنملى اولماغىنا كۆرە اۇنلارىن اۇزەتى بۇرادا و ئىرىلىر:

اۇنەرگەر: (بىشنىھادىلار) :

الف- تىرىز دىنشا هىندا آذربايجان دىلى و ادبىياتى تىرىسى.

ب- آزاداسلامى دىنشا هىن تىرانددا و باشقا شىرلىرىدە اولان

قۇللارىندا (شەبەلىرىندە) آذربايجان دىل و ادبىيات تىرىسى .

و بۇيوللارلا بۇننتىجەلەر چا تماق :

۱- آذربايجان دىلىنىڭ علمى و بىلىگىسىنىل (دىنشا هى) بىسىر

سورتدە تىرى و ئىشلىتى .

۲- خلىق الىندە داغىنىق خالدا تا بىلان آذربايجان دىلىنىڭ

زىنگىن و كىشىلىمى - ادبى يازىلى اىشلىرىنىڭ بىغىلىپ دىرگىنلەمەسى.

۳- باشقا اۇلكەلردىن آذربايجان توركجەسىنى اۇگىرنىك اىستە-

بىلىرىن اىرانا كىلمەسى و انقلاپىن فرىنگى اىلە تا نىش. اولماسى، ھا بىلە

غىزلى فرىلر طرفىندىن اسلام جىمهوروسونون مىختلىف ملىتىلرىن دىنسى

مىشلەلرىنە بىشنىشەمە كىتەمىتىنىڭ پوجا چىخا رىلماسى .

چ- مىختىس دىلچىلر، نظىرما خىلرى و مىسلان ادىلردىن قورولان بىر

فرىنگىستان، بو و ظىفەلرى اوزەرىنە چىمكا اوچون :

۱- آذربايجان توركجەسىنىڭ مىكل. و كۆلەنمەلى سۇزلىكونىون

دىرگىنلەمەسى .

۲- كىرلى سۇزلىرىن دوزلىتمەسى .

۳- آذربايجان توركجەسىنىڭ مىكل قىرامىرىنىڭ دىرگىنلەمەسى .

د - موجودىك تا نا لارىن يا نىندا بىشلى (مىلى) و ئىشلىشلىرى

اۇزەرىندە اىشلە بىلىرىن فاىدالانماسى اوچون بىشلى كىتا بىلىقلارىنىڭ

آچىلماسى .

ه - جىمەدە اولان اىستىدالارىن اىرگىنلىگى (رۇشدىق) وادىلىك

دۇوقلو فرىلرىن تا نىنماسى اوچون، ھا بىلە آدى - كىشچىلىمى - ادبى

دىرنگىلرىن اىشلىرىنى اۇلكە مىزدەدە، اىشكىدە اولان اىلگىلىلرىنىڭ

بیلمه‌سی اوچون، آدی کئچن فرهنگستانین گوزو آلتیندا آذربایجان تورکجه‌سینده گونده‌لیکلر ویا درگی‌لرین یا بیلما سی .

(۶) - دوقتور حمیدنطقی "بیز ودیلمیز" وارلیق بهمن /

اسفند ۱۳۶۲ .

(۷) - غررالحمک یا مجموعه کلمات قمار حضرت علی (ع) . ترجمه

ونگار ش حاجی محمد علی انصاری . قم . چاپ سوم ۱۳۳۷ شمسی صفحه ۴۹۸ .

(۸) نهج الفصاحه : مجموعه کلمات قمار حضرت رسول (ص) ترجمه

ونگار ش ایوالقاسم پاینده چاپ پانزدهم ۱۳۶۰ شمسی حدیث شماره ۶۹۰ .

(۹) - نهج الفصاحه حدیث ۲۲۱ .

(۱۰) - بویا زیلارین دیلمیزین قورونوشلاری ایله ایلگیلی

اولان ان اونملی‌لرینین ایچینده دگرلی وارلیق درگی‌سینین باش

یا زیجیسی اوستاد دوقتور حمیدنطقی حضرتلرینین یا زیلاری دیر . بونلارین

بعضی‌سینی وارلیق درگی‌سینین بوسا بی‌لاریندا گورمک اولار :

۱۳۵۸ : اردیبهشت : ۱۹ - ۱۶ .

۱۳۶۴ : فروردین / اردیبهشت : ۲۵ - ۳ ، خرداد / تیر / مرداد : ۲۴ -

۳ : مهر / آبان : ۱۷ - ۳ ، آذر / دی / بهمن : ۱۹ - ۳ .

۱۳۶۵ : فروردین / اردیبهشت : ۳۰ - ۷ ، خرداد / تیر / مرداد : ۲۳ -

۳ : شهریور / مهر / آبان : ۱۵ - ۳ ، آذر / دی : ۶۳ - ۳ ، بهمن /

اسفند : ۸ ... ۳ .

۱۳۶۶ : مرداد / شهریور / مهر : ۱۴ - ۳ ، آبان / آذر / دی : ۱۶ - ۳ ،

بهمن / اسفند : ۱۷ - ۳ .

۱۳۶۷ : فروردین / اردیبهشت : ۱۹ - ۳ ، آبان / آذر / دی : ۱۱ - ۳ ،

بهمن اسفند : ۱۷ - ۶ .

۱۳۶۸ : فروردین / اردیبهشت : ۱۸ - ۳ ، خرداد / تیر / مرداد :

۲۹ - ۵ : شهریور / مهر / آبان : ۶ - ۳ ، زمستان ۱۳۶۸ : ۰۹ - ۶ .

۱۳۶۹ : بهار : ۱۹ - ۶ ، تابستان : ۱۶ - ۳ .

(۱۱) - بوقونودا تبریز رادیو-تلویزیونون وشرلییشلرینسه

قاییدان دگرلی یا خیملارلا بیرگه سایغیلی مهندس محمود مهتدی یا زیر-

لار :

بیر اونه‌دهم (بیشنه‌دیم) دا واردیر : آنا یا سامیسه‌زدا

اؤگر دیلمه‌سی گوزله‌نیلیمیش . تورکجه‌نین اؤگره‌دیلمه‌سی اورتا و یوکسک

سوده راديو-تلويزيوندا وئريلسين .
خلعين، آنادسلر بئنه اؤگره تيم (تعليم) آلابيلمه ديكلر بئندن
بعضى سۆزلرى يانامتلى ايشلتمكلر بئنه قارشى اؤگرديجى وئريليشلر
وئريلسين .

راديو-تلويزيون، بئتكى لرين، آغا جلا رين، هابئله يئرلر بئىن
آدلار بئنى شكيللرى ايله بئرليكه خلقدن ايسته مكله بئر بؤيـسـوك
آذربايجانجا سۆزلوگون درگيلئممه سينده اؤن - آياق اولسون . بؤنؤ
بيلمه لى بئككى هر سارسينتى (ضربه) ساغالار سا، مدنئته ائنديريلمئش
سارسينتى ساغالماز . (فروغ آزادى ۷۰/۶/۱۸ صفحهلر ۱ و ۲) .
بؤ قوتۇدا يئننده فروغ آزادى ده، بؤ دؤنه تبريز واروميـه
راديو - تلويزيون وئريليشلر بئنه قايدان، چوخ اؤنملى باخيملار اچره
اؤخويوروق :

تلويزيونون، مصاحبه اولۇنلار، ايسته ر منصللى ايره، ايسته ر -
سه خلقه، قارشىق دانئشما ماغى تا پشيرماسى ياخشى اولمازمى؟
نەدن تلويزيوندان - اؤگرتمه يولۇندان يارارلانما بئرلار؟ ايـسـران
خلقى نين هوندور بئر بؤلومون دئلى اولان آذربايجان نين اؤنملى
وطنيميزده شبهه سيز آلما نجا دان آرتيق راقدير . بؤنا گؤره تبريز -
ايله اروميه راديو- تلويزيونلار نين چالئشيب دؤزگون و دؤزه نلىسى
بئر اؤن - يازى (برنامه) اؤزره آذربايجان نين ادبى لهجه سيني تكييل
(واحد) بئر شيوه ايله تلويزيوندان اؤگرتمه لرى يئر بئنده اولار .
ايلىك شؤبهدە بؤ اؤگر تيمي وئرمك، اؤگر تيم ادارە سى نىـسـن
(آموزش و پوروشين) بؤر جودور . آما سؤ اولما يان يئرده تيمم ائتمك
گره كير .

(فروغ آزادى ۷۰/۷/۲۵ صفحهلر ۱ و ۲)

○ "حاجی بکتاش ولی و مقالات حقینده"

افلاکینین (۱۴ - عصر)، "مناقب العارفین"، ناشیق پاشانین (۱۳ - عصر) "غریب نامه" و ناشیق پاشا زاده نین (۱۳ - ۱۴ عصر) "سراحر و فنا مه" کیمی تاریخی قایناقلاردا اشاره ائدیلن مختصرو جوغو زامانایندی حؤکملر و ئریلن حاجی بکتاش ولی حقینده ان گئنیش معلومات "حاجی - بکتاش مناقب نامه" سینده گؤرونمکده دیر. ایکی وئرسیونو اولان بواثرین یازیجیسی اولاراق "گؤلپینارلی" طرفیندن اؤنجه لری موسی ب. علسی گؤسترلمیشده داها سونراکی آراشدیرمالار، بو یازیچینین فردوسی تخلصلی یورسالی الیاس بن خضرا ولدوغونو اورتایا قویموشدور. (۱)

بکتاش لیرین "ولایت نامه" دئدیگری بواثرده، حاجی بکتاش ولی - نین بیوقرافسی، سؤیو، کرامت لری آنا دولویا گلمه سی ارتبا قوردوغو، چئوره (محیط) و شخصلر حقینده بیرچوخ بیلگی موجودور. (۲) اونسون یئنی چئری اوجاغی نین قورولوشوندا رول آلدیغی، وزخان و عثمان دؤر - ونده عثمانلی دولتینین قورولوشوندا تاثیرلی اولدوغو، احمدیسوی ایله گوروشدوگو، بابا اسحاق مریدلیک ائتدیگی خصوصلاریندا کیمی بیلگی لر شخصیتی ایله بالحصه تاثیرلی خصوصوندا اؤنملی ایپا و - جولار (سرخ) وئرمکده دیر. تورک - اسلام عنعنه سینده مهم شخصیت لری، گئرجک حیاتلاری یا نیندا، زامان ایچینده اؤز لری اوجون اورتایا - آتیلان روایت لری، یاراشدیرما و تأویل لرله ده آنبیلر لار، یونس امره، مولانا، شمس تبریزی، ملانصرالدین کیمی اؤرنکلر جو خودور.

تاریخی واقعه تاثیرلی و منقبه وی قایناقلارین سؤز کسمدن (قلبیر) کئچیریلمه سی ایله اورتایا چیخان و آشاغی - یوخاری مطابق قالینان بیلگی لر ایسه بونلاردیر:

حاجی بکتاش ولی خراسانین مهم سیرکولنور مرکزی اولان نیشابو - ردا دؤغولموشدور. دؤغوم و اولوم تاریخ لری حقینده مختلف قاینا - قلاردا، فزقلی معلومات واردیر (۳).

۱۳ - اونجو عصرده بياشاديني فطعي دير. بروج قايينا قدا دوغوم و اولوم اوچون (۱۲۰۹ -- ۱۲۱۰) م (۱۲۷۰ - ۱۲۷۱) م تاريخي وئر- يلمكده دير. (۴) بو تاريخي قطعي اولماديغي حالدا محمل تاريخي اولاراق هله ليك قبول ائديلمكده دير .

تحصيليني ومعنوي تعليميني خراسان و اطرافيندا (يسوي مکتب- ينده) پارلاق بير شكيلده تما ملایان حاجي بكتاش ولي، موغول استيلاسي اؤزه رينه تخميناً قيرخ ياشلاريندا آنا دولويا گلميشدير. احمديسوي نين خليفه لر يندن "لقمان پرنده" نين ياشيندا معنوي تربيه آلميش، اونسون يولو ايله يسوي ليگه گيرميش، خراسان ارنلريندن بيرى اولموشدور . بو سبيله يسوي ليگي آنا دولويا گتيره ن معنويات اوردوسونون ايچينده حاجي بكتاش ولي نين بؤيوك يئري واردير . (۵)

عاشيق پاشا زاده ، اونسون آنا دولويا گلمه سيني بئله سؤيله بير :
يا نيندا قارداشي منتش واردير . اولجه سيواسا گئتميش، اوردان سير- اسيله آماسيا ، قيرشهر و قيصر يه گئتميش صونوندا قيرشهرده سولوجا قارا هؤيوك دئييلن بيئرده مسكن قورموشدور . مقبره سي حاجي بكتاش آد- يني آلان بو بيئرده دير . (۶)

"مناقبنا مه" يه گؤره خراساندا ن آيريلديقدان سونرا اؤنجه نجفه گلميش اوردادا حضرت علي نين قبريني زيارت ائديب قيرخ گون رياضته گيرميش سونرا دا مکه يه كئچيب اوچ ايل اوردادا قالميشدير . اوردان دا سيرا سيله قدس ، شام و حلبه اوغراميش هر اوغرا ديفسي شهرده قيرخ گون رياضت چكميش ، نتيجه ده البستانا آياق با سميشدير . آنا دولونون مختلف شهرلريني دولانيب رياضت چكديكن سونرا دا سولوجا قارا هؤيوكه گليب يئرلشميشدير . (۷)

(۸)
آنا دولودا تاشيري بؤيوك اولموشدور . اگرا و ، بعضي قاينا قلارين ادعا ائتيكلى كيمي با با ييره منصوب باطني و خارجي فيكيرليره صاحب ، "هئتئرو دوكس" (دين خارجي ، رافضي) بير درويش اولسا يسيدي ، اطرافيندا عصرلجه سورهن بير سؤگي نين ومعنوي نفوذونون تشكليسو امكانسيز اولاردى . يئننى چئري لر ين بيرى ، شانلى فتوت و اخلي ك تشكيلاتى نين معنوي سمولو ، يسوي ليگين آنا دولودا دامامى هيتينده اولان بكتاش ليك طريقتي نين معنوي قوروجوسو ، احمديسوي ، لقمان پرنده ، يونس امره و مولانا كيمي اولو كيشي لر ين دين و تصوف دوستو حاجي بكتاش ولي

حقیقتا کی بیریلیک و دیرلیگیمیزین سا خانما سیندا تا شیرلی اولموشا و جا کونوللردن بیریدیر. ولایت نامهلرده اونون احمدیسیویونس امره ایله علاقهسی خصوصوندا بیرچوخ حکا یه لر واردیر. (۹) احمدیسیویله قونو۔۔۔ شدورولماسی و حاجی بکتاش ولینین فکر و عقیده با غیمیندان هانسی قاینا غا با غلی اولدوغونو گؤستردیگی اوجون اؤنملی دیر. دوغرودان - دوغرویا قوروجوسو اولدوغونو گؤستره ن بیر معلومات اولما دیغی حالدا بکتاش لیگین بیر سا بیلان حاجی بکتاش ولی، اسلام ایچینده ملی مفکوره یه یوروین، عقل و حکمته دایانان، تورک عادت - عنعنهلرینی یاشادان، ملی اویانما چراغی یان دیران بیر مرشد دیر (۱۰)۔

اثرلری : حاجی بکتاش ولینین ان منظم و مرتب، محتسوا با غیمیندان ان مهم و حجم نظریندن ان گشیش اثری مقالات دیر. بوندان علاوه ایکی صحیفه توتاریندا ساده تورکجه ایله یازیلیمیش بیر "شطحیه" رشدی شاداغ طرفیندن ساده لشدیریلن "بسماله تفسیری" اؤزونون، بعضی صوفیلرین حتی احمدیسی و عبدالله انمارینین سؤزلرینی احتوا ائده ن و فارسجا یازیلیمیش "قواید"، تیره ده ایکن کتا بخا نین یا نماسی اوز - هرینه بوگون الده اولمایان فاتحه تفسیری، حاجی بکتاش ولییه اسناد ائدیلمیگی سانیلان "مقالات غیبیه و کلمات عینیه" رساله لری اونون اثرلری جمله سیندن دیر.

مقالات، یوخا ریدادا دئدیگیمیزکی می، حاجی بکتاش ولینین ان اؤنملی اثری دیر. اؤزونه عاید اولوب اولماسی مباحته لری "اساد (اسعد) جوشان" این دگرلی آراشدیرمالاری سونوندا صون تا پمیش دیر. (۱۱) اثرین اصلی عربجه یازیلیمیش دیر. اؤتانیته (اصلی) نسخه موجود دگیلدیر. اسکیک بیر نسخه نی "اساد جوشان" تا پمیش و ترجمه ائتمیش دیر. (۱۲) اثرین تورکجه یه بیر نشر، بیریده منظوم ایکی ترجمه سی نشر ائدیلمیش دیر. منثور ترجمه نی بکتاشی ولایت نامهلرینده ملاسعدالدین آدیله آنیلان و مقالاتیندا بیر ایکی یئرینده شعرا یله بیرلیکده آدی کئچن "سعیدامره" ائتمیش دیر. سعیدامره، یونس امره ایله شعرلری قار - یشان شخلردن بیریدیر. بو ترجمه نین تورکجه کتا بخا نالاریندا مختلف نسخه لری موجود دور. (۱۳)

منظوم ترجمه ایسه ۱۵ - اینجی عصرین باشیندا "خطیب اولغومحمه" طرفیندن اولونموش دور. منثور ترجمه ایله منظوم ترجمه نین محتسوا لاری

آراسیندا بیرفرق یوخدور. (یازانی : اۆزیای)

● "مقالاتا گۆره حاجی بکتاش ولینین فیکری شخصیتی"

حاجی بکتاش ولینین شخصیتینی تانیماق، فیکیرلرینی اؤگرتمک باخیمیندان ان مهم وحجمه ان بؤیوک اثری مقالات دیر. تورکیه نین کتابخانا لاریندا، مقالاتین بیرجوخ یا زما نسخه سی وار. دیر. ۳ سادجوشان "مقالاتین چئشیدلی نسخه لری اۆزه رینده اوزون مسدت چالیشدی وبونون تنقیدی نشرینی حاضیرلادی خونکار (۱) حاجی بکتاش ولی حضرتلری، مولانا جلال الدین رومی حضرتلری و یونس امره حضرتلری آشا غی. یوخاری عینی دؤورده یاشا میشلار.

حاجی بکتاش ولی، اؤ زامانین تورک و مسلم ن جماعتی نین بیرلیگینی ومعنوی بوتونلوگونو کؤنول بیرلیگینی تأمین ائده ن او- ستون و اوجا ذیروه لردن بیرسی دیر. مثلا یونس امره نین گونوموزه قدر گلمیش و زامان - زامان دا دیلیمیزدن سالما دیغیمیز بیرقطعه سسی بئله دیر: ● بین گلمه دیم دعوا ایچین بنیم ایشیم سئوی ایچین دوستون اتوی گؤنولردیر گؤنوللر یا پمایا گلدیم دئمک کی یونس امره اؤزونو بیر ادعانین، بیرا ختلاقین بیرایکی-

لیگین دالیندا گئتمک اوچون یوخ بلکه ۷۲ ملتده اولسا، اؤزونسه خوش گؤرولمه سده ویا اؤزونو خوش گؤرمه یینلرده اولسا، خوش گؤزله باخا بیلن، کؤنول خوشودلوغوا یله باخا بیلن و اونلارین کؤنوللرینی قازانا بیلن، قازانماق اوچون اوغراشان (چالیشان) هرکسده اونو تلقین ائده ن حیاتیینی دا بونلار واقف ائتمیش بیرانسان دیر. او بیلرلی ده بئله دیر. نتیجه کی مولانا جلال الدین رومی ده مثنوی سینده بئله سؤیله ییر: ● ضدلرین صلحوایله مکوندور حیات

ضدلرین جنگیله دیر لاکین مemat

یعنی ضدیتاری، ضد اولان فیکیرلری، انسانلاری، قوتلری چارپیشد- یردیغینیز زامان مemat (اولوم) میدانا گلیر. داها دوغروسوجا معه بو غوغانین ایچری سینده محو اولور. اما بونلاری بیلرلشدیره بیلر سینیز، ضدیتلری صلح ایچینده یاشا دا بیلر سینیز، او زامان حیات اورتا یسا - خداوندگارین قیما لیتلیمش و پادشاه دئمک دیر.

چيخار، دئيبير.

بو سببه گوره بوايكي ذيروه نين يانيندا ۳ - اونجو ذيسروه اولارق ذكر ائتديگيميز حايهكتا شولى حضرتلريده عيني آنلايشداد. بير. يعنى ذاتلاري بير - بيرييله چكيشديره ن، غوغا ائتديره ن اونسلاري توتوشدوروب، قانلى بيچا قلى بير - بيريينه بوغا زلاتديران بيرانسان دگيل، عكمينه ياشايشلاري، آنلايشلاري نه اولورسا اولسون، اولنارين كؤنوللرينه گيره بيلن، روحلاريني قازانا بيلن، تميزله ده بيلن بير انسان دير.

مقالاتا بو زاويه دن باغديغيميز زامان، مقالادا دگيشيك عبار - تيرله يئر - يئر بونلارين افاده سيني گوروروك .

حايهكتا شولى حضرتلري مقالادا شريعتين، طريقتين، معرفتين و حقيقتين هر بيرينين اون مقامى اولدوغونو سؤيله يير. بونلاري تىك - تىك تشريح ائدير. يالنينز او، بو مقالاري تشريح ائدركن، بيرينجى سيني ايمان اولارق قبول ائديروا يكي نچى سيني عمل اولارق، داها دؤغروسو علم اولارق قبول ائدير.

ايمان خصوصوندا بئله سؤيله يير: "ايمان طاعت دير" يعنى اطاعت ائتمك، دير، تانري يا تسليم اولماق دير. بورادا منيم (دوقتور سليمان خئيرى بولاي) اصل اشارت ائتمك ايستديگيم نكته بودور: او بونكته ده ايمان اساسلاريني سا بير و هر بيرينين آرخا سيندان اخلاقي بير نتيجه چيخاردير. يعنى بيرانسان بير شئيه اينانيرسا، اينانديغى شكيلده اونو حياتيندا تطبيق ائتمه سي و اخلاقي دارانيشلاريني اونا گوره عيا - رلاماسى لازيمدير، دئيبير، اونادا ير مثاللار و ثرمك ايسته ييرم.

مثلاً، "ايندى چلب تانري يا اينانماق ايمان ديريرو بويروغسون (فرمايش) توتماق دا هي ايمان دير وسا غين (پرهيزا ئت) دئديگيندن سا غينماق ايمان دير. پس تانري تبارك و تعالى بويوردوغون توتما ييب سا غين دئديگيندن سا غينماق تانري يا اينانماق دير. سوزو بونا بير اؤرنك دير.

ملكه لره ايمان دا، بئنه بو جمله دن دير. با خئيزنه دئيبير: و تانرينين فرشته لرينه اينانماق ايمان دير. پس ايندى عزيزينيم هر بير كيشيه ۳۶۰ فرشته موكل دير. يعنى اونا گوره هر آداميسن

ا طرفیندا اونو محافظه ائدەن ۳۶۰ داناملکە واردیر، یا خینیزنسه دئییر: پس بونجا فرشته لر آراسیندا ادبسیزلیک ائدرسن وسنین کیمی کیشی قاتا تیندا، ادبسیزلیک ائتمزسن هانی فرشته لره اینا ندیغین؟" یعنی ۳۶۰ فرشته نین آراسیندا، گزیرسن اونلاری یوخ قبول ائدیرسن، بیر طرفدن اینا ندیم دئییرسن، اونو یوخ قبول ائدیب، یالنیز قالدی. غینی حس ائده رک هر جور ادبسیزلیک ائدیرسن فقط اوز جنسیندن بیر انسان اولاندا ادبسیزلیک ائتمگه اوتانیرسان، نه بیجیم اینا نجدیر بو؟ هانی ملکه لره اینا ندیغین؟ دشمک کی ایمان بیزه دوغورودان دوغوریا اخلاقی بیرتمل وئرمکده دیر. حاجی بکتاش ولی "اینا ندیغین طرزده یا شاماق مجبوریتینده سن" دشمک ایستهبیر. بورادا خونکار حاجی بکتاش ولی نین انسانین ایچینده بیرکنترول سیستمی قورماق ایسته. دیگینی گوروروک. انسانین ۳۶۰ ملکین آراسیندا دایمی اولاراق اولد. وغونو سؤیله ره ک، حرکتلرینی داواملی کنترول ائتمه سینی ایستهبیر بونکته چوخ اؤنملی دیر، کتابلارا ایمان خصوصوندا بونسلاری سؤیله بیر: "پس تانری نین قرآنینا وکتابلارینا اینا نماق ایمان دیر. پس ایندی، ایچین دولو کبر و حسد، پاخیلیق و طمع و عصیانیت و غیبت و قهقهه و مسخره لیک دیر. پس ایندی عزیزیم! هانسی کتایدا بویورورکی بونلارین بیری ایمان اهلینین ایچینده اولد، هانسی کتابلارینا، هانسی خبرلرینه اینا ندیغین؟" یعنی تانری نین گؤنلرینی خبرلرینه اینا نیب، اوندان سونرا بوکبر، حسددن پاخیلیق قدان قورتولماق بیر مؤمنه بیر طریقت اهلینه، بیر انسانا یا راشماز، دئییر.

پیغمبرلر اوجونده بونا بنزهر شئیر سؤیله بیر، ایندی بوردا بونلاری تکرار ائتمک ایسته میرم. یالنیز پیغمبرلرین ده اؤرنک آلینما سی ایجاب ائدیگینی اشاره ائدیر. خونکارا گوره تانری دوستلاری یعنی پیغمبرلر ساده لیگی ترجیح ائدیله وایکی لیگی (شویت) بورا خدیلاز، بیرلیک (وحدانیت) طرفدار ی اولدولار بیرگون توخ، ایکی گون آج گزردیلر. بونا رغماً تانری اونلارین ایشلرینی قیلهان (توکدن) کئچیردی و اسکی کلرینی اؤزلرینه ووردو. سنین اؤزونه دورما یا جاقمی سانیرسان؟ بورا دادا پیغمبرلر کیمی یا شامای میزی توصیه ائدیر.

آخرت ایمان خصوصوندا بئله سؤیله بیر:
 "پس ای مؤمنلر قیامتده اینا نماق بئله دگیل کی سیز اینا نیرسیز،

جونکی هرته تا پيرسينيز حرامدان و حلالدان گشييب و تزئين ائديرسينيز،
 حقسيز يشرده تعقتلري يئيب رفاه تا پيرسينيز، يعنى بواينا نماق مي
 ديركيمكي سيز اينانيرسيز؟ بو نئجه اينانجدير؟ آخرته، حساب گونونه
 اينانيرسانيز، حرام يئمه گين، حقسيزليك ائتمه يين، بوخسانينا نماغيز -
 ين هئج بيردگري اولماز، دئتمك ايسته بير .

"پس اي مؤمنلر، اگر اؤزونوزو بيلدينيزسه بو قاپي اؤم -
 قاپيسي دير، بورا سېنى اؤزه لليكله اشارت ائديرم . هر كسه اؤم -
 وئيرير، اؤمودون يانيندا اؤمودسوزلوگه يئير يوخدور، دئيبير . "سيزلره
 رحمت تۇخونا "يعنى بونلاري توتارسا نيز، اؤموديولوندا گئده رسه نيز،
 سيزلره تانرى نين رحمتي گلير . اگر اؤزونوزو بيلمزسه نيز بو قاپي
 اؤمودسوزلوك قاپيسي دير . پس سيزلره خشم تۇخونا تانرى نين عذابى
 تۇخونور . دئيبيركي، هر نه كي وار ايسه اخلاص ايله ايما ن گتيرمكدير .
 پس بونلار هاميسي ايما ن دير . "يعنى ايما نين بوتونودور . "پس قورخوسوز
 يئيريمك ايما نا گؤماندير "يعنى تانرى دان قورخما دان يئيريمك ويا خود
 قورخماق، ايما نا شېبه گتيرمكدير، ويا شېبه ائتمك ديركي بودا ايما -
 نين ضعيفله مه سيندن ايره لي گلير .

بورادا اشاره ائتمك ايسته ديگيم بير باشقا نكته ده وار . ديسن
 فلسفه سى نين ان مهم پروبلم لر يندن بيريسى ايما ن - عقل مناسبتى دير .
 حاجى بكتاش ولى حضرتلري بير طريقت شيخي اولدوغو . حالدا ، ويا بير
 طريقت اهلى اولدوغو حالدا وطريقت اهلى اولاراق ياشاما غى توصيه
 ائديكى حالدا (جونكى طريقتين ۱۰ آدابى نين بيرى شيخ دن ال -
 قدير) ايما نين كشي كچيسى اولاراق عقلى گؤرمك ده دير . بورادا انسان
 عقلىنه وئردىكى دگره اشاره ائتمك ايسته بيرم . باخينيز نه دئيبير !
 "بئله بيلمك گره ك : رحمان اصلى ايما ن دير و شيطان اصلى
 گمان دير ، يعنى شيطان شېبه گتيرير . دئيبيرلا كين ايما نا گمان تاتماق
 اولماز . جونكى ايما ن عقل اوزره دير و عقل سلطان ديرو بدن ايچينسده
 نايبي ايما ن دير . "ايما نين كشي كچيسى (نايبي) ، انون محافظى عقل دير
 عقل گئتسه نايب نئجه اولار ؟ ايما ن او زامان هئج بير شئى ائده بيلمز
 بئله دئيبير مثلا ؛ ايما ن بير خزينه دير . ابليس عليه العنه بير اوغرو دور
 يعنى او ايما نى جالماق اياستر ، عقل خزينه دار دير . او خزينه نين كشي ك -
 چى سي دير . "پس خزينه دار گئتدى خزينه نى نئتدى . (نه ائتدى) "خزينه دار

گئىدىرسە بېرىشنى قالماز. شىطان اورانى يىغما لاردىمك ايستەيىر، "وبا - شقا بېر سۇزلە ايما ن قوبون دور وعقل چوبان ديروا بېلىس قوردور. پس چوبان گئىدى قورد قوبونونە ائتىدى؟" يالنىز بورادا يىئنه بوخوصلا علاقه دار اولراق بېرىنكتەيە داها تما سا ائتمك ايستەيىرم:

عقلين ايما نين گۇزتجيسى اولما سىنى افاده ائتمە سىنە دا بېر عقلين وحى ايله آيدىنلاشميش بېر عقل اولما سىنى اۆزە للىكلە اشاره ائدير. مدرن فلسفە نين و مدرن علمين با سى سا ييلان فرانسىز فيلوسو- فو دکارت "، "ا خلاق اۆزە رينە مکتوبلارى" دلى کتا بىندا رواقى فيلسو- سوفلاردا ن، سەنە کا، دن بحثا ائدەرکن ، اونون "ا خلاق" دلى کتا بىنى اوخو- دوغونو ، بگندىگىنى و بېر چوخ حقيقتلرى تا پدىفېنى، فەداسىنە کا نين شرک عقليندن آسىلى اولراق بېر چوخ حقيقتلرى دە تا پما دىفېنى يعنى وحى ايله آيدىنلاشميش بېر عقلمە صاحب اولما دىغىنا گۆرە بعضى حقيقتلرە دە ال تا پما دىفېنى افاده ائدير و عقلين وحى ايله آيدىنلانما سى ايچا با ائتىگىنى ، بىلدېرىر .

بېز دکارت دان ۴۰۰ ايل اول گىرى يە ؟ لىدىگىمىز زامان، آنا دولو دا عىنى حقيقتى داها گۆزەل و داها مكمەل بېر شكىلدە حاجى بكتاش و- لى نين افاده ائتىگىنى گۆروروك . يىئنه اشاره ائتمك ايستەدىگىم باشقا بېر خوص داها وار ، حاجى بكتاش ولى حضرتلرى دئىيركى: "ا يمان طاعت دېر عمل ايما ن دان آيرى دېر" .

بو مەم نكتە اۆزىرىندە دورماق ايستەيىرم ، بونكتە بوبا خىم- بان مەم دور . بىلىرسىنيز ، اسكى اعتقادى مذهب لردن ، يعنى بونىسدان ۱۰۰۰ ايل اول سلجوقلورلار دان اۇنچە ، اورتا ياچىخان معتزلە دئىسە بېر مذهب ورايدى .

معتزلىلر دئىيركى عمل ايما ن دان بېر پارچا دېر . يعنى مەن ايما ن گىتىرسم ، ايما نين مەنە ناماز قىلما غى ، اوروج توتما غى ، زكات و بوکىمى شئىلرى امر ائتسە ومن عمل ائتمەسم اۆ زامان ايما نىم . دا گئتميش اولار . حال بوکى اونون قارشىسىندا اولان ، مثلاً اترىسدى ، اشەرى ، ابوحنيف و اونا بنزەر بېرىنچە بۇيوک علم ،

آداملارى و بېرىنچە اما ملار بوخوصو آيىر مىشىدلار . يعنى بونلار گۆرە عمل ايما ن دان بېر پارچا دگىلدير . من ايما ن گتىرىپ ، عمل ائتمەسم دىن دن چىخمش اولما رام . بونكتە چوخ حسان بېر نكتە دېر . بونسا

دايانا راق خصوصاً عمل ده ظهور اتدهن خطا دان وگناه دان اؤترو انساني
كفره دوشمك قورخوسوندا ن قورتا رير. حاجي بكتاش ولي حضرتلري عقل
ايله آرزولارين غوغاسي خصوصوندا دا جوخ گؤزه ل شئيلر سؤيله يير.
ها ميسي گؤزه ل اصلينده .

دئيبيركي: "دونيادا بيگلر وار، كيمي سي عادل دير، كيمي سي ظاليم
دير. بونلار بير- بيريله توقوشورلار پس من ده ده بير عقل واروبير
هوا، (هوس) يعني آرزولار وار و عقل چئريسې (عسكري) ۵۵ دير. هوا چئريسې ده
۵۵ دير. اما عقل چئريسې دوزه نليكه نظم و متينليكه، امر معروف دا و
نه ي منكرده دير".

"پس عقل قاينا غي الها م دير ولاكين هوا قاينا غي وسوسه دير. بو
ايكيسي هرگون توقوش ب دورورلار. ها چا ن (هروقت) كي عقل چئريسې، هوا
چئريسېنه غالب گلسه، او بدن اوچا ن (روح) تانري قاتيندا عزيزا ولور"
بورادا بير آيتي دليل كتيرير. "سونرا ها چا ن كي (نعوذبالله) هوا
چئريسې عقل چئريسېنه غالب گلسه، تانري قوروسون دئيبير، او بدن واوچا ن
تانري قاتيندا خور (حقير) اولور.

دشمك كي حاجي بكتاش ولي، ايمان ايله اخلاقين بير بوتسون
اولدوغونا، اينا نجين اخلاقي حيات دا مطلقا عكس اولماسي نين لزومونا
اينا نما قدا دير. او بو باخيمدا ن سايدغي ۴۰ مقامدا ن دا. نقصا نليق
قبول ائتمه مكدده دير. يعني اوْنا گؤره بوتونلوك، ايمان دا، عمس لده
اخلاق دا اوزونو گؤستر مكدده دير، بئله دئيبير، "بيرگو- بير (بير بير)
كيشي ديلي ايله ايمان گؤتورسه و كؤنلو ايله اينا نما سا ويا عشير
(اوندا بيري) زكاتي تمام وئرمه سه، ويا خود حجه گئدركن يولدا ن گئري
دؤنسه ويا خود تانري تعالي حكم لر يندن بيريني باطل توتسا ويا خود
محمد مصطفي يا انكار ايله باخسا، محمد ين (ص) صحابه لر ي نين بيريني
حق سيز بيلسه ايشله ديگي عمل لري هباء منثورا اولور". يعني تما ماً
بو شا گئدير.

گؤرونوركي حاجي بكتاش ولي انسانين اولغونلاشا بيلمه سي
اوچون اونون ايمان نين گؤنلوك يا شاييشيندا و داورا نيشلاريندا
عكس ائتمه سي وتا ئيرلري نين آچيق نيرشكيلده گؤرونمه سيني ايسته
مكدده دير. يعني او انسانا انسانين ايج دونيا سينا و اشيك دونيا سينا

بیر بوتون اولراق باخما قدا دیر .

(پروفیسور - دوکتور سلیمان خٹیری بۆلای)

ایضاح : یوخاریدا گلن مطلبلر تورکیدهده چیخان "مقالات ، حاجی بکتا - شولی" آدلی کتابدان سئچلمیشدیر .

اتک یا زیسی :

- ۱- باخ جوشان - اساد (اسعد) حاجی بکتا شولنی "مقالات" . ۲- باخ آیلیق آنسیکلوپئدی " بکتا شولیک و حاجی بکتا شولنی "مادهسی سایسی ۴۱
- استانبول . ۳- بو خصوصدا آرتیق معلومات اوچون باخ - نؤیان حیدری "بکتا شولیک و علوی لیک نه دیر" آنکارا . ۴- بو بارهده ، باخ تورک آنسیکلوپئدیسی ، بیئنی تورک آنسیکلوپئدیسی ، اسلام آنسیکلوپئدیسی ، آیلیق آنسیکلوپئدی " حاجی بکتا شولنی "مادهسی - جوشان اساد . ۵- جوشان اساد ، زکی ولیدی "یسویلیگه دایر بعضی بیئنی معلومات .
- ۶- دوغوم ایلی مناسبتیله فواد کؤپرولو ارمانی . استانبول اؤز تورک ، مرسل " احمدیسوی حاجی بکتا شولنی و یونس امره " ارماتا - تورک کولتور ، دیل و تاریخ یوکسک قورومو - آنکارا . ۷- عاشیق پاشا زاده تاریخ آل عثمان - استانبول ۷ - گؤل پینارلی ، عبدالباقی ۸ - افلاکی (۱۴ - عصر) عاشیق پاشا زاده (۱۴ - عصر) فواد کؤپرولو کیفسی یازبجیلار بوفیکیرده دیزلر . اسلام آنسیکلوپئدیسی ایله تورک آنسی - کلوپئدیسینین ده ماده لرینده یوبارهده معلومات واردیر .
- ۹- باخ گؤل پینارلی ، عبدالباقی - اؤز تورک ، مرسل ۱۰ - باخ نؤیان - بدری ۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳ ، ۱۴ - جوشان اساد (اسعد) .

بقیه سید حسین شریف زاده

دشمن لریوین گۆزی کور اولدو . خاشنلر بیر ، بیر اکیلدی گشتدی
جهت تجلیل ازاين شهید ، بعدها مدرسه ای نوسا زدرمطه امیرخیز ، جنسب
کارخانه خبریت سازی ۲۹ بهمن به نام نامی وی نامگذاری گردید .
روانشاد و یادش گرامی باد .



○ پرفسوردوقتورعباس زاما نوفون
۸۰ ایللیگی مناسبتله

آذربایجان دولت اونسورسیتیه سینن معاصر آذربایجان و آذری تورک ادبیاتی کورسوسونون استادلاریندان دیر ۱۹۰ و ۲۰- نجی عصر آذربایجان ادبی شخصیت لیری و ادبی مکتب لری حاقیندا گوردویو قیمتلی تحقیقات و آراشدیرما ایشلری له آذربایجان دا و تورکجه ، اسیران ، عراق دا ، علم چئوره و اطرافلارینین تقدیرینی قازانمشدیر . سیرچوخ یازیلاری ، آدی کئچن هراچ مملکتده ده نشر ائدلمیشدر ، آراشدیرما - لاری ، مرحوم دوقتورا حمد جعفر اوغلو نون دقتبنی چکمیش ، تورکیسات مجموعه سینده (جلد ۱۶ صحیفه ۱۶۶ ، ۱۹۷۱) / بکی آری تنقید زاماسینا وسیله اولموشدور . بعضی یازیلاری ارزوم آتا تورک اونسورسیتیه سینا ادبیات فاکولته سی آراشدیرما درگیسی تورک ادبیاتی ، یا غموروسا سر کیمی درگی لرده نشر ائدیلدی .

عباس زاما نوف ، ۱۹۱۱ نجی ایلده نخجوانین شرور بؤلگه سینین مایتا کندینده دؤغولوب . آتاسی فتح زامان اوغلو اورتا حاللی بیر کندلی ایدی . ایلک و اورتا تحصیلینی ساکیدا باشا وئریب قورتا ریپ ۱۹۳۹ نجو ایلده "باکی پئداگوژی ایداکوژی" انیستیتوسو ادبیات شعبه سی ندن فارغ التحصیل اولوب . گنج یاشلاریندا مطبوعات حیاتینا آتیلیر . "گنج ایشچی" آدی ایله گنج لرله علاقه لی نشرلری اولان غزتیسه "رداکتور معاونی" ، "ادبیات غزتی" نین "مسئول کاتبی" و "آذر نشر" نین "ادبیات شعبه سی رئسلیگی" کیمی ایشلرده ایشله یروچوخ جدیتله چالیشیر . ۱۹۳۹ نجو ایلده یداگوژی انیستیتوسو نوستردیکدن صونرا ،

قویولان امتحاندا عالی موفقیت قازاناراق همان مکتبده ۲۰ نجی عصر آذری ادبیاتی نین تدریسی اونون عهدهسینه بؤراخلیر. ۱۹۴۱ یکینجی دونیا ساواشینا قاتیلیر. مختلف جبهه غزتلرینده چالیشیر. محاربه بدهن صونرا آذربایجان دولت اونیورسیتته سینده ۱۹۶۰ نجی ایله قدهر مستقل اولاراق ۲۰ نجی عصر آذربایجان ادبیاتی نین اوستادی اولوب طلبه لرینده درس وئریر. ۶۸ - ۱۹۶۰ ایل لری آراسیندا آذربایجان علملر آکادمیاسی نین "نظامی آدینا آذربایجان ادبیاتی انستیتوسو" ندا "علمی امکداش"، ۷۱ - ۱۹۶۸ ایل لری آراسیندا آذربایجان اونیورسیتته سینده "معاصر آذربایجان ادبیاتی" کورسوسونون مدیرلیگی نیسی عهده سینه آلیر و ایشله بیر. ۱۹۷۹ نجو ایلدن اعتبارا "اونیورسیتته ده آذری ادبیاتی تاریخی کورسوسونون پروفیسورو اولاراق چالیشیر.

۱۹۶۵ نجی ایلده «صبر و معاصرلری» آدلی اینجه له مه سیله "دؤقتور" ۱۹۶۷ ده ده «پروفیسور» عنوانلارینی آلیر. ۱۹۷۹ دا «آذربایجان نین امکدا ار علم خادمی» عنوانینا لایق گؤرولور تورکیه ده تورک دیل قوروموندا مخابر اوییه (عضو) سئچیلیر (۱۹۷۱) دن بعضی مقاله لری، ایراندا وارلیق و ده ده قورقود مجموعه لرینده، عراقدا: قارداشلیق و بورددرگی لرینده یثر آلیر. آیریجا صابر و معاصرلری (باکی ۱۹۷۳) آدلی کتابی ایراندا اسدبهرنگی طرفیندن فارس دیلینده چئوریلیر «صبر و معاصرین او» آدی ایله تبریزین شمس کتاب یایی نین طرفیندن شمسی تاریخین ۱۳۵۸ نجی ایلده چاپ اولوب یا بیلمیشدیر. عباس زاما نوفون صابرحا قیندا قلمسه آلدیغی ۲۳۰ صحیفه لیک "ما برگولور" کتابی ۱۹۸۱ نجی ایلده باکی نین گنجلیک نشریاتی طرفیندن چاپ اولوب یا بیلمیشدیر.

عباس زاما نوف حقیقی علم خادمی سؤزونون تام معنا سیندا چسوخ شرافتلی بیر عالیمدیر. بوتون آذربایجان دان قیراق و اوزاقدا، باشقا اولکهلرده یا شایان یازیب یارادان هر بیر آذربایجانلی ادیب، شاعر، قلم صاحبی ایله مکتوب لاشیب تام سدا اولوب الیندن گلن علمی، ادبی یاردیم لاری اسیرگه مه بیب بؤبا خیمدان تک با شینا بویوک بیسر علمی هیئت و مؤسسه نین ایشینی گوروب، او آذربایجان ادبیاتی نین دونیا چاپیندا بؤکسمله سینده بؤبوکامگی و یاردیمی اولموشدور. آلدیغی معاشی نین آز حصه سی ایله قنا عتله کنچینیب، چوخ حصه سینگی کتابا و بوستا وئریب دونیا نین مختلف بیئرلرینده یا شایان و

آذربایجان ادبیاتی اوغروندا قلم ویرانلارا، یازیب یارادانلارا
گؤنده رییدیر .

عباس زامانوف، بیرچوخ علم آداملارینین یشتیشمه سینه امیک
خرج ائتمیشدیر: ایگیرمیدن آرتیق دوکتورلوق تنزی یؤنتمیش دیر،
ایکی یوزدن چوخ «دیپلمایشی» الیندن کئچمیش دیر .
تورکیده آذربایجان ادبیاتی نین تانینماسی اوچون چوخ
بئویوک امک صرف ائتمیشدیر، آتا تورک او نیوئرسیته سینین ادبیات فا-
کولته سی آراشدیرما اینستیتوتوسونا ده یرلی وقیمتلی کتابلار گؤنده ر-
میشدیر .

ع. زامانوفون کتابلاری همان اینستیتوتونون ایچهریسینده
«پروفور دوکتور عباس زامانوف باغیش کتابلاری» آدیله خصوصی بییر
اوخوما سالونوندا محافظه ائدیلمکده دیر . بوکتابلار، آذری ادبیاتسی
حاقیندا چالیشما قدا اولان علم آداملارینین باش وورا جاغی ده یرلسی
قایناق تشکیل ائتمکده دیر .

عباس معلمین علمی چالیشمالاری آراسیندا تنقیدی متن چالیش-
مالاری دامهم بیئر توتما قدادیر . او، سیدعظیم شیروانی، عبدالرحیم بییک
حقوردیف، سلطان مجیدغنیزاده، سیدحسین، سلیمان ثانی آخونسدوف،
قاسم بییک ذاکر، عبدالله شایق، جلیل محمدقلیزاده، ملاپناه واقف، جاوبدی
خاطرلار کئچمیش گنجلیک باکی ۱۹۸۲. ما بر خاطر لرده گنجلیک باکی
۱۹۸۲ .

ودا هابیرچوخ ادبی شخصیتلرین اثرلرینی بئویوک بییرتیتیزلیکله
آراشدیراراق نشره حاضرلامیشدیر . بیرچوخ آذربایجان ادیبلری ما بر
وصا برین آثار ایله ماراقلانیبلار، لاکن دئمک اولارکی عباس معلم
تایی، برابرلی اولمیان یگانه صمیمی بییر ما برشنا سدید . بعضی شخصیت -
لرین اثرلرینی روسجا یا چئویردیگی کیمی بعضیلرینین ده روسجا
اثرلرینی آذربایجان تورکجه سینه چئویرمیشدیر . بو صونونجولار آراسی -
ندا جلیل محمدقلیزاده نین خانیمی حمیده خانیم محمدقلیزاده نین
خاطره لری مهم بیئر توتما قدادیر .

عباس زامانوفون تدقیقات و مقاله لریندن بورادا آیری بییر بحث
آچما غیمیز لازیمدیر، هابئله کتابلارینی ویلی باشلی اینجه له مه لرینی
مقاله و متن نشرلرینی بییرسیاهه حالینه صالحا ق ادبیاتچیلاریمیزی
وظیفه لریندن دیر .

ع. زاما نوفون پرفسور حمید محمدزاده ایله ایشله دیگی بیرچوخ
 کتابدان بیرنچه سی نین آدینی چکیریک. نریمان نریمانوف اثرلری،
 حسین جاویدین سچیلیمیش اثرلری، عاشیق علیگرین قوشمالاری و امس
 دوستلاری آدلی کتابلار بیره ده «آذربایجان معلمی» غزتینده جنوبسدان
 سسر مقاله لری و.....

بیسیمز بویویوک ادیب و عالیجنایانسانین شمره لسی
 عومرونون هشتادایلیگیگینی تبریک ائدیپ، اونا جان ماغلیغی آرزوسیه
 اؤز منت دارلیغیمیزی بیلدیریریک. بۇ معلوما تیمیزین چوخ حصه سینى
 عزیز دوستوموز دوقتوریا ووزبیک آقپینا رین ارزومدا چیخان «قازداش
 ادبیا تیار» آدلی درگیده عباس زاما نوفت حاقدایازدیغی مقاله سینسدن
 آلدیق بورادا حورمتلی یا ووزبیکدن تشکر ائدییریک.

وارلیق - حلاج اوغلو نون قالانی

ع و ۷ و ۸ - گورکملی واقتدارلی شاعرلریمیزدن، نمونه اولاراق "ملا-
 پناه واقف" - محمد حسین شهریار" - شاه اسماعیل ختاشی "یہا شاره دیر
 واقف: خیردار، شهریار: شاه دشمنکدیر. ۹- ائلدارلیق: مردم دارلیق
 خلق خادمی اولماق ۱۰. - ان الحق": حسین بن منصور حلاجین سوزو .

کله نین قالانی

سۇ بۇلاندى، تگ گۆز یاشیم دۇرودو
 آما بیل کی، سئل گۆز یاشیما چاتماز
 " گۆز یاشینا باخان اولسا قان آخماز

۱۶

اؤستاد اوغلو م ا چوخ دانیشدیم باغیشلا
 سؤزلرین له من یاریشدم باغیشلا
 گلیب سن له من یاریشدم باغیشلا
 سن تکدایگید اوغول لارا عشق اولسون
 "صداقتلی دوستا - یارا عشق اولسون"

قوتادغۇ بىلىگ ده
قرآن و حدیثین تأثیرى

ايفاج: قوتادغۇ بىلىگ ۹۲۲ ايىل بۇندا ن قاباخ بالاد
ساغۇنلو يوسف طرفيندن يازيلميش وقارا خانلى سلطانى ما تۇق بۇغرا
خانا تقدیم ائديلميشدير. سلطان دااونا ساراي خاض حاجب عنسوان و
رتبه سىنى و شرميشدير. سۇكتاب مثنوى شكلىنده ومتقارب مثنى مقصور
(۱۱ هجالى) بحرینده يازيلميشدير. قوتادغۇ بىلىگ مسلمان تورکلىرىن
ايلىك شعرکتا بىدير وآديندان دابللى اولدۇغوكيمى (سياسنت واقتسدار
علمى وياسعدت علمى) حقينده ومناطره شكلىنده يازيلميشدير. دىلى
قارخانلى وياكاشغر تورکجه سىدير.

اشرى اؤخورکن ياخشى باشا دؤشمک. اوچون کاشغر تورکجه سىنىن
بعضى خصوصيتلرينى وبيزيم تورکجه ميزله فرقلرينى خاطرلاتمماق
فايدالى اولاجا قدير مثلاً:

بيزده (د) ايله باشلانان سۇزلىر کاشغرلهجه سينده (ت) ايله
باشلار: تيل (دیل)، تيمک (دشمک)، تسوه (دوه)

بيزده ايى ايله باشلانان سۇزلىرىن باشيندا اکشرا (ى) واردير
ييلان (ايلان)، ييل (اييل) سۇزلىرىن اورتاسيندا (ى) هنوز (سذ)
اوخونور: آداق (آياق)، بۇدوک (بۇيوک) .

- (ن) غنه موجوددور: مينگ (مين)، سنيگ (سنيىن) .
- سۇزلىرىن اورتاسيندا هنوز غ، ق موجود دۇر: تامفاق (داماق)
اۇرقان (ووران)،

- بيزدهكى (و) مخرجى بيرجوخ بىشرده (ب) اؤخونور: اثب (ا-
ثو)، بارماق (وارماق = يىتشمک گىتمک) بىشمک (وشرمک)
کتره = اء وقتحه بيرينجى هجادا وشکيلچىده کسره (ا = ايى)

شکلینده اوخونور. تیمک، دشمک (اوندین (اوندان)، گیجه (گئجه) مفعولاً به یا عطف شکلیجیسی (تا، که) دیر: کیشیکه، آداما (آداما). مفعولاً عنه (DATIF) ومفعول فیه (LOCALITIF) شکلیجیسی سی ایله عینی دیر (دا، ده).

(ج. هیئت).

قوتادغو بیلگ تورک و اسلام کولتور امدنیت (لرینین بیسر - بیرلری ایله قاینا شماغا باشلادیغی ایللرده یازیلیمیشدیر. یوسف خاص حاجب تورک دیلی و کولتور و باغیمیندا ن بویوک اهمیتی اولان بواثرینی ۴۶۲ هـ = ۱۰۶۹ میلادی ده تاما ملامیشدیر.

بواثرین اوچ المیازما نسخه سی واردیر: وینه (وین)، فرغانه و مصر نسخه لری. وینه نسخه سی، اوغور، دیگر ایکی نسخه عرب حرفلری ایله استنساخ ائدیلمیشدیر. تورک دیلی قورومو اوچ نسخه نینده طبسق با سیمنی (فاکسیمیله) یا بیینلامیشدیر. (۱)

اثر اوزرینده آپاریلان ایشلرین بعضی سی تما مینی و بعضی لری ده بیر قسمنی ایچینه آلماقدادیر. (۲) آراشدیجیلاری و ایشلرینی اوچ حصه یه آبییرا بیله ریک :

اثرین اوخونما سی و ترجمه سی اوزرینده آپاریلان ایشلر، دیلی ایله علاقه لی تدقیقلر، محتوا و قاینا قلاری باره ده نشر ائدیلمن لیر. بیزیم چالیشما میز سون حصه یه عاید اولدوغوا و چون بورا دا دیگر لری اوزرینده دورمیا جا غیق .

قوتادغو بیلگ له علاقه دار اونملی ایشلر آپاران رشید رحمتی آرات اثر و محتوا سی باره ده فکرینی بئله افاده ائتمیشدیر: (یوسف بواثری ایله انسان حیاتینین معنا سینی تحلیل و اونون جماعت و

۱ - قوتادغو بیلگ طبق با سیم I، وینه نسخه سی، استانبول ۱۹۴۲. قوتادغو بیلگ، طبق با سیم II، فرغانه نسخه سی، استانبول، ۱۹۴۳. قوتادغو بیلگ، طبق با سیم III، مصر نسخه سی، استانبول ۱۹۴۳. ۲ - بو خصوصدا آرتیق معلومات اوچون باخین، پرفسور احمد به ارچیلان، قوتادغو بیلگ نر امری - فعل، آنکارا، ۱۹۸۴ گیریش، صحیفه ۱۵ - ۱.

دولت ایچینده کی وظیفه سینی تعیین ائدهن بیر فلسفه، بیر حیات فلسفه سیستمینی قۇرموشدور. (۲)

قۇتا دغوبیلیگ نه واقعه لری نقل ائدهن بیر تاریخ، نه بۇلگه و شهر لری تصویر ائدهن بیر جغرافیا، نه دین عالملرینین اجتهادلارینی توپلایان بیر تالیف، نه حاکملرین فکرلرینه دایانان بیر فلسفه ونه ده شیخلرین وجیزه لرینه سؤیکه نن بیر نصیحت کتابی دیر.
شاعرلرینده، دۇرۇنون اسلوب و طرزینه اۇيغۇن اولراق، اۇز فکدرلرینی گۆجلندیرمک اۇچون بۇگوندن ده آرتیق محیطین فکدر محصولارینا مراجعت ائتمیشدیر (رحمتی آرات).

اشرده کی اجتماعی و دینی موضوعلاری تدقیق ائدهن عثمان جیلانی اۇنون محتواسی حقیقده بیله یا زمیشدیر: "قۇتا دغوبیلیگ ده ابلک اولاق راق آللاها عبادت امرلرینه اطاعت توصیه ائدیلمیر. یوسف خاص حاجبه گۇره ان بۇیوک فضیلت دۇغرۇلوقدور. ثروت، بۇیوکلوک، دونیا و آخرتده سعادت قۇووشماق آنجا ق. دۇزلوک و عدالتله ممکن دۇر. قۇتا دغوبیلیگ بیر چۇخ سۇسیال و دینی موضوعو چوخ آیدین و تاشیرلی بیر اسلوب بیللا افاده ائتمیشدیر. (۴)

قۇتا دغوبیلیگین حقوقلا علاقه سی باره ده تدقیق ائدهن صدری مقصودی ارسال، فکدرلرینی بیله بیان ائتمیشدیر: قۇتا دغوبیلیگ، مدنی بیر تورک محیطینده کی عصرلردن بری توپلانمیش اخلاق، سیاست و حقوقا عاید فکدرلرین بیر خلاصه سی، ۱۱ - اینجی (میلادی) عصرده کی تورک کولتۇرونون بیر آبیده سی دیر (۵). "شایان دقت دیرکی ایران شاعری (فردوسی) شعرله ایرانین افسانه وی تاریخینی تصویر ائدرکن تورک متفکری شعرله دولت اداره سیندن، حقوقدان، اجتماعی اخلاقدان بحث ائدیردی. بۇچوخ معنالی دیر. ایرانلیلار، بیخیلمیش سیاسی استقلالسی اعاده ائتمک اۇچون تاریخدن، گئچمیشدن کمک ایسته ییردیلمیر، تورکلر

۳- رشید رحمتی آرات، قۇتا دغو بیلگی I متن، ایکنجی باسقی (چاپ)

ت. د. ق. و TDK آنکارا ۱۹۷۹، گیریش صحیفه ۲۵.
۴- یاردیمچی دوچنت دوقتور عثمان جیلانی، قۇتا دغوبیلیگ ده سوسیال و دینی موتیفلر، MK ما یی ۵۸ - س ۱۲ - ۵۰۱۹۸۷ - اوردیرفسور صدری مقصودی ارسال، قۇتا دغوبیلیگ (استانبول اونیورسیتته سی حقوق فاکولته سی مجموعه سی نین ۱۹۴۷ یلی ایکنجی ما یی سیندان آیری باسیم).

داھا گلەجکدە قۇراجاقلاری دولتلیرى اداره ائتمک اۇچون اساسلار
تثبیت ائیدیردیلر. (ص . م . آرسال) .

احمدجعفرا وغلۇ اثرین قارشیلیقلى دانیشیقلا شکلیندە ترتیب
ائیدیلدیگینی، یازیچىنین فکەرلیرینی گۆلجندیرمک و اۇگودلیرینی
ساغلاملاشdırماق اۇچون تورک بۇیوکلیرىنین سۆزلىرىنە یئتر وئدیگینی
قیدائیدیر: " اثر منظره و محاوره شکلیندە ترتیب ائیدلمیشدیر. مختلف
مسئلهلر واجتماعی ملاحظهلر باره ده ایرهلى سۆرولن فکەرلى گۆلجند-
یرمک و نصیحتلىرى ساغلاملاشdırماق اۇچون ، مؤلف اکثریتله ، بۇیوکلر
آغزیندان وجیزه لرله بواجا بیئروئرمیشدیر. بۇ بۇیوکلر، اۇ دوره ده قا-
راخانلىلار دولتىنین اداره سینده کی تورک جامعه سىنین بۇیوکلری دیر .
ف . ک . تیمورتاشا گۆره قۇتادغوبیلیگ اسکى تورک اخلاق و دولت تلقىسى
ایله اسلامى دنیا نى بېرلشدیرن نصیحت نامه و سیا ستنامه کتایبى دیر .

بعضى آراشdırیجیلار، ائشردە چین گۆلتورونون تائىرىنیندن
سۆز ائتمیشلر. بۇنلاردا ن بېرى ج . تورى *Thury* . ایدیر .

ابراهیم فقس اۇغلودا کونفوسیائىسم اساسلاری ایله قۇتادغو
بیلیگده کی دوشونجهلر آراسیندا بیرمناسبیتن اۇلدۇغونو قبول ائدر:
قانون فکرىینده کی آچىقلىق، تائىرىنین ان بۇیوک قدرت اولراق تصوو-
رو، پادشاه - تائىرى علاقه سى و تائىرىنین پادشاه اۇرىک اولماسى
تورک عرف و قدرت آنلايىشلاری ایله پارالل (موازى) گۆرولمکده دیر .
بۇقدیم تورک اینامى ایله چین دینى تلقىلری (دوشونجه طرزى) آراسى-
ندا باغلانتيلار واردیر .

عبدالقادیر اینان ، فوادکوپرولوبه گۆره چین تائىرى حقیینده
داھا درین تدقیقات آپاریدمادان بېر فکرافاده ائتمک، دۇغرو-دۇزگون
دگیلدیر . برؤکلما ن وجعفرا وغلوجین تائىرىنین انکار ائیدیرلر . خلیل
اینالچیق ائشردە هند - ایران و اسلام تائىرىنیندن بحث ائتمکده دیر .

جعفرا وغلودا موضوع و دیال جهتیندن عرب و ایران تائىرىنینده
اشاره ائتمیشدیر. دیال باخیمیندان داھا قاباخکی ویا عصرداش اولان
غیراسلامى اویغور متلیرینه گۆره داھا چیلخا تورکجه دیرلاکن بئرائشله
عربجه و فارسجا بېرچوخ سۆزلر تورک دیلیینه گىرمیش و بېرچوخ تورک
لهجهلیرینده بۇگونه ندهر قالمیشدیر .

اکثریتی دینی و بعضی‌لری دولت تشکیلاتینا عاید اولان بواصلاخلار یۆز
ایگیرمی کلمه‌دن عبارت‌دیر. بۇ سۆزلرین ۸۰% عربجه و قالانی فارسجا
دیر.

فؤاد کوپرولویه گۆره ائرده ایران - اسلام مدنیتی تأثیر
داها گۆجلۆدور، بۇتا شیر بائدا ابن‌سینا یا عایدیدیر. خصوصیله حکیملیک
حقینده کی فکرلری ابن‌سینا دان آلدیغی فکرلردیر (O.A. Leber, C. Brockelmann).

بۇ اثر موضوع خارج، تمامیله اۆریژینال بیر اثر دیر (A. Bombacci).
صدری مقصودی بۇبارده بئله‌دشیر: ادبی، فکری
ملزومه - ماتریال‌ها میسی تورک حیاتیندان آلینمیشدیر. مؤلفیسن
ایشلتدیگی ضرب‌المثل‌لر تورک، آتالاسۆزلری دیر. فکرلرینی تأیید
اۆچون گتیردیگی شعرلر تورک شاعرلرینین شعرلری دیر.

رشید رحمتی آراتین یازدیغینا گۆره یوسف اینا نمیش بیسیر
مسلمان دیر. اۇ آلاهیین وارلیغینا و بیرلیگینه گۆنۆلدن اینا نیر
اۇنا گۆره آلاهی انساننی یاراتمیش، اۇنا ان بۇیوک فضیلتلیری
وئرمیشدیر... عبادت لازیمدیر، لکن بۇتک باشینا بیر مقصد دگیلدیر،
انسانین یاخشیلیغی اۇنۇن جماعت ایچینده فایدالی اولۇب - اولما -
ماغی ایله اولچولر آ - دیلاچارا گۆره یوسف خاص حاجب بۇتون تور -
کلرین مسلمان اولماغینی ایستر. دیلاچار ایلك دفعه اولراق قوتادغو
بیلیکله قرآن آیهلری آراسیندا اولان باغلاری آچیقلامیشدیر. اۇنون
بیتلری بعضا" تانری بۇیوروغو، بعضا" تنبیه، بعضا" اۇگۆد، بعضا"
ساقیندیرماق و بعضا"ده یاساقلاماغی افاده ائدیر. یوسف بیر طرفه،
منزوی اۇد قورموشو، اۇبیر طرفه‌ده، کۆن طوغدی ایله اۇگۆدولموشی
قویاراق هراییکی طرفین ده مدافعه‌سینی ائله‌یندن صورنا صیرا حکم
وئرمگه گلنده هۇما نیست‌لرین طرفینی ساخلاپیر. "تانری سنه نئجه
یاخشیلیق ائله‌دیسه سن ده باشقالارینا یاخشیلیق ائله". و آخسین کما
آخسن الله الیک (قصص سوره‌سی آیه ۷۷).

یوسف خصوصیله نصیحتلرده و احکامی بیلدیرن بیتلرده آیه و
حدیثلردن فایدا لانمیشدیر. بۇرادا قرآن آیهلرینین معنا لاری دۇقتور
سلیمان آتشین کتا بیندان آلینمیشدیر.

۱ - معنا سېنى آيەلردن آلان بېيتلەر :

- تانرىنىن آدى - يارادماغى وبىلەمەسى : توركلرىنمىسلمان
اۋلاندان سونرا ھراشرى تانرىنىن آدى ايلەباشلامىشىدىر . قوتادغىسو
بېلىگىن دە متنى بىئە باشلار .

آلاھ يارادىجى وبىلەيىجى دېر
بايات (تانرى) آتى بىرلە سۆزۆگ باشلادىم
تۇرۇتگن (يارادان) ايگىدگن . (بىتتىشىدىرەن) كىچۆركن (كۆچورەن)
ايدىم (رېم ، صاحبم) .

- تانرىنىن "اۋل" امرى - تانرى بىرىشىين اولماغىنى اىسترسە
"اۋل" دىير و اۋلار ، اۋبوعالمىن حقيقى صاحبى اۋلدۇغو اۋچون ھرايشرە
ھكمۇنو بىرىنە بىتتير :

تىلەمىش (دىلەمىش) تىلەكى (دىلەگى) بۇلور (اولار) بۇل تىسە
(اۋل دىشە) .

بۇرېتو (بىرىد) قضا سىن نە اشرەكسە (نەبىتتىشە آداما)

نەگۇقۇلسا قۇلمىش تىلەكىن بۇلور

نە گۇگ بۇل تىسە اۋل تىلەمىش بۇلور .

بۇگۇنكو توركجەمىزلە : اونه ارادە ائتسە دىلەگى اۋلار ، نەبە اۋل
دىشە ، اۋ ، اۋلار .

بۇ بېيتلەرنىن معنا سى بۇ آيەلردە گۇرولمكەدە دىر : بىز بىرىشىنى
اىستەدىكىمىز زامان يالنىز اۋل دىشەرىك ، اۋلار ، اۋ گۇكلرىن بىشەن

يارادىجىسى دىر . (سوره نحل آيە ۴۰)

- جاھل لردن اۇزاق دۇرما :

بېلىگىز بىلەھىچ سۇزۇم يۇق منىنگ ،

اى بىلگە اۋزۇم اۋش تا پۇچى سنىنگ

(اى بىلگىلى اۋزۇم سنىن قۇلۇنام)

بېلىگىسىز كىشىدن بىراق تۇر تىشە (قاچ)

بېلىگىسىز سۇزى قىلىقى (عملى) بارچا اۋتۇن (ھمىشە قابادىر)

بۇبېت لردە الھامىنى بۇ آيەدن آلمىشىدىر : عفوئى تىت ، ياخشىلىقى
امراشە ، جاھل لردن اۋزچىشوبر . (اعراف سوره سى ، آيە ۱۹۹) .

- دنيا حياتى :

اۋيۇن ساقىشى اۋل بۇدنيا ايشى

آداقین تیلەسە بېرۇر بۇباشى .
بۇگۇنکو تورکچەمیزلە :بودنیا ایشى بېر اۇيۇنا بنزەر، اياقین
ایستەسن اۇ سنە باشینی وشرر .

بودنیا ایشى کۇر اۇيۇن اۇل اۇيۇن
اۇيۇنقا قاتیملما گرەک بو اۇيۇن .

بۇگۇنکو تورکچەمیزلە : بودنیا ایشى اۇيۇندۇر، اۇيۇن، اۇيۇنا
قاتیلما، اۇيۇن نەپە گرەک بو بیتلرلە علاقەلى دۇردآیە واردیر :
دنیا حیاتی سادەجە بېر اۇيۇن و اگلنجهدن باشقا بېرشى دگیلدیسر،
قۇرۇنا نلار اۇچون البتە آخرت یۇردو داها یاخشی دیر، دۇشۇنمورسونو-
زمى (انعام سورەسى، آیە ۲۲) .

بودنیا حیاتی اگلنجه و اۇيۇندان باشقا بېرشى دگیلدیسر .
آخرت یۇردو، اصل حیات اۇدۇر، کاشکی بېلسنیدیلر . (عنکبوت سورەسى
آیە ۶۲) .

– گناہ و اللاهین رحمتی :

بۇ کینگ دونیا اۇزکە کۇچۇن قیلما تار
بازۇقلۇق قۇلینکا با بات فضلی بار (وار)
بۇگۇنکو تورکچەمیزلە : بۇگۇن دنیا نی اۇزۇنە زورلادار التما، گناہکار
قۇلۇ اۇچون اللاهین فضلی ورحمتی وار .

بازۇقوم اۇکۇش تیپ اۇمیچ کسمەگۇ .
تا پۇققا اینانیپ تا پۇق یا سماگو
بۇگۇنکو تورکچەمیزلە : گناہیم چۇخ اۇلدۇغوا اۇچون اۇمیدی کسمەمەلى
عبادت گۇونەرەک دە عبادتدە افراط ائتمەمەلى .

• یا نا (گینە) من ایدیمدین (ربیمدن) اۇمیچ اؤمید) کسمەدیم
بازۇق (گناہ) یارلیقالی (عفواشدەن) اۇل اول بېر ایدیم
بو بیتلردە الزۇم سورەسى نین ۵۳ – اۇنجو آیە سیندن مُلهم دیر :
دشکی : ای نفیس لرینە قارشى افراطا گئدەن قۇلاریم، اللاهین رحمتیندن
اۇمید کسمەیین اللاه بۇتون گناہلاری باغیشلار، چونکی اۇ، چوخ باغیشلا-
یان، چوخ اسیرگیەندیر .

– هریشیین فانیلیگی :

قایۇکیم طۇغار ارسە اۇلگۇ گزەک
قایوننگ آغار ارسە ایلگۇ گرەک .

بۇگۈنكى تۈركچە مېزىلە: دۇغان ھركس اۆلمەيە، يۆكسەلن ھرشى دۆشمەيە
محكوم دور. قرآن كريم دەبۇبارە دەبئللە دئىلميشدير: رحمان سورەسى
آيە ۲۶. يىتر اۆزۈندە اۆلان ھرشى فانىدير.

- ايچكى (مشروب):

بۇر ايچمە فساددىن يىراق تۇر تۇرە
بۇقاج نىنگ يۇرير تۇتچى بىنگلىك بۇزا
بۇگۈنكى تۈركچە مېزىلە: شراب ايچمە، فساددان ارىراق دۇر، قاچ، بۇنلار
ھميشە مۆلكە و سلطنتە خلل وثرير، پۇزار.

بۇرايچمە بۇرايچسە بارير ارقۇتى

بۇرايچسە بۇلور تىلوو (دلى) مۇندوز آتى (آدى).

بۇگۈنكى تۈركچە مېزىلە: ايچكى ايچمە، ايچكى ايچن آدامىن سعادتى
الدىن گئدر، ايچكى ايچىن آدى دلى و احمق چىخار.

بۇبىت لردە مائدە سورەسى آيە ۹۰ دان الھام آلىنميشدير:

اي انسانلار، شراب قۇمار، تىكمە داشلا (بۇتلار)، شانس اۆغلار،
شيطان ايشى و مۇنداردىر، بۇنلاردان ما قىنن كى قۇرتۇلوشا چا تا.
سنىز.

- ياخشىلىق:

قالى ائدگو بۇلماق تىلەسە اۆزۈنگ

يۇرى ائدگۈلۈك قىل كسىلدى سۇزۈنگ

بۇگۈنكى... ..

اگر ياخشىلىق اۆلماغىن ايستەيىرسن

يىئرى ياخشىلىق ائلە - آيرى سۇزە نە حاجت

يۇرى ائدگۈلۈك قىل آي ائدگو كيشى

ايتىگلىك بۇلور تۇتچى ائدگو ايشى

بۇگۈنكى... ..

يىئرى ياخشىلىق ائلە اى ياخشى كيشى

دۇزگون اولار ھميشە ياخشىن ايشى

قامۇق ائدگۈلۈك قىل ايسىزدىن يىئرا

قامۇق ائدگو كلگەى سن اۆلتۇرتۇرا

بۇگۈنكى... ..

ھامى يا ياخشىلىق ائلە بېسىلىگەن اۇزاق اول
ھمىشە ياخشىلىق گلر سەنە (بۇندان) اىستەر اوتور، اىستە
زىدور

كيشى ياسى قۇلما اۇزۇنگە قىلما ياس
نئچە ائدگۈلۈك قىل ھاوا - آرزو باس

بۇگونكو.....:

اۇزگە انسانىن ضررىنى اىستەمە اۇزۇندە ضرر وئرمە
ھا مەسى ياخشىلىق ائلە ھاوا - ھوسىنە حاكم اول

اىسىز قىلما قىلسن آى الگى اۇزۇن
قامۇق ائدگۈلۈك قىل قىلىنچىن، سۇزۇن .

بۇگونكو.....:

بېسىلىك، ائلە مەسن اى الى اۇزۇن (قدرتلى)
ھمىشە ياخشىلىق ائلە، سۇزدە. وعمل دە

بۇرى ائدگۈلۈك قىل، اكىن ائدگۈلۈك،
سانگا ائدگۈبۇلقاى اۇجو منگۈلۈك (ھمىشە)

بۇگونكو.....:

بىشى ياخشىلىق ائلە، ياخشىلىق اك
سە ياخشى اولار بۇندان ھمىشە

قانىقلان اۇزۇنى تامو (جەنم) دان بىرات
قامۇق ائدگۈلۈك قىل كۇدز گەى بايات

بۇگونكو.....:

چالاش اۇزۇنو جەنمەن اۇزاقلاشدىر
ھمىشە ياخشىلىق ائلە تانرى سنى قۇرۇيار
بۇبىت لردە بقرە سورەسى ۱۹۵ - اىنجى آيسەن الھام آلىنمىشىدىر:

- شھادت وكافرلرلە ساواشاندا اولمك:

بۇكافرا اۇچون تۇتار آت سۇ تۇلۇم
اۇلۇپ تۇشسە كافر دە بۇلماز اۇلۇم

بۇگونكو.....:

بوگافرلرە سرباز، تات اردووسلاج چئوپير .
كافرلە ساواشدا اۇلسە اۇلۇسا ييلىماز
بوھىتدە بقرە سورەسى ۱۵۴ - اينجى آيەدن ملھەمدير .
" لاتحسبن الذين قتلوني سبيل الله أمواتا"
- اۇلوم :

نەگۈتير (دئيبير) ائشيتگيل كيشى ائدگۈسى (اييىسى)
يۈريب ، تين (نفس ، روح) تۇقىقلى آخىر اۇلگۈسى .
بوگونكو :

نە دئيبير ائشيت آداملارين ياخشىسى
يئرييەن نفس آلانلار آخىر اۇلەجكلر

اۇلومكە تۇرۇتتى بۇسانسىز قۇنۇم
تيريك بارچا اۇلكو آنكا يۇق اۇلوم
بوگونكو

اۇلوم اۇچون تۇرتدى بۇمايى سىرمخلوقى
دىرى اۇلان ھامىسى اۇلەجكدير ، يالنىزاۋنا اۇلوم بۇخدور .

سىزىك سىز اۇلوم بىرگۈن آخىركلير
تيرىلميش بۇجانلىق جانين آلقالير
بوگونكو :

شېھەسىز اۇلوم بىرگۈن آخىرگلهجك
دىرىلميش بۇجانلىلارين جانين آلاجا قدير .
آتيم ائدگو بۇلسۇن اۇزۇم اۇلسۇنى
تيريك اۇلكۇ آخىر آتيم قالسۇنسى
بوگونكو

آدىم ياخشى اۇلسۇن اۇزۇم اۇلوم
دىرى اۇلەجك آخىردە ، آدىم قالسىن
بوھىت لردە انبياء سورەسى نين ۳۵ - اينجى آيەسىندىن الھام آلين
مىشدير .

- غىبىت حقيئدە :

سانگا كيم بۇنگا سا ائشيتكىل سۇزىن (۱)
چىمىن بالقانن كئد آيىب تۇب تۇزىن

بۇگونكو.....:

سنه هر كيم غىبىت ائدرسه ائشىد سۇزۇنو
دوغرۇ - يالانلىغىنى ياخشى آراشدير.
بۇبىت ده خجرات سورەسى ۶ - اينجى آيەسى نىن مالى دىر.
- شكر اۇچۇن:

شكز قىل آ (ى) نعمت ايدىسى اوتوز
شوكور قىلسا نعمت بايات آرتورور

بۇگونكو.....:

شكرائله اى نعمت ما حىبى قبول ائت كى
شكرائلسه تانرى نعمتىنى آرتىرار
صبر قىلسا محنت بۇلور نعمتىنگ
شوكور قىلسا نعمتكا آرتار تيگىل (دئى گىلن)

بۇگونكو.....:

صبر قىلسا ن محنت نعمت اۇلور
شكر قىلسا ن نعمتىنه آرتار، سۇيله
بۇبىت لردە ابراهيم سورەسى نىن ۷ تا اينجى آيەسى ندىن ملهم دىر.
۲ - معنا سىنى حدىث لردن آلان بىت لىر:

قامۇق ايش ايچىندە آمۇللوق اۇدۇر
مگر طاعت ارسه ايويىنگىل (عجله ائت) يۇگور
بۇگونكو تور كچه مىزله : هامى ايشلر اۇچون ساكىنلىگى سىچ (اوستون توت)
مگر طاعت اولسا عجله ائت يۇگور (تئز اول)

ايوه ايشلەمه ايش مگر دىن ايشى
ايوهك ايشته آسقىن (فايدالى) بۇلۇنما زكىشى
عجله ائتمه ايشلردە مگر دىن ايشىندە
بۇگونكو:

عجله ايشده آدام فايدالى اولماز
بۇبىت لردە بۇحدىث نبوى ده ملهم دىر: هر شى ده تائى (بواش حركت
ائتمك) خىرلى دىر. آخرت عملى مستثنا .

قائىلسا قارىلسا تۇتۇپ ائدگو ايش
ايشى ائدگو بۇلسا قىلور ائدگو ايش (جم)

۹- شعردە وزن ايجاب ائله دىگى زامان غنئەن (نگە) ن كىمى اۇخونار امتر

قاتىلىسا قارىشا ياخشى ائش دوست تۇتسا
ئش دوستو ياخشى اۇلسا ياخشى اېش گۇرر

- دنيا و آخرت اۆچون :

يارىيلىق اۆرۈن (يىتر) ائدگو قۇلسا (ايستەسە) اۆزۈن
ايسيز (پيس) قىلما سونى بوايىكى آچۇن
بۇگونكو..... : آخرت ائوينى (يىتر) ياخشى ايستەسە
پيس قىلما سۇن بوايىكى دنيا نىسى

بايات بىردى قۇلقا ايىكى گۇز قۇلاق
بىرى دنيا باقسا بىرى عقبى باق
بۇگونكو..... : تانرى وئردى قۇلا ايىكى گۇز، قۇلاخ
بىرى دنيا يا باقسىن بىرى عقبا يا
بۇدنيا ايچى بىر تارىقلان تۇرۇر
نەگۇاكسە مۇندا يارېن اۇل اۇنۇر
بۇگونكو..... : بۇدنيا بىر تارلا (مزرعە) كىمى دىر
نەگى اكسە بۇردا صاباخ اۇنو بېچىر.

- انسان و دنيا :

آپا اۇغلانى كۇرسە آرقىش (كاروان) سانى
اۇرۇگ تۇرقو بۇلماز اۇرۇگلىر قانسى
آدام اۇغلو گۇرسن بىر كاروانا بىنزەر
اقامت - دۇرماق اۇلماز منزل لىر هانى
نە تىوك آرسىقلارسن ايا اۇلدەجسى
اۇزۇنگ ايىكى كۇنلۇك قۇنۇق بۇلداچى
نە اۆچون اۇزۇنو آلداتىرسان اى فانى (اۇلن)
سن ايىكى گۇنلوق قۇناق سان

- حقيقى زىلگىنلىك :

بۇدونىادا بايلىق تىلەسە اۇزۇنگ
كۇنى بۇل كۇنلىك اۇزە تۇت سۇزونگ
بۇگونكو..... : بو دنيا دا زىنگىنلىك دىلەسەن
دۇز اۇل اۇرەگىن وسۇزون دۇز اۇلسۇن
كۇزى تۇق چىغاي ارسە بايقاسانۇر
سرىنسە كىشى تگمە اېشتە اۇنور

بوگونكو....: گۇزۇتوخ فقيرده اولسا زنگين صاييلار
صراشتسه آدام ھرايشده موفق اولار

تۇكل باي بۇلايىن تيسه بىلگولۇك (بىللى)
كۇنگول بايلىغى قۇل اى ارسىگ (ايگيد) كۇلوك
كامل زنگين اولۇم دئسه بىللى دىر
كۇنول زنگينلىگى ايستەاي شانلى ايگيد
- گۇزۇ آج، طمع اوچون :

تۇدۇمسوز بۇلۇر اول كۇزى سۇق كيشى
كۇزى سۇققا يىتمز بۇدنيا آشسى
دۇيماز اولار او گۇزۇ آج آدام
گۇزۇ آجا بۇدنيا نىن يىتمكلىرى (نعمت لرى) يىتتىشمز .

- انسانلار يىن خىيىرلىسى :

كيشى دةكره كى ياراقلىسى اول
ياراپ ھم تۇسۇلۇپ يۇرىقلىسى اول
لازم اولان اينسان يارايان انساندىر
يارايان ھم فايدالى وخليق دىر

- مسلمانلار يىن رضا سى، آلاھ رضا سى دىر :

بايا تىنگ سئوينجى تىلەسه او زۇنگ
مسلمان سئوينجى تىلەكس سۇزونىگ
تانرى نىن سئوينجىن دىلە سىن
مسلمان سئوينجىنى دىلە وسۇزۇكس

- مسلمانلار يىن قارداشلىغى : مسلمان مسلمان بىلە اول قارداش

قارداشقا قاتىلما اولام اشدگولش

بوگونكو توركجە مىزلە : مسلمان مسلمانلا قارداش دىر

قارداشا قابا اولما ياخشى داران

- اولوم اوچون : نەگوبار آجۇندا اولومدىن قاتىق

اولۇموگ صاقىنما كىترمنىگ تاننىق

نەواردنيدا اولومدن قاتى ، آغىر

اولۇمو دۇشونىن گىدرمىن داد ولذت

صونرا بىلە دىيىر : كىچىگ دە ادب يوق اولوقدا بىلىگ

اۇتۇنلار اۇكۇش بۇلدى بېيتى سېلىگ
 بوگونكو...: كىچىكلردە ادب بۇخدۇر بۇيوك دە علم
 قابالار چۇخالدى ايتدى اينجه انسانلار
 بېلىگلىك كۇنى سۇزلە يۆمز سۇزىن
 تېشى دە اۇووت (حيا) كىتتى اۇرتمز يۇزىن
 بېلىگىلى اۆرەك سۇزۆنو سۇبىلە بېلىمز
 قادىن دا حيا كىتتى اۇرتمز اۇزون
 بۇ بارچا اۇلۇغ كۆن نىشانى تورور
 نىشانى كۇرۆنسە كلىگىلى كلۆر
 بۇنلار ھامىسى قىامت گۆنون نىشانى دېر
 نىشانى گۇرۆنسە گلن گلر .
 تۇزۇ خلقە كۇنگلۆن با غىرماق بۆلۇن
 تۇجى ائىدگۇلۇك قىل سن ائىدگو بۇلون
 بوگونكو...: بۆتون خلقە گۇنلۆنومر حمتلى ائىت
 ھمىشە يا خىشلىق ائىلە ويا خىشلىق گۇر

- قىامت علامتلىرى : بېلىگلىگ اۇجوز بۇلدى تۇتنور اۇزىن
 اۇكوشلوق آغىن بۇلدى آچماز سۇزىن
 بوگونكو توركجە مېزلە :

بېلىگىلى حقير اولدى بېرگوشە يە چكىدى اۇزون
 عقللى دىلسىز اولدۇ آچماز آغزىنى .

- يىمك يىئمەگىن آدابى :

اۇنگ الكىنگ بىلەسن كۇتورگىل بېگو
 بايات آتى اشنو آيىت آى بۇگو
 بوگونكو توركجە مېزلە : ساغ الينلە سن گۇتور يىئمەگى
 تانرى آدىنى اۇنجه سۇيلە اى عقللى

كىشى اۇتروكى اشقا سۇنماليگ
 اۇزۇنگ اۇتروكى اش بېيگىل آى سېلىگ
 بوگونكو...: باشقاسىنىن قارشىسىندا اولان يىئمگە الينى اۇزاتما
 اۇزۇنون قارشىندا (قا با غىندا) كى يىئمگى يىئاي اينجه و
 قلىبى تمىي—زادام
 بعضا" بېيت لرهه قرآن كرېم وھمدە حديث لردن ملھم دېر:

قاداش ياق - يا غوققا ياقينلوق اولما
 اولوغقا كىچىگكە شوۆك بول كۆلە
 بوگونكوتوركجە ... قارداش - قوھوملارا ياقينلىق كۆستەر
 بۇيۆگە كىچىگكە مەربان اول ، كۆل
 نە كۆركلۆك بولۇر كۆرپا غىرسا قلىقىن
 قاداشقا قاداش كۆنگلى بولسا ياقين
 نە كۆزەل اولار كۆر مەرحەمتلى ليگين
 قارداشا قارداش كۆنۆلو اولسا ياقين
 - تواضع وغرور اولجون:

كۆوزلىك آسىقسىز كۆنگول تۆلميتور
 كۆنگول قۆدى بولسا كىشىك بۇقلا تور
 بوگونكو... غرور فايدا سىزدىر كۆنۆلو صۇغۇدار
 كۆنۆل آلچاق اولسا آدمى بۆكسلدىر
 اولۇغلق اولزون بىركىشى قۆدىسى
 بىدو كلۆكە تگمىز بۇدۇن قاتقىسى
 بوگونكو: اولزون مدت بۆكسكلىبادە قالار آلچاق كۆنۆللو كىشى
 خلقە خشن وغرورلوا اولان بۇيوكلوگە چا تماز

- تانرىنىن ايستەدىگىنى اولجالتماغى بارەدە :
 بايات كىمسكە بىرسە عنايت اولۆك
 تىلگە تگىر بۆلدى آتلىق كۆلوك
 بوگونكو: تانرى كىمسە وئرسە عنايت ، قسمت
 دىلگىنە بىشتىش ، آدىلى ، سانلى (مشهور) اولار

آغىرلىق اولچۇزلوق باياتتىن تورور
 اولۆم ياترىكلىك هم آندان ارور
 بوگونكو...: عىزىلىك ، ذلىللىك تانرى دان دىر
 اولۆم ويا دىرلىك دە اولسەن دىر .

بايات بىرسە عىزىن بۆك اول غايتى
 اولكوش رحمت ايچرە اولزۇنگ ، راحتسى

بۇ گونكو...: تانرى وئرسە عزتيني اونون غايىتى بۇخ
چۇخ رحمت ايچينده سىنن راحتين وار.
بۇبيت لىر آل عمران سورەسى نىن ۲۶ - اينجى آيه سىندىن ملهم دىر.
- جمعه نامازى :

پادشاه اۇدقۇرمىشا جمعه نامازىنى قىلماغى وفرض نامازلارى-
دا جماعتلە قىلماغى توصيه ائدىر.

جماعت بىلە قىل فرىضه ناماز
چا غا يىلار حجى قىل آدينه ناماز
بۇگونكو...: جماعت ايله فرض نامازى فقيرلرحجى اولان جمعه نامازىنى
قىل
بۇ بيت ده جمعه سورەسى نىن ۹ - اينجى آيه سىندىن ملهم دىر.
- مشورت اۇچون :

نەگۇ، تىراشيتكبل كىشى تىلدىمى پوقا مۇق قىلقۇا يشكە كىنگش اول امى؟
بۇگونكو...: نەگى دشىير ائشيت انسانا خىزگتيره ن (بىنمىر)
هامى آپازا جاغىن ايشلرده مشورت ائسلە
- يالان سۇيلنە مك و وئردىكى سۇزودن دۇنمك :
بۇيالقان كىشىلر وفاسىز بۇلۇر
وفاسىز كىشى خلقە تنگسىز قىلۇر
بۇگونكو...: بۇيالانچى آداملار وفاسىز اۇلار
وفاسىز آدام خلقە دنگسىز (نا جور) ايشلر قىلار
كىشى ده با وۇزراقى يالقان بۇلۇر
با وۇز دابا وۇز وعدە قىيغان بۇلۇر
بۇگونكو توركجه مىزلە :

انسانين ان پىيسى يالانچىسى دىر
پىس دن دە پىيسى سۇزۇندىن دۇنن دىر .
بۇبيت ده آل عمران سورەسى نىن ۷۶ - آيه سىندىن ملهم دىر .

تورک دنياسى آرادىر مالارى صابى ۷۲ - حزيران ۱۹۹۱ - استانبول.

وارلیق دان

ارک ه سلام

آبان آییندا ن بری تبریزده آنا دیلیمیزده وفارسجا اؤلارا قازک آدی ایله بینی بیرغزتین چیخما غنی هامییزی اؤره کدن سئویندیرمیش - دیر. بوغزت بیرینجی صحیفه سنین باشیندا یازیلدیغی کیمی (روزنامه ارک گونده لیک، فرهنگی - ادبی - هنری - علمی) ایکی دیلده وهرگسون چیخما غا قرارلی اؤلارا ق مطبوعات ساحه سینده آتدیم آتمیشدیر. بیسز وارلیق یازبیچیلاری آدینا ارک غزتی نی اؤره کدن سلاملار و اونا اوزون عمور ویا خشی شهرت و بویوک باشاریلاردیله بیریک مین ایلدن . چوخ تاریخی - مدنی سابقه سی و بویوک آذربایجانین وحتی ایرانین اوزون مدت پایتختی ، سونرا ایران ولیعهدینین قرارگاه ای اؤلان و بویوکون بیر ملیون یاریم خلقی یاشادان تبریزده بئله غزت و درگیلرین هله ده بیسری بوشسودور. . بیز زامانلار بوتون ایران وحتی اورتسا شرقه ایشیق ساچان تبریز چوخدان دیر اوزونون ده چراغی سونموشدو. تبریزین اوزون وماجرا لی تاریخینده قارانلیق و آجی گونلری چوخ اولموشدور اما بیزه ائله گلیرکی پهلوی دوری قدر آجسی و اوزو گولمز ایللی اؤلما میشدیر. بیر خلقین مدنی حیاتینی یاریم عصردن چوخ بیرمدت ده تعطیل ائدیپ ، دیلینی ، ادبیاتینی یاساق ، وقفن قیلماق اؤ خلقی اولدورمک قدهر فاجعه لی دیر. دیل - ادبیات خلقین وارلیغی یعنی هر شیئی دیر. نتیجه کی بیرانسان وحتی حیوان ها واسیز نفس چکیب یاشایا بیلمز. جماعت ده دیل سیز ، ادبیات سیز معنوی حیات آپارابیلمز. یاشاسادا اونون یاشاییشی انسانی سویه ده اولابیلمز! ارک غزتی نین ایلک صابی لاریندا هرایکی دیلیمیزده یازیلان یازی لار ساده و دوؤزگون بیر اسلوبلا یازیلیمیش و دیلیمیزده کی املا قایدالاریندا ممکن مرتبه رعایت ائدیلیمیشدیر. مقاله و یازیبیلارین محتوالاری دا دولغون و فایدالی هنده چشیتلی و رنگارنگ دیر. البته داها ایشین باشلانقیچیندا اولان و ایلک صابی لارینی یایان بیرغزت دن بوندان آرتیق توقعیمیز اولابیلمز. بیز اون اوچ ایلدن بسری

بو يولدا آدديم آتديغيميز، اوچون غزتى چيخا ردا نلارين نه كيمسى
 چتينيلىكلره معروض قالدېقلاريني يا خشى بيليريىك. اونا گوره تېرىزىن
 شانلى تارىخىنى ده خاطرلادان ارک غزتى نى چيخا ردا ن لارى با شدا
 آقاي اشراقى اولماق اوّزه القيشلاييريىق. وانلارا بوخىرلى ايش و
 مدنى خدمتلىرىنده اوغورلار دېله ييريىك .

وارلىق

نگار خياوى- مشكىن شهر.

"ايستهره م"

دويمورام گونومون با تان چا غيدى،
 كون به گون با رلاييب چيخماق ايستهره م،

بوروولماز بېرقوشام، قاناد چالراق،
 او ره گيم قان اولوب آخماق ايستهره م،

گورميشم دنيزى، من دا بيا نيمسارام ،
 چانيم دالغالانيب، داشماق ايستهره م،

گونش گور نه گوزه ل نور سېله ييىر،
 باشين اولانيب، يانماق ايستهره م،

كوزه رله نير او ره ك گولين آلتيندا ،
 كسگين شېمشك تكيىن چاخماق ايستهره م،

عومور با هاريندا سازى كوكله ييب ،
 آيريليغين داشين آتماق ايستهره م،

صدفلى سازيمي با غريما با سيب ،
 وما ل موقاميني چالماق ايستهره م،

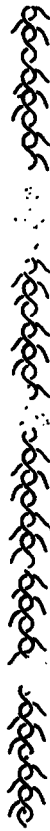
اشل لرده ، ديل لرده آديم "نگار" دى،
 روشنين عشقىنه چاتماق ايستهره م .

"فلک اوغلو"

فلک اوغلو عراق ترکمن (آذری) لری ذین تانینمیش اوزانلاریندان دیر. او تلعه رده ۱۵۱۹۲۹ آنادان اولموش دور. پششہ سی خسته خانادا صحیه مامورودور (ملقم) اصل آدی محمود سیدعلی دیر. ۱۹۴۳ دن شعری یازماغا باشلامیش یازدیغی شعرلرین موضوعو، محبت، ملی، دینی و عرفانی دیر. بئوک شاعریمیز فضولی مکتبینه منصوب دور.

بورادا نمونه اوچون اوندان "آجیل دیلیم" شعرینی نقل ائدیریک :

سؤیله دیلیم سؤیله دیلیم
 خوروز کیمی بایله دیلیم
 درین درین دویغولاری
 اوقول اردا سؤیله دیلیم
 اوقو دؤرلو اولای دیلیم
 آچیقلا سؤز قولای دیلیم
 اوقول اوگرنجی لرینی
 طویلا آلاي - آلاي (۶) دیلیم
 آنادیلیم آنا دیلیم
 جوق شیرین سن جانا دیلیم
 دوغدی دیلسیز آنام منی
 سن دیل اولدون منه دیلیم
 یوردی دولاش (گز) یوقلادیلم
 طوبرا غیننی قوقلا (۷) دیلیم
 یورد اگیره ن دوشمانلارین
 جیگرلرین اوغلا دیلیم
 فلک اوغلو ن قانیدیلیم (۸)
 سن سن اوتن بو بولبولوم
 هر باغچادا بکلر (۹) سننی
 آجیلیمش دیر قیزیل گؤلوم.



آجیل دیلیم آجیل دیلیم
 اوقوملار (۱) سچیل دیلیم
 یوردا دوشمان اولانلارا
 آتش اولوب سا جیل دیلیم
 اوقوملارا باشلا دیلیم
 یورد اوغرونا ایشله دیلیم
 جالیش دیلیم جالیش دیلیم
 ایستکلره قاووش دیلیم
 شیرین آنا سؤزلرینی
 اوقوماسین آلیش (۲) دیلیم
 آج آغزینی شاقیر دیلیم
 شاهین کیمی قاشقیر دیلیم
 کیم یوردونا بامان باخار
 چال یوز منه هایقیر دیلیم
 قوتسال دیلیم قوتسال دیلیم
 بولبول کیمی اوتسال (۵) دیلیم
 ها والاندیریوجه (اوجا) سسبن
 گوکلره چیق بؤکسل دیلیم.
 قونولاری اوزه ل دیلیم
 گؤزه ل لردن گؤزه ل دیلیم
 یازی اگری بؤیری اولسور
 سن دوز اوخودوزه ل دیلیم

۱- مدرسه ۲- عادت ائت ۳-
 ۴- مبارک ۵- اوخوء- هنگ هنگ.
 ۶- اییله ۸- قوولا

گونئی گولشئی

گؤنول ایران گؤلوستانین گزنسده
دؤشر گوللوکده ایستکده کمندده
قدم ویردیقا "انزاب"، "ارونق" ده
قلم گؤهر سره خط خط ورقسده
آذربایجان، وطنده باش یئرینده
بؤشهرستان گؤزهل گؤز - قاش یئرینده
"گونئی" باشدان باشا گوللوکدی، باغلیق
هرآیدا گوللهر، باغلیقدا ماغلیق
بهشتین باغلاریندا ن بیریوچا قسدی
پاک انسان بسلهین بیر پاک قوچا قسدی
دؤزه ندی، داغدی یا ائودی، ائشیکسدی
بؤیوکلوک پرورش وئرمیش بنشیکسدی
بؤگهواره بؤیوکلردن ائدهر یساد
بؤیودموش چوخ بؤیوک همتلی اوستاد
بو شهرستان یئتیرمیش ائیله عارف
کی اوندان درس حسن آلمیش معارف
نه گویچک گورسه نر عالم بویشردن
نه زیبا شرح ائدهر کیهانی "گلشن" (۱)
"جهان چون خط وخال وچشم وایروسست"
"که هر چیزی بحای خویش نیکوست"
محبت پیکی دیرشوخ شبیتسدر
هر انسانی رشیدایستر، شاد ایستسدر
قولاق، گؤز دور شعوره عقله ابزار
کمال آرتار گئنیشلنسده باخیشلار

۱ - گلشن زار، شیخ محمود شبستری نین اولمز اثری "فراجا گلیمیش
مصراعلار بیئددینجی عصرین بؤیوک عارفی".

كۆزەل كۆركم كۆرۈرلر باغشى كۆزلىر
 كۆزەل بۆل كۆرسەدرلر باغشى سۆزلىر
 "بىرچەردى (۲) ئاشىتدېم، بىر كۆزەل قوش
 كۆرۈپ شەدى شېستردن اشىدىپ نىشوش
 قوشون نىقىشېن كۆرۈپ نىقاشدان آيات
 اشىدىپ گۈلشېنلى شېدا تىك مىنا جىات
 "چو قاف قىدرتش دم بىر قىلىم زد"
 "ھزاران نىقىش بىرلۈج مىدم زد"
 بوسن بىر سۆز دومىن دىلدىن دىساردان
 كى بىر دىل، بىرگۈنۈلدۈ اھل عرفىلان
 بوشەرستاندا اولدىن مكىر
 اكرلر معرفت، حكمت بىچىرلر
 بۇيوك باغبا نلار انسا نلىق باغىندا
 جوانلار فن ودانىش دىبارىندا
 قىناقتىن غىزىز، آزاد باشارلار
 سىرافىزدا غلار بىلە بۇيلاشالار
 "مىشۇ" سېرە بىقارە نائل اولمىش
 دىنىز باغىمىش بېزە دىپادىل اولمىش
 نە حكمتلر بارانمىش داغ، دىنىزدە
 اولاردان دىپا - دىپا باردى بىزدە
 كمال آتارى، فرەنگ آستىنانى
 بۇ فرەنگستانىن وار باستىنانى
 شىجاعت، شوكت آرتىرمىش بۇ بۇردا
 قۇبۇن وشرمز بۇ بۇرد اولادى قىبۇردا
 سخاوت، بۆلدى فطرتىدىن فرام
 خجالتىدىن كىزىمىز بۇردا خاتىم
 مىمىت مىقا غىت "گۈنشى" دە
 ھىيا، ايمان، وفا، غىزت "گۈنشى" دە
 ھىرگىلىمىش كۆزەللىنىمىش "گۈنشى" دە
 ادب كىزىمىش دىبا وركىنىمىش "گۈنشى" دە

دۇزوم ، تقوا ، شعور ، آفاق ، اۇياقلىق
 مېخت ، دۇغرو ، دۇزگونلوك ، قسۇجالىق
 تك اۇلماز ، عشق ، ياغىرت گۇنولسده
 كى بىر سلطانىدى ، بىر سوت گۇنولسده
 دوشونچىلر ، دارار زولقىن بىودۇدە
 پاك ، آيدىن آينالاروار اۇزبىسده اۇدە
 گۇزەللنمكدەدى صبح ، آخسام افكار
 جمال وار ، گۇزگۇ وار ، تىلوار ، داراقوار
 كنىشلىكىدى ، جهان بوىدا تصور
 اۇجالمىش آسمان بىوىدا تفكر
 "زرتىب تصورھاي معلوم"
 "شود تصدىق نامفهوم مفهوما
 بۇبىر گۇلدو ، بۇ كۇشن بىرجهاندى
 بۇ بىر گۇندو ، "گونشى" بىر كەكشاندى
 بۇ بىردە چشمه وار ، كەرىزدە ، چايدا
 بۇ گۇيدن گون جىخار ، اۇلدوز دا ، آبيدا
 قدىمدن وار "گونشى" دە وارلى فرهنگ
 اۇلوب داتش بصيرتلسده هماهنگ
 "گونشى" بىرلفظدى معنى ايشىقلىق
 سۇز آيدىندىر "گونشى" يعنى ايشىقلىق
 ايشىقدان آختاراق آب حىياتى
 ايشىقلىق كامل ايشىقلىق كاشاندى
 ايشىقدان گۇلدەنىبىدى "گولشن راز"
 قارانلىق بىردە اوت بىتمز ، گول آجمساز
 آراشماقدى ، گۇروشدە ، سۇزدە منظور
 بۇل آچماقدى من الظلمات الى النور
 خدايا گر اويوقدى يا آبيقدى
 ايشىق جۇخ سال كىسى "عاليفر" يازىقدى

چيخدى گۆيه افغانيسيم

گل کی ، بيخدين اشویمی ، چيخدی گۆيه افغانيسيم
آلبه هيجرين غمی سنسيز نئحه گۆر هريانيسيم

سني گۆرمکدن اول عشق نهدير بيلمه زايديم
منه اؤيره تدین اونو ، سن آلا گۆز حثيرانيسيم

او لذتلی باخيشين لطفوله تکرار ائتديسن ،
ابلك آلبه گۆنلومو ، صونرا ، ديتيله ، ايمانيسيم ،

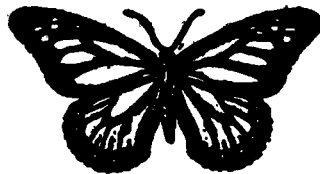
فارغ ائتدين ايکی دونيا دن ، ائديب بنده عشق
صوروب حاليم ، دشميسن بيرانئجه دير صنفا تيفيم

رسمدير عشقیده خوش اونسيله ، خوش اولفت اولار
بیرقوناق ائت منی یا اهنکی گل اول مهمانيسيم

قوزو قوربان نه دی ، ذبح ائتمک اوچون قارشيندا
دولانيم با شوا ، قوربان سنه يوز يول جانيسيم

اؤلانيب ، شيلتاق ائدير ، خون يا زالانميش گۆنلوم
صيدينه رحمانله بيروصليله قیل درمانيسيم

وار اوميديم ، ساوالان ، هيجر غمنن چکمگيله ،
او بارين و صلينه بير گون اولاجاق ايمکانيسيم .



"دانيش"



اي کمان ابرو ننگا ريم شاهه دن تنلدىن دانيش
زلفوى افشان ائديب با دصبا يئلسدن دانيش

قاشلارون محرابى گرچه سجده گاهيمدير منيم
آت منيم افسانه مى دؤندر سؤزى ئيلدىن دانيش

اصلنى سال خاطره قويما چيغا يا ددان كسرم
بيرا وچا بويلى سارا ددان كورپيدن سئلدىن دانيش

سؤيله ها هر زهره دن سال ياده عذرا وامقلى
گل كيمي قرمز ياناقدان اينجه بېرىلدىن دانيش

بيستوندا ن تيشه دن شيرين دانيش فرها دا بچون
ليلدىن مجنوندىن ديوانه دن چولدىن دانيش

صحبتي چك گلشنه ، گلزاره ، گلشنلدىن باغا
سؤيله بلبل دن دى سئلدىن قا بيت گولدىن دانيش

شرح وئرا شقرون بېر - بېرگؤزه ل افسانه سين
شمعدن پروانه دن رندانه محفلدىن دانيش

يوسفى بازاره چك يعقوبون احوالين سسوروش
دؤن زليخان عزيز مصر دن نيلسدىن دانيش



" باييز "

كدرليدير يئردە ۶ گويده، دنيزده
با خيشلاردا ن حسرت يا غيرغم يا غير
آسمانين نيسگيلينده ن بولودلار
آمان چكيب يئله قارشى آغلايير

۷ سارا اليدير گوي چمنلر، چايرلار
بوزولوبدير طبيعتين زينتسى
عصيان ائديب دالغالاردا، دريادا
قوانده ممير دلبريله خلوتسى

۸ يئل قاناي خيشيلدا ديركولسارلار
قارانقوشلار چولده قاليب آوارا
تورا غايي، لاجين قاچير بيريانا
بيرتلاشيدير بيرپنزلار ييوا دا

۹ اونودولوب ديلده. گزه ن ماهنيلار
بنوشه نين تئللرينى يولور يئل
درهلردن هجوم چكيب كوشنسه
خرمنلرى قاچيرديرى دهلى سئل

سوسوزوندا ن قورويدير پوهره ليك
لاله لرين سولويدير آل يانا غى
يا يلاقلاردا ن ائلر كوچور قشلاقا
توستوليور كروا نلار ين اوچا غى

۱ اسير يئللرحزين سله دره دن
آغا چلار ين باريا قتلار ين اله يير
شالاقلا بيراي ليدير ملار يئرگويى
آما دا غلار سوسوزوندا ن مله يير

۲ چشمه لرين پيجيلتيسى كسي ليب
آغ دۇرنالار قاطار چكيب گيئديلر
سونسوز ا فوقلرده قانلى شفقه ده
كوز ائوينده ن قيزيل قوشلار ايتيلر

گونش ساچين يولور توكور چايلارا
مشه ليكده دهلى يئللر اسيرى
بير طرفده بوزو شوبدى چولقوشى
اودا اولوب روزيگارين اسيرى

۴ مين بير رنگلى خزل چايا اله نيپ
قيزيلاديير آخيب گئده ن سولارى
نسيم الى توما رلاركن دا غلارى
توز با سيري داشلى ايشگه يوللارى

۵ يوروش ائديب قارا طوفان موغانا
ساراني سئل قوجا قيندا آپارير
حلقله نير سۇدا دريا گليني سى
نالە، شيون، يئئدى گويه اوچالير

۱۲

گئجه لرین مرموز قارا چاغیندا
لوت آغا جلارش بلرتک ترپه نیر
شهر غربت آخشام تک غم لیدیر
الوان سویا رنگی آتمیش آئی نیر

۱۳

اونودوبدی سه بیرمگی اولدوزلار
وای سنقیر سحیرلنمیش گومیش آئی
کوچن قوشلار، آل خزه لیلر، یئلیکده
قوپار بیبلر، تارالاردا های هارای

۱۴

قبرستانا بنزیر منشه جول با نیر
زانباقلارین بوزا ربیدی بنیسیزی
تکجه او ییلن چاغی گوزه لله نیسری
ماوی باغیش اورومیه دنیسیسیزی

۱۵

سورونه سورونه آخیر ترسینه
زبروه لره دوغرو چای ایمه کله میر
اولدوزلار تورپاقدان ایندی بویلانیر
پا بیزی طبیعت اوزی بکله میر

۱۶

ایپک تئللی بولودلاردی دولاشیب
احتشاملی سا والانین بوینونسا
قارا طوفان قورخوسیندا ن سیخیشیب
بیر جوت طرلان قایا لارین قوینونسا

۱۷

اولدوزلارین مینجیق قیلا بزه نسن
دهرین گو ییلر دو مان کورکون بوزونور
قویلانارکن توزا ایتکین آرزیلار
آئی بولودون دالدا سینا سورونور

۱۸

آیریبیدی بیر جیرانی طبیعت
بالاسیندان کبیریکلری ایملانیب
سئودا، دوغوغو گوزلرینده ن آخیشیر
لاکین اونون امیدلری تالانیب

۱۹

جیلقین یئلر قاندا ل قیرمیشر
وادیلرده ن قیوریلاراق یوکسلیر
قورخوسیندا ن زاغ زاغ آسن افوقلر
سئیره لرین قانا دینا اله نیسیر

۲۰

الاجیق لار ویران قالیب با غلاردا
گوزه لرین بولغلاری قورویوب
پا بییز یا مان طولوما تدیر مشرقده
شمال یئللی اسمیر هامی کیری یوب

۲۱

پا بییز نقدر حوکوم سورسه یئنه ده
بیرگون یازین نفسیله اوله جک
شیمشک، فا خیب، بولود آغلار، قدا ن
باش قالدی رار، ریحان نرکیس گول
چیچک

۲۲

قارا گئجه نقده رده اوزانسا
افوقلرده ن قیزیل گونش دوغا جاق
پارلاق سحرده ن غدرده ن یوکسوروب
قارانلیقی قینا قیندا بوغا جاق!

۲۳

کالا لاردا تیتره شده تیکانلار
یا شیل یازین اوردوسینین گلمه گین
دوزا غلاردا قیوریل سادا بورولغان
"گتیره جک نوروز گولی ارمغان"

"ولما ز"

کولوم گل دایما گولزار گولمز نوبهار اولماز
قرار الدن ویره ن عاشقده تاب انتظار اولماز
اؤرهک دردین نه لازم فاش اددیم بیگانه لر بیلین
که نامحرم گلیب محرم اولوب اغیار یار اولماز
جانیم جانانین گشتیدیکده دن اختیار آلدی
مسلم دیر که جان گتسه بدن ده اختیار اولماز
شرافتیز نه آنلیر عار یا ناموس معنا سین
شرافت اولمویان اشخاصده: ناموس و عار اولماز
اشید تاریخ اسکندر دین احوالات دارا نقتی
ستم دنیا ده جاوید و ستمگر پایدار اولماز
شرافتمند انسانین گرکدیر ذاتی پاک اولسون
طلا رنگین دوتان موندوق گلیب صاحب عیار اولماز
سعادت ایسته سن ای دل چالیش آزاده لیک اؤیره ن
بلی آزاده انسانلار اسیر روزگزار اولماز
محبت عالمینده باشا وتوزماق اول آددیم دیر
جانیندان گنجه یین عاشق قرین افتخار اولماز
یاخین گل قوی اییمنیدن، تنگ اولان سینهم فرح لنین
آراسن آچما سان ای گل منه قبری مده دار اولماز
آجاریز میتقالی ای ساده دل "دیبا" به بنزتمسه
دوه با موقلوق ایچره بنا تما غیلان استتار اولماز
کولوم گول قوی منیم غمدن سولان کونلوم چچک لنتین
گوروم تاکیم دشیر بیر غنچه آچما قلان باهار اولماز
گندر قاره بولودلار چوخ داریخما گون چیخار بیرگون
همیشه دا غلارین اوستون دوتان چیسگینله قار اولماز
قزادان یوز و شره ن آلامه شا کرکن "رضا" ویردیسم
مشیت دن یقین "انزاب" مکان فرار اولماز.
آجاریز = کهنه ویولوموش پارچا یا پالتار

✽ " زامان کورا وغلولاری "

گزکلی دیر بیزه : بیرلیکدن اوترو من لری قووماق
بو آیریلیق توره دن " کینلی " اهرمن لری قووماق

صغالی اشتهگه منلیک یاغین، لزومی وار: اونه:
منملیک آدلانان آچاق صفت زغن لری قووماق

گونش - گونش "دشیه بیز چاتما ریق ایشیقلیغ اثلر:
مگرکی گؤیله اوزوندن، کدرلی چن لری قووماق

یا ما چلار اوزره، آل - الوان چپک بجرتمگه خاطر
چتین بیز ایشیه ده - لازم گلیر: گوهن لری قووماق

زامان کورا وغلولارین آختاریب، ایگیدلری سچمک ،
چوروک سوموک لر اوچون افتخار ائدهن لری قووماق

جهاندا هر نه کی آزاده وار، وطندا شیمیزدیر.....
روا دگیل بو وطنداش اولان آرن لری قووماق

ما باح دونوندا ، بوگون سوزلرین یا زانه گرهک دیر:
هنر قوشون گئرییه قایتاران، دونن لری قووماق

فریضه دیر بیزه "صحت" منیم لیگ. حماریندا ،
سرای ائدهن لری ، شهرت بولون : گئدهن لری قووماق.



اُولۇ تاشرى نىن آدبىيلا
خلخال - اردشير نصيرى جنا بلارى : سلاملاريمى قبول اشدىن.

حرمىلى قارداش مکتوبونوزو وارلىق درگىسى - نومره ۴- ۷۹
صفحه ۹۸ ده اوخودوم. درديم تزه لندی. اوره گيم ياراسينا مرهم
بشرينه كوز قويولدو، بونا كوره كى سيزين باشيزا گلن بلا منيمده
باشيما گلميشدى. اما نه دوكتور جواد هئيت جنا بلارى نين بويوردوغو
كىمى مركزدن اوذاقدا، بلكه ائله مركزين يانيندا. تهران - كرج
آراسيندا يترلهشن قلعه حسن خاندا بئر گون سجيل آلماغا گئتديم
گوردوم اداره چوخ قارشيق دير بئله كى ثبت ما موزى بئر كيشي-له
سا و اشراق دئيبير باشار ماشار نىمانم درست اسم انتخاب كسن.
كيشى دئيبير ائله اولسا اوختاي ياز. بئنه ما مور دئيبير باباجان
اسمى را بگذار آرش- بوزو..... كيشى دئيبير من او شا غيمين آدينى
داش قويماق ايستيرم، سته نه وار؟

ما مور ايرىلى گليب منه دئدى " آقا شما به اين حالى كسن"
من دئديم "چرا نىنويسى؟" يا و اشجا دئدى "خرج داره" سجل آلماغا
گلن كيشى بونو ائشيديب آتا و رحمت بونو اولده دئى، سوييله بيب
سونرا اوژ سجلي سى نين آراسينا هر نه قويمالى ايدى قويوب ما مورون
قا با غينا بئر يده رك ما مور دئدى: " به ما چه بگذار يا شار اما بعداً
عوض نىمى كنيم ها."

من بئله گوروب اورادا سجل آلماقدان كوز اورتوب صاحب
تهراندا ايكي نجي منطقه ده هاى كوى سوزجه سينه آيدىن آدينى سجل
آلديم ايتدى آيدىن نين بئش يا شووار اولوتانرى دان ديلگيم بودور
گله جكه اسلام حكومتى نين ها مىنى بئر گوزده گورمگيله ايراندا
باشان باشقا قوملار كيمي بيزده آتا ديليميزده او شا قلازيمى
آد قويما قىلا گئچميش رژيمين تور شوگورون تولىرى نين آغزىندا ن و وراق.
ساغ اولاسيز.

حرمىله قلعه حسن خان . بنيت الله اهرابى.

د اوريزينا لئيق مسئلهسى

ھربير ديلده يازيلميش اثرلىرى اوريزينا لئيق مسئلهسى باخيمىندان ايكي قيسما بۆلمك اولار. الف: اوريزينا لئيق اثرلىرى ب: ترجمه اثرلىرى، بعضى عالملىرىن دئديگينه گۆره ھرگۆلتورون گۆزگۆسو آنا ديليدير. دئمگ اولاركى آنا ديلينين ده گۆزگۆسوا وريزينا لئيق يازيلميش يا يازيلماق ادبى، تحقىقى و علمى اثرلىرا ولايلير. اوريزينا لئيق ياراتما مسئلهسى ھربير ديلده بيرينجى درجده اهميته مالكدير. بيري اوريزينا لئيق يازدئقدا، بيري شاعر با يازيچى يازدئغى ديلده دوشونەرەگ يازيب يارادير و او اثرى باشقا ديلده چئويرنده يۆزده يۆز معنا قارشىلىقلىغى وئرلميسر. اوريزينا لئيق اثرين محتواسى چئورى (ترجمه) ائرده بيري بورج و وام كيمي ماييلير. بۇنونچون اوريزينا لئيق اثرلر آراجى (واسطهسى) ايله دونيا بيري ديلين زنگينلىگينه و دانيشا نلار يئنين كولتور و دوشونچەلرينه ال تاپيب اولار ين جاققئندا قضا و تائديرلر. قيصاى آنا ديلين آينا سى اولان اثرلر يالنىز اوريزينا لئيق اثرلر اولابيلمه سيني تجربىسه گۆسترميشدير.

ھرديلين اثرلىرى، اوديلين مالى و وارلىغى يئنين بيري پارچا سى مانيلير. بعضى ادبى شاه اثرلر دونيا سويه سينده تائينميش و چوخلو ديري ديللر چئوريلميشلر. آنچاق بۇ شاه اثرلر ايلك كز يازيلميش اولدوغو ديلده دانيشا نلار ين اثرلىرى مانا گلر. مثال اولراق، شكسپيرين اثرلىرى ژاپونجا يادا چئوريلميش آنچاق ھئج كيم بوا اثرلىرى نەقئدەر ياخچى چئوريلميسر، ژاپونجا نين شاه اثرلىرى مانماز. وائله جھدە شكسپيرين اثرلرينى چئويرەن شكسپيرمقا مينا چاتماز، و يالينىز شكسپير اثرلرينين چئويرەنى مقابئندا قالار. بۇنونلا ايلگيلى اولراق اوخوجو حيدر بابانين اوريزينا لئيق متن ايله چئويرى اثرلرينى قارشىلاشديرا بيلير.

آنا ديليميزده اثرلر يازدئقدا، اوريزينا لئيق مسئلهسى،

بویوک دقت بیئتیرملی واؤنملندیرمه لیبیک، بودیل ۶۰ ایللیک کشریلمه
 دؤری کئچیرمیش بونونچون آنا دیلیمیزده یا زیب یا رادان شاعر و
 یا زارلاریمیز اوریزینال اشرلر یا زیب یا راتمالیدیلارمنجسه بوآز
 امکاناتی و دیلیمیزین گئچمیشده کی محرومیتینی نظرده آلدیقدا
 چئویری اشرلر یا لنینز یا زیلاجاق اشرلرین یوزده بششینی تشکیمل
 اشدیرسه بیشتر. دشک یا زارلاریمیز آنا دیلیمیزده گئچمیشده کی
 محرومیتی اؤده مک اوچون بیرآن دورمادان گوجلرینی با شقا دیللمده
 قویمادان اوریزینال، دوغما و قالیجی اشرلر یا زمالیدیرلار. بوگون
 دیلیمیزده بشری بوش اولان اشرلر یا زمالیبیق، بومقدس ایشلره قول
 قویا نلارا اؤره کدن با شاریلار و جان سا غلیغی دیلمه مکله بوقیما مقاله می
 صونا چا تدیریرام .

ورای رویدادها

مجلس نخب جوان قرارداد گلستان و ترکمانچای را محکوم کرد

«صالح علی اف»، خاورشناس آذربایجانی، در مسکو اظهار داشت
 که مجلس نخب جوان در روزهای اخیر قرارداد گلستان را که به جدایی
 منطقه شمال رود ارس از ایران منجر شد، محکوم کرده است.
 «بی بی سی» در برنامه خبری بخش فارسی سه شنبه، در گفتاری
 تحت عنوان «همسایگان جدید ایران»، گفت: روند حوادث از هم اکنون
 منطقه خودمختار نخب جوان را که در داخل جمهوری ارمنستان و در
 همسایگی ایران قرار دارد، به ایران نزدیک کرده است.
 این رادپروافزود که منطقه نخب جوان، موانع مرزی خود را با ایران از
 میان برداشته است و رهبران این منطقه در شرایطی که جریان برق و
 گاز به این جمهوری قطع شده بود، از ایران کمک خواستند. صالح
 علی اف گفت که مجلس نخب جوان در روزهای اخیر قرارداد گلستان و
 ترکمانچای را که به جدایی منطقه شمال رود ارس از ایران منجر شد،
 محکوم کرده است.
 بی بی سی در ادامه گفت: این که محکوم کردن این قرارداد با چه
 انگیزه ای صورت گرفته است هنوز معلوم نیست.
 * تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی

❁ يوخودا گورمه ديگيمي، گوزوم ايله گوردوم

ايللردن برى قليبى يا خيب ، يانديران هجران اودو، وصالين شيرين سويو ايله سوندو. اوزون ايللر بيزيم آذربايجان خالقسى بير - بيرينين گوروشونه حسرت قالدی - آيرليق اودو هاميني ياند- يردی، ياخدی، خالقيمیز اوز دوغما تورپاغين، قوهوم قارداشين گورمهگه امكان تاپمادی، بوتاييدا خائن پهلوی رژيمي بيزيم خالقى- ميزين ديليني، عادت و عنعنه لريني تحقير ائتدی، اوتايدا ايسه- كومونيست حاکميتی آذربايجان خلقينه حقارت گوزوايله ياخيبدير. بۇ ادعانی اوتايا گشدنلر و اوتاي ادبياتيله مارقانلار ياخشى باشا دوشورلر. آنجاق بيزيم مقصديميز بومقالهده سياستدن باشقا بير موضوع دور.

اوتايي، باکيني گورمک چوخلارينين آريسي اولان کيمي منيم ايللردن برى ان شيرين آرزومدی شوکورلر اولسونکي بيخلاماز تصور اولونان ديوارلار بيخلدی، کئچيلمز کورپولردن کئچيلدی من ده بوايل تير آييندا، آرازين اوستوندهکي کورپودن کئچديم، سئوينجيمدن آز قاليرديم اوزومو ايتيريم، اينانا بيلميرديم من شمالی آذربايجان توپراغينا قدم قويوشام حقيقتاً مي من نخجواندا، گنجهده، باکي دايام؟ يوخودا گورمه ديگيمي، گوزومله گوردوم، آذربايجان شهرى نيسان گوزهل و ان شهرتلىسى اولان گنجه شهرينده دولانيرديم - يولوم يازى- چيلار وشاعيرلر اتفاقينا دوشدو- اورادا منى جوخ محبتله قارشيلاد- ديلار، اونلارين منه ائتديکلرى حورمتى دشملکه باشا گلمز اينانين کي ائله بيل اوز دوغما قارداشلارين تاپميشديلار. يازيچيلار اتفاقينا کئچيرديگم آنلار هئچ زامان ياديمدان چيخما ياجا قدير. اتفاقدا نئچه شاعيرلر ايله تانيش اولدوم، (اوجملهدن شاعيره باجى لريم " عالمزر عليزاده " و " خزان گل " و...) آنجاق بيرينين باره سينده دانيش-

ماق ایسته بیرم. اتفاقین صدری "ممد عالیم" آدلی بیر شخصی دی. اونون سئویملی سیماسی، صمیمی صحبت لری منی اوزونته مفتون اشدی ماومنی سونوز محبتله قارشیلادی - منه اوز شعرلریندن اوخودو- اونلاریلا بوتای آذربایجان شاعیر و یازیچیلارین علاقه قورماغین تکلف اشدی. بوتای آذربایجان شاعیرلریندن دونه دونه سوز آچدی - دکتر جواد هشت له تانیش اولدوغون بیلدیردی - منه اوز شعرلریندن وکتا بلارینسدان هدیه اشدی من ایسه بو اوره ک سوزلریمی یازماقلا اوتایلی شاعیر قارداش و باجیلاریمدان اوز منتداریلیغیمی بیلدیریرم و "ممد عالم" قارداشیمدان دونه - دونه تشکر ائده رک اونون تبریز حسرتی ایله یوغورولموش بیر شعریله سوزومه سون قویورام .



آغلاماغین آت داشینی تبریزیم!
 گوزلریندن نیل یاشینی تبریزیم!
 قانا دیندا زالیگ سالدی آیریلیق
 بیر عوموردور و آرشینی تبریزیم!
 دیلمیزی دیلمله دی یاد ائلر
 یارالادی یادداشینى تبریزیم!
 دالغاسیندا ایلدیرم لار اوینادی
 عاجز بیلمه یورده اشینی تبریزیم!
 شکرینی دونده ره ریک آغیسا
 و شرمه ریک بیر قارشینی تبریزیم!
 گلشنینی، گلزارینی گورسه دیدیم
 قوجا قلاردیم باشداشینى تبریزیم!
 هر دن سیم ضعیف گلسه اینجیمه
 اونوتماز قان قارداشینى تبریزیم!
 "ممد عالیم" ۱۹۸۹ ایل گنجسه .

تانی بیزی قارغا ما ییب آغلیاق
 گوز یاشینی سونرالارا ساغلیاق
 اوستوموزده قانا دجالدی آیریلیق
 طالعلردن کئچن یولدی آیریلیق
 یوردوموزدا یوولاندى یاد ائلر
 هم بوتایدا، هم اوتایدا یاد ائلر
 باکی درین بیردریا تک قاینادی
 اوچولاردا برکییدی قانسادی
 دوشمان بیزی و شره بیلمز یوغویا
 قارا گوزلو قارباغین یاغیسا
 باغلارینین نوبارینی گورسه دیدیم
 ستارخانین مزارینی گورسه دیدیم
 عذرخواهلیق ائیله بیرم اونجه من
 قدیم گنجه بویون ایمز هئج کیمه



كھلہ نین دیلیندەن
اوستا دشا عیرا و غلوم بیگدلی یه

عليك سالام سۆزۈ دا دلی بیگدلی
عزیز اوغلوم آدلی - سانلی بیگدلی
باشی داغ تگ چن - دوما نلی بیگدلی
جیلا وئردین سن پالانمیش اوره گه
حلال اولسون - یئدیگین دوز - چوره گه

۲

"نه اولدو ای اوغول سن بیردهن بیره !"
سالدین اوتوب کئچن لری خاطره
سن اوغشا دین کلاتدا کی نادره
"کھله کندهن ینه کعبه بیلیب سن
اوزاقلاردا ن گلیب سالام وئریب سن

۳

لوظفون آرتیق اولسون علیک السلام
سنیز اوغول هم غملیم هم خوارام
سن گلمه سن غم یوکونو دا شارام
"سنین الین قولون گوروم وارا اولسون"
"هاردا اولسان الله سنه یار اولسون"

۴

اشتدین منی ایکینجی "حیدر با"
شهریا رتک اوزتوتدون بودیا را
گلدین یوردا اوتوزدورد ایلدهن سورا
"فرها دکیمی فراق داغین" دلپیس
شوکر اولسون کی دؤنوب کنده گلبیس

۵

نه قدهر دادلی ایمیش سنین بو دیلین

سۆز، صحبتین ایبتی قلیج تک کسگین
شعر عالمیتده وار بویوک قدرتین
سن نه گۆزهل بدیعدر یا زمیسان
اۆرهک لردهن دردی - غمی قازمیسان

۶

آی اوغول ! سن قویوب گئده نندن سورا
چوخ بلالر چکدیم، چوخ دۆشوم دارا
آزقالدی ناشیمی چکسین لر ذارا (۱)
سنل لریاسیب بولاغیمی دۆلدۆردو
خزان اسیب چیچکیمی سۆلدۆردو

۷

کیمی کی بسلهدیم من بو دۆشاؤسته
بوراغدی او منی قارلی قیش اوسته
بۆرۆلمویاسان ! دشمهدی ایش اوسته
سن ده کی گئتمیشدین مندهن اوزاقا
بیر آیاق با سمیردین بیزیم قوناغا

۸

"تهران گۆزه للیری یۆتون" اگمیشدی
آنجا ق اثلین - اوبان بورا کوچموشدی
گئدر - گلمز بولا بوردان گئچمیشدی
سن ده منیم سینم اوسته اولوب سان
ایندی گئدیپ منی یالقیز قویوب سان

۹

هئج دشمیرسن کهله نی ده قالدیریم
گئدیم کنده، اوردان منزل سالدیریم
کنده شادلیق ها واسینی جالدیریم
"خر چاتار یاسان گون انتهایه"
"نه لازیمدیر آنلییانا کینسایه"

۱۰

سن بیلمیرسن منده نه لر وارایدی،
جواهرلر، خزینه لیر وارایدی

آجى - شيرپىن خاڧىرەلەر وارايدى
ايندى آرتىق مىن قالمىشام بۇردا تىك
مىندەن اۇزاق سىندە يالقىز، اۇردا تىك

۱۱

آرزوم بۇدور مىن گلىشىدىم تىھرا نا
يا گۇرئىدىم مىن گلمىمىن بۇيا نىسا
سنى گۇرچىك يا تىمىش يا ختىم اۇيانا
دشپىم سىنە نەلەر گلىمىش با شىمىسا
با خما يىپىلار آخان بۇ گۇز يا شىمىسا

۱۲

سالام سۇپىلەر بۇتون كىلەمىز سىنە
قۇجا - جاوان، جۇتجو، فەلەمىز سىنە
بۇردوموز، بۇوا مىز، مىلەمىز سىنە
دى گۇرەك داھا دشمەلى نەيىمىن وار
كىلە اۆجون سۇپىلەمەلى نەيىمىن وار

۱۳

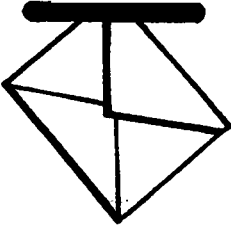
شاغىر اۇغلوم ! بۇلاغلارمى سۇيۇنو
ايچىشىدىم مىن اۇيىنا دايدىم قۇمۇنو
تۇتىدورايدىم اشل - اۇبانىن تۇيۇنو
يا شاسىنلار اشلين - بۇردون شۇەنلەر
اشل - اۇبا بىچون جان اسىرگەمەين لەر

۱۴

يىداللىھخان خانلار خانى گىشىدىدىر
فتحاللىھخان كۇچوب گۇزدەن ايتىپىدىر
خان - بىكەلرىن دۇورۇ سۇنا بىشتىپىدىر
"اۇنلار گىشىدىپ گىشەر گىلمىز بۇلسىلارا"
"بىرداھا اليمىز چاتماز اۇنلارا"

۱۵

گىشەن گىشىدى، قالان بۇردا چۇرودو
باشىل چىمىن سۇسوزلۇقدان قۇرودو



بیزه گلن مکتوبلار :

عزیز قاردا شیمیز یا شارحیدر با اوغلو، خیدر با کندیندن بیر مکتوب و شعر گونده ریبلر شعرلری چاپ اولاجاق مکتوبلاریندا دا بیزه قارشی محبتلریندن تشکر ائدیریک . بیئنه مکتوب و شعرلرین گوزلسه - بیریک .

تبریزدن آقا زاهد تبریزی تخلص ائدهن حسن خدا یاری قاردا شیمیز لطف ائدیپ بیزه مکتوب و شعر گونده ریبلر شعرلرینین نئچه بندینسی بیرلیکده اوخویاق :

● آره کله عشقینده اسن	بالدان شیرین شیرین وطن
تاریخده پایدار اولار	اولکه سین ، طوپراغین سئوهن
همیشه افتخار لیدیر	اثل سه سینه ، س و شره سن
نشئه لیدیر طوپراغینی	آنا یوردون اییلیه سن
زاهد تبریزی ، گیمین	سن سه وئر بوا اولکهدن .

عزیز قاردا شیمیز (البرز) ده بولبول ماجراسی شعرینی گوند ریبلر وئردیک باخیلسین تا چاپ اولسون .

دوستوموز قاسم آقا تورکان دا تبریزدن گنج رسام حمید دوستیانین تبریزده قورولموش ۱۲ گونلوک سرگیسینین خبرینی بیزه یازمیشدیلار . دوستوموز قاسم تورکاندا تشکرا ئدیپ موفقیتلرین آرزو لایبیریک .

بیئنه حورمتلی قاردا شیمیز علامحسن خدا یارینین ۷۰/۹/۵ ده تبریز دن یازدیقلاری محبتلی مکتوب و شعرلریندن دیلیمیز حا قدا یازدیقلاری شعرین ایکی بیتینی بیرلیکده اوخویاق :

● من تورک دیلی بيم اثل منی یا غشی دا نیشا نمیر
من اصل دیلم ، صاحبم اصلسی تانیا نمیر

● جۇغلى دئىلىر اۆزگە حروفلار سۆز ايجىندە ،
سۆزلىر قارىشىر ، سۆز - سۆزە بىرلحظه اۇيانمىر

مشهددن عزيز اؤخوجولار بىمىزدان دوستوموز ابوالفضل آقاداشمىند
اؤز محبتلى مکتوبلارىندا بىز اؤجون ادىيات ايشىمىردە موقتىسىلر
آرزولايىرلار لطف ائىدىب بىرىنچە طنز شعرلردە گۆندەرسالر بسوردا
قارداشىمىزىن شعرىندىن بىر بيتى بىرلىكدە اؤخوياق :
● سئوگولوم ، سۆيلە گۆرۆم سىندە محبت اولار - اولماز
سئوگى سىن طۇوليان عاشىقدە صداقت اولار - اولماز

عزيز قارداشىمىز جواد آقا پورمحمد "دنىز" اؤز محبتلى مکتوبلار -
بىندا بىزە بىر نىچە شعرده گۆندىر بىر انشاللىه وقتى گلدىكجه
چاب اولماق .
قارداشىمىز "دەنىزىن ياغىش ياغاندا باشلىقلى شعرىندىن ايكى
بىندىنى بىرلىكدە اؤخوياق :

● چىچك لىنىر دۆزلىر ، گۆللەنىر باغلار
پاقتىلدا بىر سۇلار جوشۇر بۇلاغلار
الوان بزه گىلە بزه نىسىر داغلار
داغىلىر غم ، كدر ياغىش ياغاندا
قوشلار قاندا چالىر ، ياغدا ، چىمىندە
بۆلبول ماھنى اؤخۇر ياغىش دۆشندە
اۆزگە بىر حالتدى دۆشوبدى كىندە
داغىلىر غم ، كدەر ياغىش ياغاندا

بىئە بىزە مکتوب وشعر گۆندەرمە گىنىزى گۆزلە بىرىك .

دوكتورى كىمىراپى (جاللاج اۇغلو) بىوشىمىر "وارلىق" دا چالیشان
جرمتلى قلمداشلارا اتحاف
اۆلۈنمۈش دور .

○ " وارلىق "

نشأت آلىر انسا نلىغىمىز وارلىغىمىزدا ن
تارىخ يارانىر دۇنيادا . عىيارلىغىمىزدا ن
قوى شانلى "عاشىق اوردۇسو" نونشا ھدى^(۱) اۆلسۈن
سۇرسا^(۲) ھنرە ، كىمىسە ، ھوسكارلىغىمىزدا ن
"جاندا ن كىچىلرمى؟" سۇرۇشان ، قۇى جواب آلسىن
"سردا رلىغىمىزدا ن^(۳) داھا ، "سالار" لىغىمىزدا^(۴)
ايستىرسە گۇرە ذىروھنى ائوتىكمەدە كىمىسە
"اركىن اوزۇ قۇى بۇى دىشە معمارلىغىمىزدا ن
علمىن ، ھنرىن رىشەسىن آختارسالار ائلدە
"رشىد^(۵) دىئىرسۇز داھا ھشيارلىغىمىزدا ن
قۇى "واقف" اؤلا "شەرىار" اؤلدوقدا "خطا شى"^(۶)
يالىنزا اؤيۈنور ائل بىزىم ائلدا رلىغىمىزدا ن^(۷)
قۇى "باغچەبان" نىن باغچا سىنىن ، عطرىنى آلسىن
ايلىر . صۇرا ھركىس كىچە گلزارلىغىمىزدا ن
يازما قداى ، جاللاج ؛ بۇقىزىل صفحەلى تارىخ
"حق" م سۇزۇنو باشا اؤجا سردا رلىغىمىزدا ن .

۱- شادى : مشاھدە ائدەن ، گۇرەن ، ناظر ، تاماشاچى . ۲- سۇرماق : سۇال
ائتمك ، سۇروشماق ، خىبرالماق . ۳ و ۴ - سردارملى : ستارخان ، سالارملى
(باقرخان ، سردارلىق وسا لارلىق ، باشچىلىق) (باشچىلىق مركزى) دىمك -
دىر . ۵- رشىدە (رشىدە ياربە رشىدى) : تىبرىز دانىشگاھىنىن ان اۆلو
باباسى اۆلان "رشىدە" ياربە رشىدى ، يىئىدىنچى وسكىگىزىنچى قرىن بىشش
مهم علمى حوزەلرىندىن بىرى ايدى ، كى بۇ بىشش علمى حوزە يادانىشگاھ ،
ھشتا دايلى عرضىندە (۶۵۶ - ۷۳۶ ھ . ق) بۇدىرادا تاسىس اۆلۈنمۈش دىرلا .

قالانى ۶۲ - نىچى صۇرە

○ "شان وطن"

بايلىم لاردا تاستا - تاستا بايا (۲) گزەن خان چوبسان
قويۇن لارين آغ قىيمزىن ابرماق (۳) سۆزەن خان چوبان
پوستوليا تان چشويگ (۴) قوردون باغرىن اۆزەن خان چوبان
گل سارانى آرپا چاشى قاپدى گل
مغان بەنگى ظلم آتيني چا پدى گل

قاچاق گزەن اورمانلاري (۷) ! قافلان (۸) بوغان خان نبى
اوتگون قلينج ! چال قارا قوش سيمينر توغان (۹) خان نبى
چك بوز آتين باش چيلبرين (۱۰) آل ياراغان (۱۱) خان نبى
هجر خانيم قان ساواشا قالدی گل
گدشیک لری قاغان بوغان (۱۲) آلدی گل

هايقير (۱۳) سالان ! قان قويدوران بەنگ خانلارا كورا وغللى
همزه بەنگى . . . بويا نديران آل قانلارا كورا وغللى
قاخ قيراتا . چاپ ! چا پيرا (۱۴) . يابان لارا (۱۵) كورا وغللى
چنلى بئلى چا بئيل تيكان اورتدى گل .
نگار خانيم قان بوغازا اوتدى گل

ستار خانيم ! آينا تنگ قايلادان ! دان اوغلى
بوغونتييا (۱۶) كىگين قلينج تورك ائليمين خان اوغلى
وطن آنا ! هلبت ديه جان هاينا جان اوغلى
گل وطنه دشمن اياق باسدى گل
دا رقوزا ييب ائىگت لری آسدى گل

جان وطنيم ! ايلك بئشيكيم يوردوم بوام شان وطن
 دنيزلىرى آل بوياقلى گنجيگن (۱۹) لرى قان وطن
 سن اوچا دان اوغول باغيز (۲۰) من هاراشيم جان وطن
 گل جان آنا " باهار " گوزه (۲۱) دوندى گل
 ايلك گونشى گنج (۲۲) ايشيقى سوندى گل

ايضاح :

۱- اوتلى يىثر . ۲- اياق يالين . ۳- سود ۴- بولاغ . ۵- كمين . ۶- زيبرك .
 ۷- چابك ۸- جنگل ۹- پلنگ ۱۰- كزلى ۱۱- عقاب قوشى ۱۲- آتتین آغیرليقى ۱۳- گديك ۱۴- قيزميش دونقوز ، كل ۱۵- اوچا-
 سس ، فرياد ۱۶- چمن ۱۷- چول ۱۸- استبداد ، خفقان ، ۱۹- يول ۲۰- سغله
 ۲۱- پاييز ۲۲- جوان .

•••

بازان : محمد سبحانى

○ "تئلىنه دۆشدو گۆزلىريم"

۲	۱
يئل آسنده سريين - سريين	آذربايجان قيزلاريني
گۆلو مخمراؤسته سريين	تئلىنه دۆشدو گۆزلىريم
سحر- سحر (هسته) سريين	نازلى يارىم اوينا ياندا
يئلينه دوشدو گۆزلىريم	يئلينه دۆشدو گۆزلىريم

* * *

گلسين ائلدن گۆچلو هاييين
 "محمد" يئتير پاييين
 ياز اولاندا جوشان جاييين
 سئلىنه دۆشدو گۆزلىريم

"خياليم باكى"

من سنه مجنونام آي گوزهل لىباي
گوزلريم يولونا حسرت له باخير
چا غيرما سان سندن اوللام گيلشيلي
اولارمى بىر گوره من سنى آخير؟

غم با سارسينه مى گشده رم فيكره
دشبيرم يوخودان آييلما يام كاش
دولاننا مېشنىن خياليم ايجره
فيرلانئيب سوزولرگوزومدن بىرياش

گونوزلر حسرت له يول چكبرگوزوم
گشجهرلر فيكرين جه باتيرام باكى
خياليم سنده اوزاقدا اوزوم
سنله بىر يوخويا باتيرام باكى

گاه گليب دولاننام يوخودا سنى
ستويننم آيرىلىق سونا چا تاپدى
ائلهكى ستوينجيم اويادارمنسى
گوره م خياليم كمند آتئيدى

وزهل بىر گلنسن آلادى گوزون
گورمه ميش اوزاقدان وورغون اولميشام

"دا غلىق قارا با آه، نه يامان كدر
ديبينده قوورولور سينه مده يارا
غيرتيم اوزاقدا اولور بئاشر
قارانلىق مكاندا چكىلير دارا

"يا شارام" ستويره مانام تگ سنى
آغلارام آغلاسان گولنده گوللم
قارا باغ ائلينه قوربان دشىمنى
طوپراغيم يولوشدا، دايانئيب اوللم



يا شيلدى دوزلرون قىزىلدى اوزون
دا ليندا داهى يورقون اولميشام

ماوى گؤيلرونده ماوى خزرده
مهربان سينه نده گوزوم وارباكى
قارلى داغلاريندا نازلى شهرده
اوشاق تكاناما سوزوم وارباكى

كؤنلومده اوزونسن دىليمده آدين
هرزمان اولورسان سن منه قوناق
هامى ايله قارداشدى تانىشين يادين
باخيندان ياخينسان اوزاقدان اوزاق

□ " قاضی "

امن و آسایش اولار قاضی ده ایمان اولسا ،
دۇنيا عدل ايله دۇلار، عدل ايله ديوان اولسا .
قاضی دير بندگان آزادانله يين اينسانسى،
قاضی دير بنده چكن بوينۇ يوغون شيطانى .
قاضی دير روضه رضوان انله يين نيرانى،
قاضی دير معدلتين دككه سينين ميزانى (۱)
خلق راحت ياشا يارقسط ايله ميزان اولسا، (۲)
دۇنيا عدل ايله دۇلار، عدل ايله ديوان اولسا .

قاضى نين سا يه سى با شلاردا خدا سا يه سى دير (۳)
قلمى محو انله بن طولمتى - نور آيه سى دير ،
دينى تحكيم انله يين جوهرينين ما يه سى دير ،
قاضى نين محكمه سى جا معهنين پا يه سى دير ،
لرزه اركانه دۇشر محكمه لرزان اولسا ،
دۇنيا عدل ايله دۇلار، عدل ايله ديوان اولسا .

اولين حادشه كى ائيله دى خلقتده ظهور
دۇردولار محضر دادار بده عفریت ايله حور ،
اولين رأى تاپيب عرش ده تشریف صدور
آيه رجما يله تفكيك اولونوب نار ايله نور، (۴)
اوخويون الدهه اگر مصحف وقرآن اولسا ،
دۇنيا عدل ايله دۇلار، عدل ايله ديوان اولسا .

-
- ۱- دكة القضاء حضرت على (ع) به اشاره دير . ۲- اشاره دير واقيموا الوزن
بالقسط ولا تخروا الميزان آيه سينه . ۳- اشاره دير نور آيه سينه .
۴- اشاره دير فاخرج منها فانك رجيم آيه سينه .

قاضي گرعادل اولار رتبه آلا ردا وردن،
حؤكمو توشيح اولونار محضر هيغمبردن،
باغلانار ساغ قولونا گؤز نظري، حيدر دن،
حؤكومونو با زماق اولچون منشي گلر گؤيلردن،
اول ملك، دن باش اولار واقعا اينسان اولسا،
دؤنيا عدل ايله دولار، عدل ايله ديوان اولسا .

واي اول وقتدن كي قضاوتده اول بيداد ائلهيه
ناروا راي ايله خاطيرلري ناشاد ائلهيه،
عدل ائويين باده وشريب، ظولم ائويين آباد ائلهيه،
دؤغرونو بنده چكيب، اولغرونو آزاد ائلهيه،
نشجه راحت با تاجاق صاحب وجدان اولسا،
دؤنيا عدل ايله دولار، عدل ايله ديوان اولسا .

هانسي قاضي شرفي، غيرتي، وجداني آتا،
كچ اولار، آيري بازا، رؤشوه آلا، ديني ساتا،
راه بطلاني توتا، مطلب ومقصوده چاتا،
ياكي آزديرماق اولچون حق ايله ناحق قاتا،
بئله بير قاضييه نيغرين اولار لقمان اولسا
دؤنيا عدل ايله دولار، عدل ايله ديوان اولسا .

قاضي وارديركي اونون ذرهجه يوخ ايماني،
نه شرافتدن آليب بهره، نه وار وجداني،
ناروا رايي وؤرار بير - بيرينه دؤنياني،
امري اولد، حؤكمو آلوو، ناييره دير فرماني،
تشنه دير قانه، ايچر هر نه قدهر قان اولسا
دؤنيا عدل ايله دولار، عدل ايله ديوان اولسا .

قاضي كوفه كييمي غائله برپا ائلهير،⁽⁵⁾

هـ بولدان اولتروا ما حسين نين قتليني امضاء ائلهين كوفه شهرينيه
قاضي سي، شريح قاضييه اشاره دير .

مظلومون قاننن ایچیپ، نفسینی ارزا ائله بیر،
گۆرسه بۆل، فۆری حسین قتلینی امضاء ائله بیر،
پۆللوپا آرغا دۇرار، پۆلسۇزا حاشا ائله بیر،
داغیدار خالقین اشوسن هارداکی امکان اولسا
دۇنیا عدل ایله دۇلار، عدل ایله دیوان اولسا

"ناظر" دۇنیادا هر قاضی اؤلا آزادده
مسند حکم و قضاده اؤلا "یوسف زاده" (۶)
اونو هرکیم چاغیرا تئز بیشتیشه امداده
مظلوما آرغا دۇرا پاک یا شایا دۇنیاده
بئری وار جان بئله بیر قاضیا قوربان اولسا
دۇنیا عدلییه دۇلار، عدل ایله دیوان اولسا .

عمر مرتضی یوسف زاده اورمییه اهلی کرچ ده قاضی دیر .

عمر رژه سی : یازانی : ع. جوادی

نه ایدی او سس ؟
صبحون طراوتینده طنین سیز قالان ، ایتنه
فریاد .
تولدو او عشق ، جسارت ، اینام ، هوس ؟
ماوی صحیفه لرده قطع اولونان ، ناتمام ، یاریم ،
آغ ، دوز بیر امتداد .
سونا سقوط ،
هنگامه ، قاج - ها - قاج و دوزولمه ز جهنم ایستیسی ،
عادت ،
عصیان ایچینده مطیع لیک ، خروش ایچینده سکوت ،
وقهرا شده ن سراب کیمی نامعلوم اینتظار :
آخشام و بیردم راحت

دۆنن گىتتىدېم گۆلۈستانە نەگۆردۆم بېرىنچە بولبول
اۋتۇرموش گۆل بۇداغىندا اۋخۇرلار خرم و خوشىدل

ولاگن بېرظرفدە بولبولى گۆردوم بېرىشان حال
قانادىن باشىنا چكىمىش كۆنۈل محزون صىنىقتىرېسال

دەتتېم بولبول نەدن سن تىك قالىپسان بۇخۇدۇغمخوارون
الۋىدىن كىم آلىب آوازىوى، بيا بۇخۇدۇ دلدارون

اشىتتىدى تاسۇزى مىندن گلىب گىفتارە دىل آچسىدى
دەتتى بىركىمىسە بۇخ بېلىسىن مىنىم دردىم ھامى قاچدى

دىلىم باغلى، الىم باغلى، قانادىبۇخ اۋچماغانئىلىم
آنام اۋرگىتتىگى دېلدە دانىشماقچون دۆشوب ئىلىم

بالاتا دىل آچىر سۇيلور بۇراگىل، گىتمەھم تىز گىل
سۇسۇزام آى نەنەسۇوتر، تىلل اشتمەھم تىز گىل

گرەك ائىل دۇغما دىلدە اۋبىرەنىپ، يازسىن دىلدە گلىسىن
سۇرا آىرى دىلى اۋىرنەگە فرصت الە گلىسىن

ائىل ايچرە دۇستلوق اۋلسون قۇى محبت گورشفق ماچسىن
نفاقى بىزقۇراق گىتتىدىن صداقت اۋز گۆلون آچسىن

مىنىم قانىم، حىياتىم، عزتىملە شانىم ايرانىدور
ھىمىشە نقدجانىم تۇتموشام ايرانە قۇرباندىبىر

فقط "البىرز" دىبىردۇغما دىلىم دە بىر گۆلون آچسىن
محبت باغچاسىن گۆلىدىرىپ دەغمارىم قاچسىن

من بشيک داغ بولسا ديم (من بويوک داغ واسا ديم)

من بشيک داغ بولسا ديم
باشيما آيلانسا دى (گز سئيدى) آق بولوتلار
كا (گاه) گرشيمده (چيىنيمده) قونسا دى آق بولوتلار
هرگون ايربيله (تئز) تۇرامدا (دوراندا)
ساويچاق (سۇوۇق) آقچا بولوت بيله (ايله)
يۇز گۇزۇمى يۇسا ديم
هزيل (لذت) بارين (تمام، هامى) آلسا ديم
من بشيک داغ بولسا ديم
من بشيک داغ بولسا ديم



گۇك اوتلاردان ساج ائدينيب دۇكۇپ آرقام گرشيمه (چيىنيمه)
اگمدهكى گۇللىرىنگ عطرين سېپ ساچيما
شمال اۇسوپ (اسيب) ساچيم چا شيب دۇرسا دى
هوانينگ خوش ايبسينه عطر قۇشۇپ دۇرسا دى
ساچلاريم. موج اۇرسا دى (وۇرسا دى)
ساچلاريم موج اۇرسا دى
من بشيک داغ بولسا ديم
قىشدا يۇز آق بولسا ديم
ياز گلنده آراستاليق (پاك) آقلىغيم
يئر يۇره گينه سينگ ديريپ (سينديريپ)
سۇمان (سۇسۇلايان) مارال - چشپرنلره اللريمىن سۇبشريب
(وشريب)
نرسه (معصوم) گۇزلىرىنده راضى چيلىق گۇرسه ديم
من بشيک داغ بولسا ديم
من بشيک داغ بولسا ديم

اينگ (ان) بىلن دە اۇچان قوشلاردىن ئىشتمدە (تېپە ، اۇجا) قونسا دىيلار
گرشيمە مېن سە دىيلر
اۇلار آلىپ دىنجىنى
بېغنا ب قوات گۇبجىنى
تاتگىر يالقا سىن . (تاترى عوض و شرسىن) آيدىپ (سۇيلە بېسىپ)
آيلانىپ مىنىگ دا شىما
قاناق قاتىپ اۇچا دىيلار گۇگىنگ آنگىر (انتها ، آنىر) باشىنا
گۇزىم بىلە بىتتىنچا لىر (گۇزۇمدىن ايتنە قدر) دۇرۇپ يۇلا سادىم
من بىئىك داغ بۇلسادىم
من بىئىك داغ بۇلسادىم
بىئىنگ اينگ دىفە (تېپە) سىندىن
بۇلوتلارنىگ اۇسۇندىن (اۇستوندىن)
اينگ اتكەدە قالان بىئىرە سىرادىپ
گۇزلىرىمى ماشىن جىقلانگ اۇچا غا زلىنگ (كوچوك اشو) آراسىندا
يۇرە دىپ (گزدىرىپ)
آدا ملارنىگ قارىنچا دەك كىشىك (قارىشقا تىك كىچىك) لىگنە
گۆلسە دىم

من بىئىك داغ بۇلسادىم

من بىئىك داغ بۇلسادىم .



آذربایجانین ان
بویوک کما نچه استساد
هابیل علیف بیر آیدان
بری ایرانا گلمیش و
طهراندا نچه کنسرت
وثرمیشدیر. استاد ۱۹۲۵ده
آغداشدا آنسدادان
اؤلموش وایک تحصیلینی
اؤرادا آپارمیش.

۱۳ یاشیندا ایکن آتاسی و بویوک قارداشینین عمومی دونیا محاربه سینین
اؤللرینده الدن وثرمیش و عائله مسئولیتینی قبول ائتمگه مجبور
اؤلموشدور. محاربه دن بئش ایل سؤنرا باکی یا گلمیش و اؤرادا آصف
زبناللی «موسیقی مکتبینه گیرمیش و بومکتبی بیتیرندن سؤنرا
مُسلم ماقامایوف فیلامونی سینه داخل اؤلموش و اؤرادا بویوک
خواننده لرله همکارلیق ائتمگه موفق اؤلموشدور.

۳۰ ایلدن بری سولو (تک نوازی) چالماقلامشغول اولان استساد
دونیا نین بیرچوخ اؤلکه لرینه گئتمیش و کنسرت لر وثره رک دونیا
چاپیندا شهرت قازانمیش و آذربایجان موسیقی سینین تانیتماغا و
سئودیرمگه چالیشمیشدیر. استاد هابیله ایران سفرینده یاخی گؤنلر
گئچیرمگی و خوش خاطیره لرله آذربایجانا قاییتماغی آرزو ائدیریک.
وارلیق.

■ نزا دېرستلىگە قازشى جھانى مبارزه
گۆنونا سېتى ايله يازيلمىش بۇ
شمرى نلسن مائندنيا سۇنورام (تقد-
يم انديرم).

○ عرقچىلىق (نزا دېرستلىك)

كۆللوگو كۆزەللەدن دۆرلو - دۆرلو بۇياقلار
عرقچى اۇلا بېلىمز وجدانلارى اۇياقـــــــــــــــــلار
قارا، آغ، قىزىل، كۆلر، قارا، آغ - قىزىل اثلر
دائىشان شىرىن دىلر كۆزەللىگە دايىقلار
گىچەلر دىنيزلردە كىشدرگى اۆزلردە
گىلرىك بىزلردە وجدانيمىز مایاقلار (۱)
يادائلى آلچاق سانان، انسانلىق حقيقى دانان
انسانلىغى كچ قانان وجدانينى آياقلار
بۆتون اثلر بىرلىگى دىللىرىن دىرلىگى
انجى لىر اىرلىگى غزلىمدە اۇياقلار (۲)
آزادلىق، كۆللىرىنە شىدا بۆللىللىرىنە
نغمەلر دىللىرىنە صۇى صۆلادىم باياقلار (۳)

۱- مایاقلار: دریا فانوسلارى ۲- اۇياقلار: قافىلەر ۳- بايققلار: بولحظه
دن اۇنجه دەكى لحنه ده .

○ مقایسه‌اللفظین کتابی نین
تورکجه‌سی باکی دانشر ائدیلمیسی

دوقتورجوادهیئتین بوندان اؤن اییل قاباق فارسجا ایله تورکجه نین مقایسه‌لی تدقیقی باره‌ده نشر ائدیلمیسی مقایسه‌اللفظین کتابی باکی دا علملر آکادمیسی طرفیندن آنا دیلیمیزه ترجمه ائدیلمیسیب "ایکی دیلین مقایسه‌سی آدی ایله چاپ ونشر ائدیلمیشدیر .
بؤ کتاب دوقتورمیرعلی منافی فیروزه یا زیجیوچ . سا سا نی طرفیندن آنا دیلیمیزه ترجمه ائدیلمیسی کتابا آذربایجان نین مشهور خلق یا زیجیسی میرزا ابراهیم بیرمقدمه یا زمیشدیر .
بوندان بیر اییل قاباق دوقتورجوادهیئتین آنا دیلیمیزه چیخاردیغی آذربایجان شفا هی خلق ادبیاتی آدلی کتابی دا کی ریئل الفبای ایله باکی‌دا چاپ ونشر ائدیلمیشدی . بو کتابا ادبیات انستیتوسو دیرکتور و پرفسور یا شارقا رایف بیرا ون سؤز یا زمیشدیر .

○ فضولی نین دیوانی‌جا پدان چیغدی

فضولی نین دیوانی "دیوان فضولی" آدی ایله تبریزده فردوسی کتابخانا سینین صاحبی آقای سیروس قمری طرفیندن نشر ائدیلمیسی . کتابا مرحوم اوستاد حمید آراسلی نین فضولییه یا زدیغی مقدمه علاوه ائدیلمیسی .
میشدیر . حرمتلی دوستوموز آقای سیروس قمرییه بوخیر ایشی اوچسون تشکرلریمیزی بیلدیریراؤنا فرهنگی خدمت لرینده داها بؤیوک موفقیتلر دیله بیریک . وارلیق .

" علمی خبر "

آذربایجان ملی آکادمیسی پرفسور غلامحسین بیگدلی و دوقتورجواد هیئتی آکادمی عضوی سئجمیشدیر .

مقاللە حسنلو "بوخسول"

سن ھمىشە يادىمدا سان

۵

بۇ يۇللاردا . دۇشم قارا
اۇلسا گۇنۇم بۇندا ن قارا
چكسەلردە منىسى دارا
سن ھمىشە يادىمدا سان

اشىد آرزو دىلەگىمىسى
غمده صىخا اۇرەگىمىسى
نامرد كسە چۇرەگىمىسى
سن ھمىشە يادىمدا سان

ياندىرسادا ھىجران منىسى
خزان وۇرسا باغ ، چمنىسى
چىخا رتمارام ياددان سنى
سن ھمىشە يادىمدا سان

"بوخسول" سنى سالار يادا
آزاد ياشا بۇ دۇنيادا
عزىز عۇمرۇ وثرمە بسادا
سن ھمىشە يادىمدا سان

اۇنودمارام سنى بىيران
سن ھمىشە يادىمدا سان
سۇزلىرىمى ايندى اينان
سن ھمىشە يادىمدا سان

۶

بودور منىم اۇرەك سۇزۇم
سندن آبرى بىلمەم اۇزوم
گىجە گۇندوز سنده گۇزۇم
سن ھمىشە يادىمدا سان

۳

يۇللارىمىز بىردى بىزىم
بۇ يۇللاردا واردى اىزىم
بۇنوبىلسىن اۇغلوم قىزىم
سن ھمىشە يادىمدا سان

۴

دۇشم گىشنە سندن اۇزاق
بۇران اۇلا بۇلۇ اۇزاق
آرامىزى كسە ساۇزاق
سن ھمىشە يادىمدا سان

آلاھین آدی ایلان

سلام اولسون سیز آذربایجان دۆزگون وارلیقلاری .
آقای دوكتور هیئت بیزیم بؤبوکه افتخاریمیز سیزدن ایستیردیم بییر
ننچه سۆز سۆرؤشام :

۱- نیه بؤ زامانا جان هله ده آذربایجان وداها تورکی دیلینده
دانیشان اولکهلرده تورک دیلینده مدرسه قورولمایب بؤ بییزییم
حقیمیزدی طبق بییرقانون کی اساس قانون دی . و ۱۹۲۹ اینجی ایلسده
ملل سازمانیندا تصویب اولان قانوندا ارمنی لر هر جوره امکانات لاری
وار دانشکده ده وارلاری دور . بییزییم نیه بیؤخدی داها ملعون شاه بیؤخدی
ایندی اسلام حاکم دور و بییز ملت چوخلی ایران وطنیمیزه گۆره شهید
وئرمیشیق .

۲ - فرهنگی (مدنیت) گروه لار شمالی آذربایجاندا بییزییم
اولکهیہ گل سین و بییزدن اوتایا (مخصوصاً) اصیل مقامات موسیقی حرکت
گل سین) نیه کی بییز چوڭ دالی قالمیشیق اوردان مشهورشا عرلریندن ده
دعوت ائیله یک تبریزه و آذربایجانین داها شهرلرینه گل سینلر .
بییرننچه بایاتی و بییر شعر ا جاز نيزله تقدیم ائلیرم خواهش
ائلیرم منه بؤ یولدا کمک ائلیه سیز .

گۆزلره باخ گۆزلره
گۆزلره کویچک گۆزلره
یاری منه وئرسه لر
قوربان اولام گۆزلره

داغلارا باخ داغلارا
گۆزل - گۆزل داغلارا
بییرگون یاری گۆرمه سم
چیخارام من داغلارا

آنا بوردوم وطنیم
شیرین غۆزدو وطنیم
منی سندن آبییرسالار
گۆزوم دؤلار وطنیم

منیم دیلیم تورکی دی	من آذری اوغلیام
آنا دیلیم تورکی دی	گۆزهل وطن اوغلیام
منی بوندان آییرسالار	آراز آیری سالماسا
گنه دیلیم تورکی دی	منده آراز اوغلیام

مشگین یوردوندا نام من
گۆزهل یوردوندا نام من
شاه اسماعیل ختائی
بابک یوردوندا نام من

تورکجه حافظانه لریا آئینه اوهام

مژدهای خوش برای دوستداران غزل حافظ

بزودی ترجمه غزلیات حافظ را همشهریان عزیز آذربایجان بیانی بزبان خودشان در دست خواهند داشت .

همکاری عزیز و همشهرشی فاضل و شاعری بزرگ از وطن و دیار سوسیزمان تبریز که سالهاست روی این اثر بزرگ که جاییش در ادبیات ترکی خالصی بوده است کار کرده - او غزلیات شیرین حافظ را بصورتی که گویای کامل مفهوم شعری حافظ بوده و همانقدر هم شیرین و بدیع است . طوری بزبان ترکی سروده است که خواننده نیازی به شرح و تفسیر غزل نخواهد داشت . کلمات و ضرب المثلهای و لغات شیرین و بدیع ترکی آذری در کنار اشارات و کنایات و ابیها مهای غزل حافظ چیز است که با ورگردن آن مشکل است صنایع شعری ، هم آوازی کلمات همان است که در زبان حافظ بسوده است . ماضن اینکه تالیف چنین کتابی را به شاعر عزیز آقای دکتر غززالله رزاقی تبریز میگوئیم ، موفقیت بیشتر ایشان را در آفرینش آثار جدید خواهیم .

بیر داها

نزهت تبریزی دن

○ گر بود عمر به میخا نه روم با ردگر
بحزا ز خدمت رندان نکند کاردگر

میخانه لرده، عومر اولاگر یار بیرداها
جز رنده و نر مه رهم می گلنار بیرداها
میخانه صحنی نی یووارام اشگ چشم ایلن
گر لطف انده بؤدیده خونبار بیرداها
آناقلی کیم بؤ اولکده یوق داده بیئت خدا
بلکه تا پام بولعله خریدار بیرداها
کونلوم فراغت ایسته بیر قویسالار اگر
شوخ غمزه سیله، طره طرار بیرداها
قویسا زمانه من چکهره نقشه گویلره
وار منله نقش و فرصت پرگار بیرداها
اسراریمی بازارلارا نای و قوال ایلن
دستانه سالدی انیلهدی آشکار بیرداها
حاشا بیر آیری یار دوتام جور یاردهن
باریم اونوتدی، اولمادی گر یار بیرداها
دردایله سیزلارام بوفلکدهن کی هر ساعات
بوخسته کونلومه ونریر آزار بیرداها
حافظ نه تک بوغمه ده یانیر- سؤیله نیم گینه
بوغملی چولده باتدیلا چوخلار بیرداها

تبریزین ایگیتا و غلوحسین جدی دن هجرا ن شعری

○ اشاره :

حسین جدی، تبریزین ایگیتا و غوللاریندا ن بیری، ۱۳۲۵- نجی ایسل تبریزده اوز وثره ن قانلی حادشه لرده باش گؤتوروب شمالی آذربا- یجانا گئدنلردن بیری ایدی. او شمالی آذربایجاندا یاشادیغی ایللر عالی تحصیل آلیب بیر علمی ایشچی واجتماعی خادم اولدوغو حالدا، یوزلر و مینلر اوز یورد- یوواسیندا ن دیدرگین دؤشنلرکیمی همیشه آنا شهری تبریزین رۇیا لاری و دوغما عا ئله سینین خاطره لری ایله یاشا میشدیر. آشا غیدا کی گتیریلن ایکی پارچا شعر، اؤنودولما زرۇیا لارین و خاطره لری ن جانلی بیری تابلوسی سا بیلابیلیر.

بو ایکی شعری، حسین نئچه ایهل قاباق، اوزون حسرتلی ایللردن سونرا، باجیمی رقیه خانم تبریزدن قارداشینى گؤرمگه گئتدیگى گونلرده بیرنئچه آیری شعر و تمثیل ایله باجی سینین دفترینده کؤچورموش و اونلارین باشلیغیندا بو سؤزلری یازمیشدیر: "بوشعرلر و تمثیللری عزیزبا جیم رقیه نین دفترینه یازدیم، امیدا ئدیرم بییر یا دگا رکیمی سا خانلیسین - حسین".

حسین جدی ۱۳۶۵ - نجی ایلی ن مردا دآییندا وفات ائتمیشدیر.

□ وصال پریمی

"با جیم رقیه ایله گؤروش منا سبتیله"

بیر سحر یئتیشدی منه خوش خبر،
دئدیلر: یولدا دیر وصال پریمی.
اؤره گیم کؤوره لدی، اولدوم بیر شهر،
ینی دن من اولدوم هیجران دلیمی
اؤ سحر اوچ ساعات یولون گؤزله دیم،
اؤچ ساعات گؤزومه اوچ ایل گؤروندی،

كيم گلدى، كيم گشتى بولون ايزلەدیم،
 اۆرەگیم دال با دال بېردن دۇگۇندى.
 نھايت يىشتىشىدى وما ل دملرى،
 قارشىمدا دا ياندى با جىم رقىيە !
 دا غىلدى گۇنلۇمون بۇتون غملرى،
 اۇ رقىيە دىرمى، بۇخسا رۇحيە !
 با ساراق با غرىما ايىلەدیم اۇنۇ،
 آنا مین عطرىنى من اوندان آلدیم .
 گىجەلر صېحەتك دېنلەدیم اۇنۇ ،
 وطنى يا دا ئىدىب غيا لا دالدىم .
 گۇزۇمو يۇمما دیم گۇنش دۇغۇنجا ،
 چكەدیم گۇزۇمو اۇنۇن گۇزۇندىن .
 دىدىمكى ، قوی با غىم سنەدۇيۇنجا ،
 دويمورام واللەھى شېرىن سۇزوندىن .
 دانىشىدى خاطرە اۇزاق كىچمىشىدىن ،
 نىجە سىرا ئىدەردىك عىنالى دا غىن !
 تۇكردىك جېمىزە نۇغود - كىشمىشىدىن
 آخشا ملارگىزدىك گلستان با غىن !
 تۇتۇلدى بېرگىچە بۇلودلار كىمى،
 دانىشىدى آتا مدان، آنا مدان خىلىك،
 گۇزۇندىن سئل آخدى نىسا نلاركىمى،
 آغلادى، آغلادى دىدىكى نىلىك !
 ازىلدىن بېزىمكى بىللە گىتىرمىش ،
 بۇطۇلۇمون سۇنۇ اۇلاجا قدىمى؟ !
 آنا مىزىسنىن تىكا و غۇل ايتىرمىش
 ظالملىر جزاسىزقا لاجا قدىمى؟ !
 سنى آبرى سالان جىلاد بېھلوى،
 تھراندىن گۇر نىجە دىدرگىن دوشدى !
 آروادى - اوشا غى اولدى طفىلى،
 اۇلوم شىرتىنى غىرتىدە ايجدى .
 آخرى بىللە دىر ظلمكارلارىن،

خیرخواه اولمۇسان عۇمور بۇيۇنجا ،
 يىثرىبنده محکم اول، ايشينده متين،
 عۇمور سۆر قارداشيم دنيا دۇرونجا .
 - اوغورون خوش اولسون ، باجى جان - دئديم ،
 آدبنى قويموشام وصال پريسي !
 گۆن او گۆن اولسون كى وطنه گلیم ،
 بيرادا ها اولما ييم هجران دليسى .



آجى خبىر

استادخليل رضانين اولغوسو
 تبريز رضا قارا باغدا شهيد اولسدو

خبر آلدیغیمیزا گۆره گۆركملى مبارز شاعرىمىز خليل رضانىن
 اولغوسو تبريز رضا قارا باغدا ارمنىلر طرفىندىن اولدورولموشدور . بو خبىرى
 آلان كيمي آشاغيدا كى تلگرافى و اړلىق يازىچىلارى طرفىندىن استاد
 خليل رضا يا گوندرديك :

حرمتلى استاد خليل رضا

اولغونوز ، گۆزبىگى نيز تبريز رضانىن قارا باغدا وطن اوغروندا
 شهيد اولماغى خبىرى ها ميمىزى ماتمه بورودو . سوزه عائله نيزه و بوتسون
 آذربايجانلى مسلمان قارداشلاريمىز باش ساغلىغى و ثرنبر ، تانرىدان
 اولغونوز رحمت و آذربايجان خلقينه باشا رىلى بارىش ديله بيريك . ■

وارلىق يازىچىلارى طرفىندىن
 دوكتور جواد هيئت

اما محسن علیہ السلامین
دو غوم گونو منا سبتی ایله

○ طنطنه‌لی ادبی مذهبی مجلس

بهمن آیینین اون سککیزینده جمعه گونوتهرانلاکرج آراسیندا
یئرلهشن "قلعه حسنخان" شهرینده دیل، ادبیات ومدنیتیمیزه باغلیسی
اولان مسلمان تورک قارداشلاریمیز "وستادشهریار" دینا ادبی فرهنگسی
انجمنده انجمنین چاغیریشینا گوره صمیمی طنطنه‌لی گوروش کئچیریلدی
بو ادبی مذهبی بایرام شنگینده شهریاردرنگینین دائمی عضولریندن
باشقا تهران، کرج، ساوه، زنجان، تبریز، خوی، اسکو و شسترده یاشایان
تورک، دیللی شاعرلر و یازجیلاردا اشتراک ائتدیلر.

مجلسده تکجه شاعرگیل عالیم، ضیالی، ادیب، ادبیات تدقیقات -
جیسی، عاشیق، سازوسوز صنعتکارلاریندا باشقا تبریزشهرینین بیسر
دسته باچاریقلی اوستادصنعتکارلاریندا ۵ نفرلیک ارکستر، عالیم،
شاعرومحقق دوستلارجمعا ۱۵ نفر بیریره طونلاشیب بیردریست اتوبوسلا
گلیب مجلسده اشتراک ائدیبلار اوخودولاریا خوش موغاملار ایفا
ائله دیلر. تورک، دیللی نشریه لرین اوخومله دن یول مجله سی، اسلامسی
بیرلیک، سهند، وارلیق ادبی فرهنگسی مجله سینین یازجیلارینلدا
شرکت ائله دیلر. وارلیق مجله سیندن آقای علی کمالی، عبدالکریم -
منظوری خا منه ای وسا اولان اشتراک ائتمیش دیلر.

ساعت ۱۵ ده محفلین آپاریجیسی سا اولان تریبون آرخا سینا کئچیب
قوناقلارا تبریک و خوش گلیب سیزدئدی، صونرا احمد آقا قاسیمی قرآن
اوخودی، صونرا احمدکا ویا نچوردیلیمیزه جئوبردیگی نفیس اولان قرآن
کریم حاقیندا دا نیشدی صونرا آقای تیموردا داشی (طهوری) اما محسن (ع)
حاقیندا (مولا) ردیفلی شعرینی اوخودو صونرا آقای حسینی (دیلیمی آتات
نمیرام) شعرینی اوخودو، آقای نصیری دا نیشدی وشعرا و خودو آقای شفا شی
وصدمرادی شعرلرین اوخویاندان صونرا آقای عبدالکریم منظوری خا منه
دا نیشدی وشعرا و خودو صونرا عاشیق مثلا هر جعفری اوخویاندان صونرا گنج
اوشاقلارچوروخوش سلسری ایله ایکی ماهنی سرودا و خودولاریوا وشاقلار
خوروندا اشتراک جیلار آیدین و دا وودمنظوری، علی و آیدین و گونش اهر -
ابی، اسما عیل و ابراهیم دشتی، امیرشفاقی مجید و محمد محمدخانی، زمزم -

ناظر شرفخانه‌ای "ایدیلر، البته بویفا جیلاردا ن زمزم شرفخانه‌ای و آیدین
 ،دا وود منظوری تک ده او خودولار، صونرا شهریا ردرنگیندن حسین محمدخا -
 نلی (گونئیلی)، رحیم گۆزهل، سلطا نپورا اؤز شعرلرین او خودولار، عاشیق
 حسن شرقی جالیب او خودو، آقای گولزاری، اسفندیاری و تورک اوغلسو
 شعرلرین او خودولار بویبیرده تبریزدن گلیمیش ارکستر دسته‌سی جوخ گۆزهل
 واعلاکنسرتلری ایله دعوتلیری واله و حثیران ائله دیلر، اشتراکچیلار
 تار وارکسترین رهبرلیگی حسن آقا دمیرچی، قاقا وال کریم آقا شتربسان،
 کاما نجا بهمن آقا عطا پور جوخ خوش سلسی او خوبان محمود آقا علیلسو و
 باشقا او خوبان علیرضا آقا مان بیگلو، آماما عمومیتله حسن آقا دمیرچی،
 محمود آقا علیلو، علیرضا مان بیگلو و کریم شتربان دؤردوده او خودولار و
 جوخ دایا خشی او خودولار، آقای میرهدایت حصار ی وعدلیه و کیلی علی آقا
 کمالی جوخ یا خشی دانیشدیلار و تلیم خان دان واؤزلریندن شعرا و خودو -
 لار، صونرا بوخول، لطیف تحویلدارا و غلو اؤز شعرلرین او خوبانندان
 صونرا حجت الاسلام دو قتر حجت ذاکری تربیون دالینا کشیب بو عزیز -
 بایرامی دعوتلیرله تبریک دئیندن صونرا اؤز قوشدوقلاری شعرلریسن
 او خودولار، صونرا بختیار نصرت آقای ائلشن، یا ور گلیب شعرلرین او خودولار
 حسین آقا و شوقی و رسول آقا اسما عییل زاده تبریک دئیب اؤز شعرلریسن
 او خودولار، صونرا یا شارقربشی و علی احمدی (اورمولو) شعرلرین او خودولار
 بوردا ا یکینجی دفعه او چون یئنه تبریزدن گلن حسن آقا دمیرچی نیسن
 ارکستر دسته سیندن استفاده اولوند و بیرنجه ماهنی و بیر قارا باغ
 شکسته‌سی او خودولار، تبریز قوناقلاریندان مهندس تقوی (توغال) اؤز
 شعرین او خودو حسن آقا راشدی یا زدیغی گۆزهل بیرنثر نمونه سینا او خودو
 محمد علی فرزانه جوخ گۆزهل دانیشیب ا یکی شعرا او خودولار، محبوب آقا -
 بوداغی، وردوبا دلی قوناق، عباس آقا آرام جان و باشقالاری دانیشیب
 شعرلرین او خوبانندان صونرا شهریا ردرنگینین مالی مسئولو دا وود آقا
 رحیم دخت گۆزهل دانیشدیلار، دا وود آقا نین دانیشیغیندان بیرنجه
 سطرینی بوردا گتیریریک :

اولوتا نرینین آدی ایله عزیز قارداشلار خوش گلیب سیز آلله شکر
 سیز عزیزلرین زیارتینه نائل اولدوق.

بیردؤنده حورمتلی عالیملر، شاعرلر، یازیچیلار و بوتون دیسل و
 ادبیا تیمیزا محبتلی و مارقلی اولانلارا بویکی اوغورلو و برکتلی

با پیرامی تبریک ائده رهک، اوزاق بوللاردان آغیرزحمتلر قبول ائدیسیب بو مراسیمده شرکت ائتدیکلریزدن قدردا نلیق ائدیبا اؤزمنت دارلی - غیمیزی بیلدیریریک .

بیلدیگینیزکیمی بوبا پیرا ملارین بیری انسانلیق، عدالت، تقوا با پیرا قجیسی اولان ظولمه، بدعته، حقسیزلیکه قارشى مبارزه آپاران، مقدس هدف اوغروندا جاندا ن کئجهگی اؤیره دن، آزادیا شاق وکیشی - لیک معلیمی انسانلیق معلیمی اما حسین علیه السلامین دوغوم گونونو و او بیری ایسه ظولم کارلیغین، شاهلیغین، بوینویو غونلوغون و سونچو - لوق نظامینین دشوریلمه سی با پیرا میدیر .

شهریا ردرنگیده بومقدس گونلری عزیزله مک اوچون سئوینچ، شئووق و شعله دولوبیر مراسم کئچیرمکی اؤزونه بورچ و بیری وظیفه بیلیمشدیر . بونودا آرتیرمالی بیق بو سئوینچلی گون و با پیرا ملارین دوغورمعنا تاپماسی بیزیم امام حسیندن انسانلیق و تام معنا سیلا یا شاییشی درسلی آلما غیمیزدا و اسلام انقلابی نین یا راتدیغی امکانلاردان نئجه یا رارلانیب بهره لندیکیمیزده دیر .

اسکی رژیمده نفوس مایی با خیمیندان ایران ملتینین یا ریبیننا یا خین اولان ائلیمیزا ایران تورکلری نین ذیلی یا ساق اولموش سئور داها دوغورسوا اؤزدیلیمیزده یا زیب یا راتماق یا ساق و اودا رگؤزلسر بیزی اؤز کؤکوموزدن، زنگین مدنیتیمیزدن، فولکلوروموزدان، تاریخ - یمپزدن، آجیق سؤزله علی مدنی ثروتیمیزدن قورقودده ده، فضولی، نسیمی ختا شی میزدن آتا با با، تاریخ، وارلیق و منیت و مدنیتیمیزدن آیبیرسیب اؤز قالیبیندن جیخاریب اؤزگه و یا د قالیبه صالیردی .

آما نئجه کی امام علی علیه السلام بویورموشلار . بیری حکومت کفرلسه با شاگشده ده ظولمه با شاگشتمز، بئله بیری نظام اسلام انقلابی نین گوجو ایله داغیلدی و نژادپرستلیک دوشونجه لرینه صون قویولدو .

گئریچی اوغرادى قارا تختینه

آرزیسی ،حسرتی گؤزونده قالدی

با بقوشلار ایلیشدی شاهلیق تختینه

ائلیم اقبالینی الینه آلدی

"گونئیلى"

نئجه دشیرلری ننی حیات با غیشلایان مقدس کتا بیمیز قرآندا بو آیه لر

بیزیم اٹلیمیزین با غلانمیش یولونو آچدی.

نئجه کی روم سوره سینده متعال آلهه بویوروب: "ومن آیاته خلق السموات والارض واختلاف السنتکم والوانکم ان فی ذالک لآیات للعسا۔ لمین" دیلیرین وبویا لارین مختلف اولدوقلاری امتیا زوسیله سی یوخ، یئرین وگۆیون یا رانیسی کیمی تانری نین نشانه لریندن دیر، هابئله حجرات سوره سینده اون اوجونجو آیه ده بویورور: "یا ایها الناس انسا خلقناکم من ذکر وانثی وجعلناکم شعوبا" وقبائل لتعارفوا ان اکر مکم عندالله اتقیکم" انسا نلار مختلف طایفا لارا، قبیله لره بؤلونموش اولما لاردا هابئله بیر آتا، آنادان دوغولموش هابئله میسی داماسوی حقوقسدان فایدالانما غا حقلی دیرلر، هرکسین امتیا زو اوستونلوگوا یسه اونون تقواسیندا دیر، بوشریفه آیه لردن الهام آلان ایران اسلام جمهوریتی نین آتایا ساسی. دا ۱۶، ۱۵، ۲۰ - نجی اصلیرینده ایراندا یاشایان خلقلره دیل آزادلیغی وئرلیب هر بیریمیز اؤز دیلینده کتاپ چیخارماق، ادبی، هنری و فرهنگلی انجمنلر قورماق حتی اؤز دیلینده درس اوخوما غسسی رسمیتله تانیدی نتیجه ده اؤز دیلیمیزده تهران، تبریز، اردبیل، همدان، مراغه، و باشقا شهرلریمیزده مختلف ساحه لرده وارلیق، یسول، اسلامی بیرلیک سهند، بهار، آذربایجان، جووالدوز، فروغ آزادی، فجر اسلام وارک، آیری - آیری نشریه لروکتا بلارین بوراخیلما سینی گؤروروک .

صونرا بیر نئجه شاعرده گلیب شعرلرین اوخودولار قوناقلار اشام وئریلدی، شامدان صونرا یولوا و زاق اولانلارا جمله دن تبریزدن کلمیش قوناقلار: دکتر زهتابی، علی قاسم، علی قاسم، حسن قاسم، میرچی، و باشقالاری بیر - بیرله وداع ائدیپ گۆزهل خاطره ایله آیریلدی لار .

ح. م. ساوالان

يازانی : پرفسور فیروز صادق زاده
يازیمیزا کۆچوره ن: ج. م. سا والان

فضولی نین ۵۰۰ ایلیک

صنعتینین قدرتی

بیرکارگرم هزار، بپیشه، فضولی

فضولی شعری - حکمت، شاعری حکمت خزینه سی نین خزینه داری آدلایندیریر. شاعره گۆره، ناقص لر شعری زر- زیور، یار- یاراشیق کیمی قبول ائده بیلرلر، کامل لرین یاراشیغا احتیاجی یوخدور. "شعر یا خشی یا مانسیز اولمور" (نظامی). قدرتلی شاعرلرده ضعیف شعر یا زابیلرلر، ایثرا استعدادین فطری ویا با یا غی اولما سیند- ادیر. صنعتکارین حیات تجربه سی و طویلادیغی بیرلیک ثروتینده دیر. استعداد حل ائدیجیدیر.

خلق گۆزو معیار دیر، توکو توکدن سنجیر، بیر شعر وار بیرده شاعر آریا بیر شاعروار، بیرده، متشاعیر- شعر طوخویان، قافییه برداز. فضولی یازیر: ناقص بدسواد ناموزون طبعی ایله مجلیس لرده و ادبی- دایره لرده استعداد خزه و ثریب شعر اوخودوقجا، نظمینی نثردن سنجیلیمیر و ادای سستو ایله معنا گلبنینین اوزوندن نقاب آچیلیمیر!...".
شاعیر داها صونرا گۆسته ریرکی، بونلار هورومچک کیمی،
بیر- ایکی بیت طوخویوب اؤزلرینی بیت المعمور با نی سینسدن ده
اوستاد صانیرلار، یعنی، آله صانیرلار اؤزلرینی، فارسجا دیوانی نین
مقدمه سینده فضولی، بلالری نین ما هیتینه اشاره ائده ره ک، اونلازین
شعری دیلجی لیک آلتینه چئویر دیکلرینی " بیلدیریر.

شاعیر نفرتله یازیردی: "سؤز بالتاسی شعر بناسینسی
ویران قویان بو کافر لردن باشقا هله پاخیل لارین انصاف گۆزونو
کۆز ائدیپ، ادراکینا اعتماد ائدهن جاهیل لر اؤنونده حقیقی صنعت
و صنعتکارا بوش- بوش اعتراض لار هرزه - هرزه مداخله لر اشمکله،
شعر ذوقونو بالمره آرادان آپارانلار دار. ". "صنعتکارلیق حقوقو
بونلازین آرا سیندا ایت- بات اولور. اونلار یوکسه لیشه دوغرو گئشدهن
بولو با غلابیرلار !".

فقط ، داغ چشمه سى نىن ، داغ خالە سى نىن ، داغ جا بى نىن قا با غى نى
الما ق مە كنى دى رى مى ؟ حقى قى صنە تكا رىن ، خلقە خدە مى ان بۇ يوك آمال
بىلن شا عى رىن سى نە سى نە يانا ن صنە ت چى را غى نى سۇ ندى رى مە ك اولما ز ،
شا عى رلر ابدى ت يولونون يولچولارى دى رلار !

بۇ يوك فضولى نىن صنە ت با غى مى نى آرا شدى رما ق اوچون ، هر شئى دن
قاباق ، اونون او ز اش رل رى نە دقتلى اولما ق گرە كدى ر . شا عى رىن او لمز
دى وانلار ينا ، قسى دەر لىر طوپلوسونا يا زدى غى دى با چە لىر - مە دى مە لىر ، صنە ت
مسئله لرى نە حصر ائى دى بى آى رى - آى رى شعر لىر (قى صى دە ، عى زل ، قى طە سە
ربا عى لىر) . "لى لى ومجنون" ، "هفت جام" ، (رى ندى وزا هدى كى مى اش رلى سى ر ،
ائله جە دە مە كتوبى لارى بوجە تى دن اولدوق جا مارا قلى وا همى تلى ندى سى ر ،
فضولى نىن بو اش رل رى نە صنە تى ن قە دى رتى ، عى قلى اى سە تى ك تى ر بى بە دە رولو
زما ن و صنە تكا ر پى روبلى شى مى ، سى رى ف پوى شتى كا مسئله لرى : حقى قى ت (دو -
غى رولوق) ، صنە تە دى بى نجا مى لى ق مە نا و صور ت (فورما و مضمون) ، عى لمى شعر
(انتى للى شكى ت و آل پو شى زى ا) بدى عى و اسلوب ، فنون شعر (شە رتئى كنى كا سى)
يا زى چى مدنى تى ، ادبى تنقى د كى مى نظرى ، استى تى كا نى ن كۇ كلو مسئله لى رى
شە ر ائى دى لى ر . بورا دا كلاسى ك ادبى ا تى ن هە دە ژا نى ر خصوصى ت لى رى نە سە ،
شە ر شكى للى رى نە دا ئى ر شا عى رى ن دە يى رلى ملاحظە لرى نە اورى ژى نال مە -
عالارى نى راس ت كلى رى ك بى ر سۇ زلە ، تفكرو ن مە ركى ب ضدى ت لى پى روستلردن
اؤلان بدى عى يا رادى جى با غى نى سى رلى ، نظرى - تجرى بى مسئله لى رى متفكە ر
شا عى رى دا ئى م دوشوندى روموش و اؤ قالدى ردى غى هر ها نى مسئله نى دوه ا -
سى نا بى سى ر اؤلان بى ر كئى شى لى ك و درى نلى ك لە حل ا شتى شى دى ر .

فضولى انسان و اونون ناطقه قوه سى بدى عى سۇ ز رتبه سى
بارە دە . يا زى ردى : "ائله كى ، آشيانى نى كى فى تى نى حقى ر اوچون فراسى ت
كۇ زومو آجدى م حكمت اش رل رى نى ن تما شا سى چؤلونە تفكە ر قە دى قوبى دوم
عالم صدقى نە انساندان قى مە تلى بى ر كۇ وەر كۇ ر مە دى م وانسى نان
كۇ وەر بى نە سۇ زدن شرفلى بى رچۇ وەر تا پە دى م" .

فضولى نىن وارلىق اش رل رى اى چە ر انسانى بۇ يوك هە م نى ز مى ندى ن
دو غوردوسا سۇ زوان شرفلى جۇ وەر بى لى مە سى صنە تى ن قادر كوچونى سە
اى نى مى اى لى با غلى اى دى . بۇ يوك شا عى رى مى ز محض بئى لى بى ر اى نى مى لا
"شە ر او غروندا چا رپى شما دا كئى چن عۇ مر" اوچون حثى ف سى لى نە مە دى كنى سى ،

اونو خئیرلی و معنالی "سابا شتدیگینی سؤیله بییر ، او "قانلی چنؤل و ساحلسیز دریا "دئدی بی شعر یولونو کئچیب گلمیش بهرچوخ قدرتلی صنعتکارین آدینی چکیر ، اؤزوندن اول حیا تینی شعر ایشینه صرف ائدن هنر صاحیبی شاعر لرین نظر اهلی عالیم لرین ادبیات فنینه ، صنعتیه اونون گؤزه للیکلری و اوستونلوک لرینه دائر توتارلی فیکیر ومدعالار ایره لی سوروب ، رساله لر ، تدقیق لر یا زدیقلارینی بونونلادا ، شاعر هراؤچ لکه دن تمیزله دیکلرینی خاطرلادیر .

فضولی پوئزیا نین ادراک اهمیتینی اؤن سیرایا جگه ره که ، شعر دن رنگین مضمون ، بیکر فیکیر ، ظریف معنا طلب ائدیر ، بو ایسه اونون ادبیاتتا - علم شعره بییر صنعت کیمی دوغرو باغیشیندا ن ایره لی گلیر بؤیوک صنعتکار ادبیاتی ، اوخوجونو حیباتا حاضرلایان ، دوشونجاسه و اراده سینین سفر بر ائده ن ، آزاده ، گؤزه ل ، خوشبخت گله جه که قوشان قدر - تلی واسیطه بیلیر . گؤرکملی آذربایجان عالمی ، فضولی شناس میرزا آقا قولوزاده حقلی اولاراق یازیردی : "فضولی بدیعی سؤزو خلقین آزادلیغی و انکشافی اوغروندا مپارزه ده . معنوی سیلاجا چئویب - سره ن صنعتکار دیر " .

شعرین "فضیلت نوع لریندن بیرسی " اولاراق ، معنوی تکاملسه خدمت ده بؤیوک ذؤوق منبعی اولدوغونودنه - دهنه قیدا ائدیر . شعیر ذؤوقونو ، کامیل لیک علامتی صابیر .

شعر ذؤوقوندن اولمایان آگاه ،

اهل نظمی مذمت ائیله مه سین ،

کندی جهلینه اعتراف ائتسین ،

هرگراماته سحر سؤیله مه سین

فضولی شعرین گؤزه للیگینی ، شاعرین اوستونلو بونوده ، محسوس انسانلارا سئوینج گتیرمکده ، ذؤوق وئرمکده گؤرور ، صنعت اثرینی - مایا سینی حکمت واصل بدیعی کلامدا تا بییر .

فضولی پوئزیا نین حقیقتدن گؤج آلدیغینی تصدیق ائتمکله ، نظری استتیکانین *ESTETIKA* دیگر مسئله لرینده اولدوغو کیمی ،

صنعتین گرچکلییه مناسبتی مسئله سینده ده اؤزونون بؤیوک سلفیسی نظامی ایله بییرله شیر ، نظامی یازیردی :

" ایندی کی ، حقیقتی درج ائتمک ممکن دیر ، بالانی خرج ائتمه گنه

با لانلارلا سۇزون قندرى گم اولدو
 كيمكى، دوغروبيا زدى محتشم اولدو
 صبح صادق دوغروجو اولدوغونا گۇره
 دونيا اونو قيزيلا توتدو .
 سرو دوزلوگ بايرا غينى اوجا لتدينى اؤچون
 خزان چاغى غم تارا جينى گۇرمهدى .
 (خسرو و شبرين)

فضولى يا زيردى :

سۇزون وصفى منيم هنريم دئيل
 سۇزون قيمتينه سۇزيوخ يقين بيل
 گۇزهل يارانميشدير سۇز ازهل باشان
 دوزلوكدور. اونداكى حسنو آرتيران
 دوزلوكله آرتميشدير سۇزون قيمتى
 دوزلوكدور هر شئين ايلك مزيتى

(ترجمه اشدهن مبارزدير)

هرايكى پارچادا صنعتين اساس قايونو، پوشتيكا كتا بلارينسدا
 اولدوغوكيمي، صون درجه بيىفجام، آيدين ودقيق اراده اولونموشدور .
 بورادا هئچ بيمر تفسيره احتياج يوخدور. فقط "حقيقت" آنلايشينين ،
 كلاسيك ادبياتدا احتوا ائتديىي معنا چوخ كئينشدير . بو آنلايش بو
 كون نظرى ادبياتدا ايشلك سۇز اولان "حيات حقيقتى" مفهومونو عوض
 ائديبدير . "حقيقت" همده بديعى حقيقت ، بديعى ايناندير بحيايلىق
 مفهوملايينى ايفاده ائديركى، نظامينى و فضولىنين پوشتيك گۇروشلايينده
 بونلارين عتى سينونيم سۇزلكيمي چيخيش ائتديىي مشاهده اولونور .
 نظا ميدن گۇتوردويوموز آشا غيداكى پارچادا اولدوغوكيمي :

سۇز گۇهرتك ايشيق ماچسدا ،

اينانديرىجي دوشمهسه ، اويدورما گۇرۇنور

• دوغروبيا بنزهين يالان

اينانديرىجي ليقدان محروم اولان

حقيقتدن ياخشيديسر .

("شرفنامه")

نظامی گۇرۇندو يو كىمى بىدىعى ايناندىرىجى لىقدان محروم اولان حقيقت" دىن بىئله، امتناع ائدیر، بزه دىيلىب، دوزە دىيلىپ اگۇ وهرتك ايشىق ماچان، "آنجا ق." "ايناندىرىجى دوشمهين" سۇزيا لان كىمى گۇرونور، دشمك هر هانسى حقيقت ده هله، بىدىعى حقيقت دئىيىل، آريستوتئل ھۇمئربىسـن "اۇديسايان" سبنا تنقىدى، مناسبتدن دانىشاركن قيد ائدیردىكى، "عمو۔ ميتله، امكان داخلىنده اولمايان شئىلرین پوئزىادا انعكاسينسدان صحبت گئنده ركن، ايدە آليزاسيا يا ويا شئىلر ائيلار احاقيندا عادى تصورلره دقت يىتتىرمك، لازيمدير: پئۇئتيك، ائرده احتمال خارجيندە اولان حادثه لردن زياده احتمال اوزره ممكن اولان حادثه لرى وئرمك داھا اوستوندور..." .

بونقظه ده ارسطوايله نظامى آراسيندا فيكىرا و پارلىغى تعجب دوغورما ماليدير. بوباخيمدان، فلسفى استاتىكا (ESTETIKA) نىن بير چوخ مهم مسئله لرى نىن علمى شرحى شرق استىتىكاسى نىن (ESTETIKA) تجربەسىنى، اونون آنتىك، علملە علاقه تارىخىنى اۇيرنمكدن آسليدير آذربايجان كلاسيكا سيندا نظاميله ياناشى، نىسمى و فضولى ارشى بسو ساحده زنگين ماتريال وئير.

نظامى دوغورلوقدان محروم اولان ارشى "خارج چالان موسيقى التينه" بنزه دىردى. اۇ، سۇزوبزه ينلره، بزه مكله، سۇزون آبرينىسى تۇكنلره، شعرى سۇز اوپونونا، تا پما جايا چئويره نلره نفرت بىلە ميشه دىر. فضولى ده پوئزىا يادا ير فيكىرلر يندە بوگون بىدىعى ايناندىرىجى لىق دئديگىمىز آنلايش معنا سيندا "حقيقت"، يا خود دو۔ غرولوق "مفهوم لازينى ايشلە دىركى، نظامى ده ده، بومفهوم لازين ثابت اصطلاح شكلينده چيخيش ائتديگىنى مشا هده ائتمكده بيك نظامى كىمى فضولى ده، بوفىكىردە دىركى، حقدن - حقيقتدن گون آلان سۇزور نه قده ر گوجلر اولسادا، اونون دئىيلىشينه، يا زىليشينا، بىدىعى آنلاشيقلى اولماسينا دقتلى اولماق گركدىز، بزه ك دوزيه طمطرا غايول وئرمك گرە كمدير:

اصل معنيس، نه تزئين كلام

سخن آنستكى، فهمند عوام

"ايش سۇزه زينت وئرمكده يوخ، معنا دايير، اصل شعرا و دوركى، جما عست اونو باشا دوشون".

فضولىنىن يا شادىغى دۇورده آرا شاعىرلىرى سۇزوبزه مكله شعرى
 معنا سىزا ويونا ، او حوزا گلنجه يه چئوبىرير ، سۇزله آل وئرائدەن مدا جلاز
 اصلينده ، معيارلار ين اوزونو دارما داغىن ائدردىلر ، بوسىخولاستىك
 شعريه دونىوى پوئىزيا (*POEZIYA*) فورمالىزم له حقيقى صنعت آرا -
 سىندا كئدەن مبارزه ايدى ، ارتجاع ايله بىرلەشەن يالانچى شاعرلىق
 - متشاعىرلر اوزلرينه مقام نفوذ قازانماق اوچون اهل شعروادىياتى
 كۇزدن سالماغا اونو "خوار و بى اعتبار" شتمه يه چاليشىردىلار . فضولى
 جانلى حياتدا ، اوز شخصيتينه و اثرلرينه مناسبتده بونو كۇرور ، عذاب
 چكىر ، ايتى ياددا شينا ، كۇورهك ، واينچىك قلبينه يازىردى بوتسون
 بونلارى :

هر سۇزكى ، گلير وجوده مندەن ،
 مەن طعنه بولور هر انجمندن .
 ائىلر جىدا هلى ، با غلى بيب كىن
 تحسین عوضينه نغى و نغسرت .

(لىلى و مجنون)

شاعرىن هر شعريه قارشى ادبى مجلىلردن طعنه سىلرى قوبور:
 كدىكى گوله - خار ، تا پدىغى لعله - خارادىلىر (داش) . كۇز و كۇتورمە ين
 پاخيا ، لارى آمانسىز نيھىلىست (*NEHILIST*) لرى شوم آغىزلار يندان
 اوستونه اودپوسگورولر ! فقط ، پاخيل لار ينا ، تفتيشچى لرىن سىسه ،
 نيھىلىست لرىنە شاعرىن دئدىكى سۇزبئنه دبدن كئاردگىل "عيب توتماغى
 اوزنوزه پئشه ائتمىسىنيز ، بونو هنز بىليرسىز خئىر سۇيله خئىر
 سۇيله مەن سىسه ، بارى سوس ، خاموش اول ، بۇ يوك اوستادىمىز بعضا " كدو -
 رتىن رفع اولاجا غينا " اوميد ائدير ، يا خئىلغا دعوت ائدردى ، نئجهكى
 نظامى " سىيرما قىلىنچ اوستونه يئرى ين " بونانان لارى هاردا سىسا ،
 صالحلاماق ، كۇرشالدىب اؤووتماق اوچون " شۇنقارا - شايىن
 قارغانىن كۇزونه - دورنا كۇزو " دئدىكى كىمى

سۇز صنعتىنىن خلقه خدمت واسيطهسى اولدوغونو دريندن درينه
 درك ائدەن فضولى ، خلقاه خلقين باشا دوشدوبو دپلده دانىشماغى و نون
 معنوى احتياجلار يندان آنلاشيقلى يازماغى شاعرلرىمىزه توصيه
 ائدردى ، بۇ يوك شاعر مىز يالنىز سۇزده دگىل ، درين خلقى ماهىست
 داشيان صنعتى ايله جانلى نمونه يه چئور يلىردى . فضولى بۇ يوك سلفسى

نظامی نین بدیعی ارشئین حقیقی وارشی اولما قلاهم ده ، بدیعی ایسته تیک فیکرئین دا وامچیی انکشاف اشدیرییسی ایدی ، نظری ایسته تیکانین بیرسیرا مسئله لرینده اولدوغو کیمی ، بدیعی حقیقت مسئله سینده مناسبتده ده هرایکی صنعتکارین عینی موقعدن چیخیش اشدیگینی گوروروک :

دوزلوکله آرتمیشدیر سوزون قیمتی ،

دوزلوکدور هرئین ایلک مزیتسی .

فضولی ماراقلیدیرکی ، بدیتینده حقیقتده گورور شعرا غچا سینا محض "دوغرولوق ایپی دویدوغو" اؤجون بويا غچا دا اددیگی آغا جیسن کولگه سینده ابدی یا شایا جاغینا اومید بسله ییر .

فضولی یارادیلش اثرلرین خوش ، اینجه دوزلوشونه ، اشیا لار عالمی نین صورتی ومعنا گؤزه للیگینه اشاره ائده ره ، کیمی نین صورت کیمی نین معنایا قارشی سیندا حیرت دنیزینه جومدوغونو گؤستریر . اؤ ، قید اددیرکی ، صنعتده ده ائله چه ، کیمی ، عباره لرین گؤزه للیگینه افاده لرین اینجه لیگینه مفتون ، کیمی ده ذوق ونشئه وئره ن کیمی مضمونا وورغوندور : بکرفیکیر ، ظریف معنا آراییر .

حسن زنجیرینه هرکس باغلانیب اولموش اسیر

چوغلاری شکلینه حیران دیر ، چوخو مضمونونا

لاکن شاعر اؤ زمان ایسته دیگینه نائل اولورکی ، اونسون شعرینده "گؤزه ل مضمون ، گؤزه ل عبارت له زینت لشمیش" ا ولسون باشقا سؤزله ، بدیعی یارادیلش با شلیجا شرطی مضمون و فورما وحدتسی اؤده نیلمیش اولسون :

سؤز معنادان آسلیدیر ، معنا سؤزدن هر زمان ،

بیر - بیریندن آسلیدیر نئجه کی ، جسم ایله جان .

فورما و مضمونون دقیق بدیعی تعریفینی باشقا جور تصور ائله مگ ، اولمور .

اوستاد شاعر شکیل ومعنا گؤزه للیگینه نائل اولما قلا ، بیرده هر قسم اوخوجوسونو - ایسترسورت ایسترسده معنا گؤزه للیگینه "اسیر" اولانلارین ذوقونو تأمین ائتمیش اولور . ماراقلیدیرکی ، نظا - میده ده عین مدت - بؤیوک صنعتین عمومه خدمت ائتمک ، هر قسم اوخو - جويا بدیعی ذوق ونشئه وئرمک . تربیه ائتمک مرامی دقت مرکزینده

دورور، شاعرین بارلی بهرلی صنعت با غجاسی ائله زنگین، الوان، چوخ
چشیدلی اولمالیدیرکی، آرادا هرکسی اؤز ذؤوق و ایسته بینه اومدوغونو
تا پابیلسین، نظا می "هفت پیکر" ده نئجه ده گؤزه ل دئیب :

گؤنول با غیندان سنه بیرمیوه وئردیم (کیمی)
شیرین ویا غلی سود ایچینده بال کیمی ابال لا قایماق
انچیر دادی وئریر اونون چرده یی
اؤنون ایچینده بادام مُغشری وار
ظاهر سئوه نلر اؤچون ظاهری قشنگ
باطن سئوه نلر اؤچون باطینی قشنگ.

فضولی بو نقطه ده ده، اوستا دینی دابان - دابانا ایزله ییر. اؤ
نظا می صنعتی نین ال چاتماز سیرلری نه بییه لنمکله قال میرهم ده اونون
بؤیوک یازیچی مدنیتی نین حقیقی وارشی کیمی چیخیش ائدیر .

سؤز درکینه صرفا ئدیب فراست
املاکینه بولموشام ریاسست
گاه طرز قضیده ائیله ره ساز،
شهبازیم اولور بلند پرواز،
گاه دب غزل اولور شعاریسم
او روان وئره قراریم
گاه مشنوییه اولوب هوسناک،
اول بحرده ایسته ره دور پاک
هر دیلده کی، وار، اهل رازم
مجموع فنونه عشق بازم
بیر کارگرم هزار پیشه
جانلار چکیب ایسته ره همیشه
دکانیم اولار رواج بازار
هراسته دیگین بولار خریدار

(لیلی و مجنون)

حکمدار اولکه لر فتح ائدیگی کیمی، سؤز سلطنتینده "یئددی
اقلیمه باشچیلیق ائتمک شرفینه نائل اولان" شاعرده شعر فننی نین
شهرلری نین (ژانرلاری نین) آچارینی اؤز الینده گؤرور، اؤ، صنعتست
غزینه سیندن هر بیر خریدارین ایسته دگینی تا پابیلجه بییه ضامنست

وئىرەبىلەر، فضولى بونون اۆچون "مىن پىئىشەلى بىر فەلە" ولدوغونى بو بىلدىرەر. اوخوجو دقت بىئىتىرىرسە، وئىرىيان نىمۇنەلەر نىڭا مىننعمومى شكىلدە قويدوغومدىغا نى فضولىنىن كا نكىر شتلىشىدىردىگىنى كلاسسىك ادبىياتىن زانلار بىنى (مىشوى - داستان، قىسىدە، غزل) مادا لاما قلا، موزو - عنون عىيانلىشىدىردىگىنى مۇشادە ئىدە بىلەر.

فضولى يالنىز سرعت ويا معنا گۆزەللىكىگىنە ئىشىران اۆلان اوخوجولار اۆچون دگىل، اۆچ دىلدە ياراتمىشا ولدوغو ئىشلىرى ايله شىرقى توتان بىر صنعت سفىرىسى اچدىغىنى يازىردى:
من گۆزەل بىر سفىرە اچدىم سۆزدن اهل عالمە
اوندا مىن ذۇوق آرتىران هر دورلو نىعمت دوزموشم
سفىرە مە هر بىر قوناق گلە، خجالت حىكمە رەم

فرقى بوخ، يا تور كە گلە مىن يا عرب، يا خود عجم
كىم گلە بىر گلە مىن، آ پارىسىن هر نە اىستىر خا غرى
قورتاران نىعمت دە بىل، سفىرە مىن اولما زىھىچ نە كم
(ترجمە على آقا واحدىن دىر)

بورادا، شىبەسىز، عمومىلىشىدىرە داھا بۆيوك دور.

متفكر شاعر فورما گۆزەللىكىگىنە جدى اهمىت وئىرە رەك، "جتىن آنلاشيلان عبارەلرە و مضمون اينجەلىكىگىنە يارا دىلىشىمدا بىر محبت وار دىر دىيە، اۆز پىئىتىك ذۇوقونو صىمىتلە اوخوجوسو قارشى سىندا ايفىنادە ائىتسەدە، صنعتدە فىكىر وقا يەنى اوستون توتور. "انس القلب" (كۆ - نول ھەمدى) ئىشلىندە اوخوبوروق:

سن اى سۆزگلىنىنە ياراشىق وئىرەن !
آللەھىن خا طرىنە، اونو معرفت دونوندا ن چىپىلاق قويما !
سۆز و سۆت ايله قانع اولما، معنا كىسب فىضىن ائىت كى،
دا وودىنى لىكىنە گۆرە پىغمبىر اولوب سىنە گۆرە بوخ !
آذربايجان ادبىياتى كلاسسىكى لىرى پىئىتىن نىن ادراك اهمىتىنىسى
بۆكسك قىمىتلەندىرە رەك، ھىمىشە فورما لىزمەن اوزاق اولموشلار. اونسىلار
شەردن زىنگىن مضمون، آ بىدىن مطلب طلبا ئىتمىشلەر. ادبىياتا اوخوجونو
ھىياتا خا ضراپان، دوشونجە وارا دە سىنى سفىرە ائىدەن گولبو واسىطە
كىمى باخمىشلار، فضولىدە، ائىلە جە صنعتىن خلىقە خىدمت واسىطەسى
اولدوغونو قىمىتلە مدافىعە ائىتمىشىدىر. بۆيوك شاعر بىمىزىن ادبىسى
نظرى گۆرۈشلەرىندە فورما و مضمون پىروبلەمىنىن دوزگون قوبولوشى

دۆورە گۆره يووكسك نظرى سويهدن حلى آذربايجان انتبا هيئتين بيئئسى
تارىخى شرا ئىسده
۱۶ يوزا يىللىكده، يالئىز شعردىن ئىتتىدگىل همده نظرى استا تىك
فيكىر ساخه سىنده. وسعت وىتكامللىنى نشان وئىرىدى .
فضولى ادبى نظرى گۆر وشلرىنده دۆورون قابا قجىل فيكىر سويه-
سىندىن ايرىلى سوردويو. مسئله لىرى، اؤزونون زىنگىن يارا دىجىلىق
تجرىبه سىنىن تمثالىندا، درىن خلقى ماهىتده اولان اشلىرى ايلسه
عاىنىلىشدىرمىش. آنا دىلىنده يازانان ادبىياتى مىزىن اولمىز نمونه-
لىرىنى وئىرىشدىر. فضولى بو باخىمدان، دۆورون يالئىز بىدىعى فلسفى
فيكىرىنى دئىيل، هم ده، ادبى اىستىتىكى فيكىرىنى تمثىل ائدىردى، او
مىض بو سويهدىن ياشا دىغى دۆورده ادبى مىطه باشچىلىق ائدىر و
بؤيوك نظامىنىن، وارثلىك اعتبارى ابله اونا تاپشىردىغى صنعت
بايراغىنى اوجا توتاراق ابدىته آپا رىردى بىلىردى كى :

سخنى نىست دربقاى سخن

اوست باقى وبىبقا باقى

ترجمه :

سۆزون ابدىتىنه سۆز بوخدور

قالان اودور، بىئرده قالانسا، قالان دئىيل.

ادبىيات غزتى ۱۹ اىول ۱۹۹۱ نىچى ماى ۲۹ (۲۴۷۶)

کشچن صابی دان : صدر سرداری نیا نین "مشاهیر آذربایجان"
کتابی حقینده : ۴۰ م. فرزانه .

تا ۸۷)، مشهدی محمد صادق خان جرندابی (ص ۱۱۵ تا ۱۲۶)، میر کریم بزاز
(ص ۱۲۹-۱۳۷)، مشهدی محمد عمو و غلوا سکویی (ص ۱۴۳ تا ۱۵۵)، و.....
که از ژرفای جامعه و میان مردم برخاسته و دوش به دوش دیگر رزم آوران
دلیرانه با استبداد و استعمار جنگیدند هم با شرح حال اندیشمندانسی
چون حاج علی دواجی، سید حسین خان عدالت، میرزا ابوالقاسم ضیا العلماء،
میرزا علی واعظ و بیجوهی ای، حاج شیخ علی اصغر لیلوائی و..... کسه در
رساندن پیام آزادی به مردم و در تجهیز فکری آنان جانفشانی داشته اند
هم با چهره فرهنگ پرورانی چون میرزا حسن رشیدی، میرزا جبار خان باغچه-
بان و سخنوران و نویسندگانسی چون میر عبدالحسین خازن خیابانی، حاجی
رضا صراف تبریزی، میرزا محمود غنی زاده سلما سی، تقی رفعت، سعید سلما سی
و دیگران آشنا می شویم .

در میان سرفصلهای مختلف کتاب آوردن ترجمه حال شمسادروان
تیمور پیرهاشمی که نسبت به ما هبان تراجم احوال متاخر است و سکوت
درباره کسانی که در طراز آن شادروان به فرهنگ بومی و ملی آذربایجان
خدمت کرده اند و از آن جمله مثلا سهندوسا هرکه هر دو چهره در نقاب خاک
کشیده اند، بی آنکه در صفا و آزاد مردی پیرهاشمی کوچکترین تردینسندی
بتوان داشت، چه بسا نوعی قوم خویش پرستی تلقی شود .

آنچه که در ردیف فصول کتاب جای خالی آن به روشنی به چشم
می خورد، نبودن عنوان و ترجمه حال یک یا چند نفر از ما حیان قلم و
روشنمردانی از آن سوی ارس است که در پی ریزی فکری در نهضت مشروطیت
نقش داشته اند. البته درست است که در فصلهای "نخستین جراید فکاهی
آذربایجان و ملانصرالدین و ایران" مطالب جالبی گنجانده شده است ،
ولی این به خودی خود نمی تواند ما را از یادآوری نام چهره هایی چون
جلیل محمدقلی زاده، میرزا علی اکبر صابریا طالب اف و دیگران بی نیاز
سازد. آوردن نام و ترجمه حال این بزرگان به آن معنی است که ما یاد
کسایرا که دلهاشان حتی یک قرن بعد از اشغال آذربایجان شمالسی
وسیله نیروهای تزاری، هنوز هم برای رهایی برادران و خواهران خود
می تپید، پاسب داشته باشیم .

یکی دیگر از مواردی که با همان نگاه اول به چشم می خورد، مغا-

برتی است که ما بین عنوان کتاب از یک سو و محتوا و مندرجات آن از سوی دیگر وجود دارد. عنوان "مشاهیر آذربایجان" یک عنوان همگانی و عام ناظر بر همه نام‌آوران و مشاهیر این خطه اعم از دانشمندان ادیب و شاعران و فیلسوف و فقیه و هنرمند و دیگر نام‌آوران و فداکاران ملی و خلقی است در صورتیکه کتاب حاضر به تراجم حال و شرح وقایع تعداد محدودی از این فداکاران و معارف صدساله آذربایجان اختصاص داده شده است. و از این لحاظ مناسب‌ترین بود که مؤلف نام اشخود را به صورت "چهره‌هایی از مشاهیر آذربایجان در انقلاب مشروطیت یا در صدساله اخیر" و به هر حال عنوانی از این قبیل که گویا تروهماً تنگتر با مضامین کتاب می‌شود انتخاب می‌کرد. کما اینکه مرحوم مهدی مجتهدی عنوان کتاب خود را که شامل شرح حال قریب به چهارصد نفر از معارف دوران صدساله اخیر است "رجال آذر - بایجان در عصر مشروطیت" نامیده است.

همان نقطه نظرها به یک سو، مطالب کتاب با قلمی گیرا و پیر احساس نوشته شده و مؤلف نه تنها شرح فداکاریها و ایثارگریها و تلاشهای ارزشمند این بزرگمردان را از میان اوراق کتابها و مطبوعات بیرون کشیده و درباره هر کدام از آنان یک حماسه آفریده بلکه جای پای این نام‌آوران را قدم به قدم تعقیب کرده و تا آنجا که مقسود و میسر بوده حتی به سراغ فرزندان و بازماندگان آنان رفته آنها را شناخته و بازشناسانده و این خود نشان مهر و سپاس ارزشمندی است که صفحات کتاب با آن مهور و مزین گشته است.

ادبی خبر:

خلخالین بویوک. عالیم و شاعری محمدباقر خلخاللی و اونون معروف اثری (شعلبیه) حاقیندا بیر اثر یا زیلما قدا دیر بوساحده معلوماتی اولان دوستلاردان خواهش اولونور آشا غادا کی آدرسله مکتوبلاشیسنلار. تهران صندوق پستی شماره ۱۶۵۶ - ۱۰۳۶۵.

وارلیق مجله سینی و باشقا دیلیمیزده چیخان کتابلاری "اندیشه نو" کتابخانه سیندان آلابلسریز - تهران انقلاب میدانی امیرآباد خیابانی نین اولی صول الده پاساژ فیروز ایکنجی طبقه ده (اندیشه نو).

○ سیدحسن شریف زاده

اگریرستش اشرافت نیست مسلک حزبی
خلاف مسلکیان من شریف زاده پرستم

این بیت را یکی از دوستان زنده یا دسیدحسن شریف زاده، در وصف آن مجاهدنستوه سروده است. مجاهدی که در سن ۲۸ سالگی، بعد از سال ها تلاش خستگی ناپذیر، در راه آزادی هم میهنانش، شربت شهادت نوشید و به ابدیت پیوست.

سیدحسن شریف زاده، این روحانی جلیل القدر، از زعمای روشنفکر انقلاب مشروطیت در آذربایجان بود که از سالها پیش از آن، از دوران نو- جوانیش در بیداری افکار مردم و آشنا کردن آنها به حقوق حقه خویش تلاش کرده و در طلیعه نهضت، از جمله پیشگامانی بود که در تشکیل هیئت مدیره انقلاب و راهبری آن جنبش مردمی، نقش اساسی ایفاء نمود. وی با نطقهای آتشینش، نه تنها آذربایجانیها را در پیوستن به صفوف مجاهدین تشویق می کرد، بلکه چنان شری به جان با سکرویل انداخت که آن جوان آمریکائی، پس از شهادت این انقلابی نامدار، مجنون وار به سنگرهای شامنازان شتافت و با خون خود، نهضت مردم آذربایجان را حقا نیتسی مضا عف بخشید.

(۱)

روانشاد سیدحسن شریف زاده در سال ۱۲۹۸ ه. ق. در بیک خانواده محترمی در شهر تبریز دیده به هستی گشود. مرحوم دکتر مهدی مجتهدی (عاکف)، این همشهری مبارزش را این چنین معرفی می کند:

" آقای سیدحسن شریف زاده، از قدامای احرار آذربایجان و شهید راه مشروطیت است. پدراوشریف العلماء مردی موجه، محترم، متمول و فاضل بود. در عصر خود ریاست انجمن ادبی را که حجت الاسلام نیتسر و میرزا محمد ادیب عضوان بودند، داشت.

۱- مهدی با مداد - شرح حال رجال ایران - ج ۱ - ص ۳۳۴.

آقا سید حسن از بدو شباب به خط تجددا فتاد. مردی بود بسیار منظم و مرتب و همه کارها را حتی فرا گرفتن علم و مطالعه کتب را از روی نقشه می‌کرد، مثلاً "اسا می‌کتب مفید را از سید حسن تقی‌زاده می‌گرفت، از روی نقشه و با حوصله، آن‌ها را تهیه می‌کرد و بطبق پروگرام مخصوص، آن‌ها را می‌خواند. اول کار، مقداری فرانسه یا دگررفت، سپس به مدرسه آمریکا می‌رفت و زبان انگلیسی آموخت. در خارج طبق نقشه معلومات خود را تکمیل کرد. مردی صاحب‌الجلال و فاضل شد. بالاخره به معلمی مدرسه آمریکائی پذیرفته گردید و سعی کرد هر چه می‌داند به شاگردان یاد دهد و در آن‌ها ملکات فاضله را روی اصول وجدان و اخلاق تقویت نمود. وی معلمی دلسوز بود، همه شاگردانش او را می‌پرستیدند. به تعبیر تقی‌زاده، شاگردان او در حقیقت حواریون او بودند و به معلم خود اعتقاد عجیب داشتند. جوانان روشن‌فکر، او را پیشوا و رئیس خود می‌دانستند.

شریف‌زاده قبل از نهضت مشروطیت، از طبقات روشن‌فکر و طالب اصلاح بود. پس از اعلام مشروطیت، به آن نهضت پیوست و از احرار مؤثر و ذی‌نفوذ گردید^(۱).

وی علاوه بر این که در مدرسه سعادت تبریز نیز سحت معلمی داشت در ترویج علم و دانش، آتی راحت نمی‌نشست. و در این راه شبانه روز تلاش می‌کرد. مرحوم حسین امید می‌نویسد:

"مدیران مدارس آن زمان، برای این که در مقابل مخالفان فرهنگ نیرومند شوند و هم برای اداره مدارس و تنظیم برنامه و اصول تدریس با همدیگر شور کنند، در صدد تشکیل یک انجمن معارف برآمدند. و این مقصود در سال ۱۳۱۸ ه. ق انجام گردید و اولین مجمع مدیران با شرکت عده بسیاری از مدیران آن زمان تشکیل یافت. علاوه از مدیران مدارس عده‌ای اشخاص روشن‌فکر نیز با این انجمن همکاری می‌نمودند و این انجمن تا سال ۱۳۲۱ ه. ق دایر بود و پس از آن به فاصله اندکی که در جلسات آن تعطیل حاصل گردید با زدا بر شد. مرحوم سید حسن شریف‌زاده از اعضای معر- و ف این انجمن بود^(۲)."

این جوان دانشمند و پیرشور که برای خدمت به هموطنانش، این چنین آمادگی داشت، به محض روشن شدن نایره انقلاب مشروطیت، بس-

۱ - دکتر مهدی مجتهدی - رجال آذربایجان در عصر مشروطیت - ص ۲۰۸.
 ۲ - حسین امید - تاریخ فرهنگ آذربایجان - (ج ۱) - ص ۸۷.

عنوان یک‌اندیشمند بیدار، به ندای عدالت‌طلبانه نهضت لبیک گفت
و در صف اول انقلاب، جای گرفت. کسروی می‌نویسد:

" در سالهای با زبسیں، در اینجا هم کسانی پیدا شده بودند که معنی
کشور و زندگانی توده‌ای را می‌فهمیدند و از جگونگی کشورهای اروپا آگاه
بودند و آرزوی کوشی را برای برداشتن خودکامگی می‌کردند، و اینسان
کم کم یکدیگر را شناخته و دسته‌ای گردیده و به کوشش‌هایی می‌پرداختند
ما از آنان کسانی را می‌شناسیم و کسانی را هم نام‌هایشان شنیده‌ایم...

اینان با همراهان دیگرشان که ما نمی‌شناسیم، هر یکی از راه دیگری
بیدار شده بودند و کسانی از ایشان که تقی‌زاده، شریف‌زاده، ابوالضیاء،
تربیت، عدالت و صفروف باشند، دانش‌نیز اندوخته و برخی از زبان‌های
اروپائی را می‌دانستند و در حبالا الممتین و دیگر جاها گفتارها می‌نوشتند."^(۱)
بالاخره این مردان پیشگام، به این نتیجه رسیدند که راه‌بری این
حرکت مردمی جز با سازماندهی یک تشکیلات منظم انقلابی میسر نیست، لذا
مرکز غیبی تبریز راه وجود آوردند. چگونگی ایجاد این تشکیلات در
تاریخ مشروطه، جنین آمده است:

" در این میان کسانی از سران کوشندگان، از شاگردان علی‌میسو
حاج رسول صدقیانی، حاج علی دواجی، سید حسن شریف‌زاده، محمد علی -
تربیت، جعفر آقا گنجه‌ای، آقا میرباقر، میرزا علی اصغر خوشی، آقا تقی -
شجاعی، آقا محمد صادق خامنه‌ای و سید رضا یک‌نشست‌نهایی به نام "مرکز
غیبی برپا کرده، به یک‌کارا راجدارتر دیگری می‌کوشیدند و آن این کسبه
دسته‌ای به نام "مجاهد" پدید آوردند."^(۲)

و بیجا نیست که طاهرزاده بهزاد که تلاشگران مشروطیت در آذربایجان -
بیجان راه چهار گروه تقسیم کرده است، این مجاهدنستوه را جزو دسته
اول و از زبده سیاسیون و مغزهای متفکر انقلاب معرفی نموده است.^(۳)
زنده یاد شریف‌زاده که در نطق و بیان، بید طولایی داشت، با سخنان پر -
شورش، توده‌های مردم را برای شرکت در نهضت، تشویق می‌کرد و چون مردی
صدیق و از جان گذشته بود، مردم تبریز بیاناتش را با جان و دل پذیرا شده
و به صف آزادخواهان می‌پیوستند. کسروی می‌گوید:

۱- احمد کسروی تاریخ مشروطه ص ۱۴۹.
۲- کسروی - پیشین - ص ۱۶۷ و ۶۲۵ و ۸۹۱.
۳- طاهرزاده بهزاد - قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ص ۲۱ و ۲۶۶.

"یکی از ناطقان، که در این روزها شناخته گردید، سیدحسین شریفزاده بود که در سبازخانه با گفتارهای آتشین خود، دل‌ها را به تکان می‌آورد و غیرت‌ها را بیدار میگردانید."^(۱)

با سکرویل آمریکائی که با وی در یک مدرسه تدریس می‌کردند، چنان تحت تأثیر شخصیت و نفوذ کلام نافذ و قرار می‌گیرد که در تعلیم و تربیت جوانان تبریز شب و روز نمی‌شناسد. حاج اسماعیل میرخیزی می‌نویسد:

"درس عمده او، تاریخ عمومی بود، ولی بعداً به موجب درخواست شاگردان ارشد و بعضی از معلمین مانند مرحوم شریفزاده و میرزا عبدالحسین، با اجازه دکتریلسون رئیس مدرسه، کلاسی نیز برای تدریس حقوق بین‌المللی باز کردند و او در آنجا هم به تدریس آغاز نمود."^(۲)

این جوان با ک‌درون بینگه‌دنیائی، بعدها با الهام از جوانان غیرتمند تبریز از جمله قهرمان داستان ما، چنان هیجان روحی پیدا می‌کند که جنگ، افزار به دست به صفوف فشرده مجاهدین آذربایجان پیوسته و خاک تبریز را با خون خود رنگین می‌سازد. طاهرزاده به‌سزاد می‌نویسد:

"این جوان آزادمنش، با مشاهده مظلومیت جوانان تبریز، محذوب شده و نطق‌های مرحوم شریفزاده و رضازاده شفق در احساسات او تأثیر بسزا بخشیده، وقتی که رفتار ناروای نمایندگان خارجی مثل کنسول روس و انگلیس را مخالف اصول آزادی مشاهده می‌کند، حلاج‌وار قدم به میدان جان‌بازی می‌گذارد."^(۳)

کسروی اضافه می‌کند: "به گفته مستر "شت" با شریفزاده سخت گرمی داشته و این کشته‌شدن او بوده که دل جوان آمریکائی را تکان داده و شب و روز ناآرام گردانیده."^(۴)

دشمنان مردم نیز، نقش‌کار ساز این ناطق، برجسته را خوب می‌شناختند، چنانکه رحیم‌خان چلبیانلو، پس از ورود به تبریز که تسلیم ۹۰ نفر از سران انقلاب را از مردم تبریز خواست، یکی از آنها سیدحسین شریفزاده بود.^(۵)

۱- کسروی - پیشین - ص ۱۶۷ و ۶۲۵ و ۸۹۱ .

۲- اسماعیل میرخیزی - قیام آذربایجان و ستارگان - ص ۳۷۹ .

۳- طاهرزاده به‌سزاد - قیام آذربایجان در انقلاب مشروطیت ص ۲۱ (۲۶۶)

۴- طاهرزاده به‌سزاد - پیشین - ص ۲۱۱ .

رحیم خان جلیبائلو، د. یورشنا جوا نمردانهای، خانه پدری، مرحوم شمس العلماء (۱) و حجره امین التجار (۲) جد مادری پدر شریف زاده را چپا و ل کرد.

برادر همین تلاش و ایثارگریها بود که مردم آذربایجان، سید حسن شریف زاده را به نمایندگی انجمن ایالتی آذربایجان انتخاب کردند و او هم به خوبی از عهده این مأموریت خطیر برآمد، به طوری که نسام نامیش در تاریخ این انجمن تاریخ ساز، به عنوان یکی از چهره های فعال و کارآمد ثبت گردیده است. او در اغلب فعالیت های انقلابی این شورای مردمی شرکت داشت، از جمله هنگامی که عین الدوله، پس از ورودش به کنا رت تبریز از انجمن خواست که خواسته های مردم را نوشته و پیش او بفرستد (انجمن، لایحه ای از طرف ملت نوشته، توسط. مرحوم شریف زاده و اجلال الملک به عین الدوله فرستاد. " (۳)

سید حسن شریف زاده که عقیده داشت، پیروزی انقلاب مشروطیت، جز با آگاهی مردم میسر نیست، علاوه بر معلمی در مدارس و نطق های تکان دهنده ای که در مجالس و محافل ایراد می کرد در نشر روزنامه نیز، از جمله نشریه "شورای ایران" شرکت فعال داشت. محمد صدرهاشمی درباره این جریده می نویسد:

"روزنامه هفتگی شورای ایران در تبریز از طرف انجمن مشورت تاسیس و در سال ۱۳۲۶ قمری منتشر شده است. نمره دوم این روزنامه در تاریخ ۱۹ ربیع الثانی سال مذکور انتشار یافته و مسلک آن سیاسی و طرفدار آزادی و مساوات است. مؤسسين و نویسندگان اصلی روزنامه سه نفر آزادیخواه مقتول مرحومین سعید سلما سی، سید حسن شریف زاده و حاج علی دواجی میباشند." (۴)

این جوان شوریده دل همیشه و در همه جا به فکر هموطنانش بود و در راه آزادی و نیکبختی آنها سرازیر نمی شناخت. وی حتی موقعی که پس از حاکمیت استبداد صغیر در کنسولگری فرانسه پناهنده شده بود شب و روز آنی از فکر پیروزی انقلاب و آزادی و سربلندی هم میهنانش غافل نبود. احساسات پر شور وی از یکی از نامه هایش که از کنسولگری

۱- نصرتا... فتحتی - آثار قلمی ثقه لاسلام شهید - ص ۷۷

۲ و ۳ - امیر خیرزی پیشین - ص ۲۷۴ و ۱۷۸.

۴- صدرهاشمی - تاریخ جراید و مجلات ایران - ج ۳ - ص ۸۵.

فرانسه به دوست و هم‌رزمش سیدحسین خان عدالت نوشته کا ملا "مشهود است وی می‌نویسد:

"قربانت شوم سلام علیکم، امروز تا ظهر، تمام اوقات به مطالعه بعضی کتب و روزنامه‌جات مشغول بودم. از ظهر به این طرف، یک نوبت دلتنگی عارض شده که به هیچ وجه رفع نمی‌شود، نه می‌توانم مطالعه نمایم و نه میل روزنامه خواندن دارم، در خود عالمی احساس و مشاهده می‌کنم که در مدت عمر ندیده بودم، گاهی می‌نشینم و گاهی سرپا ایستاده، این طرف، آن طرف می‌روم، گاهی دراز می‌شوم، ولی این همه حرکات بسی - اراده از من سر می‌زنند. در وقت تنهایی دلم هم صحبت و رفیق می‌خواهد و چون یک نفر می‌آید نمی‌توانم با او صحبت نمایم. به غیر از دوسه نفر کس دیگر جایم را نمی‌داند. هر کس به نزد می‌آید، چون نمی‌توانم تعارفات رسمی به عمل آورم، چنان خیال می‌کند که از مصاحبت بیزارم، نه میل بسنه غذا دارم نه خوابم در تحت قاعده است، هر چه می‌خواهم خیالم رابه این مصراع: "هنوز اول عشق است اضطراب مکن" خوش نمایم، نمی‌شود، گاهی حالت پریشانی و تفرقه دوستان در نظر من مجسم می‌شود و زمانی خرابی کعبه حقیقی ایرانیان یعنی مجلس شورای ملی و در عالم خیال از پیش چشم می‌گذرانم...." (۱)

این انقلابی نامدار با لایحه جان عزیزش را در راهی که خستود انتخاب کرده بود نثار می‌کند، او در یکی از سخنرانی‌هایش که در حیاط انجمن ایالتی آذربایجان، خطاب به مجاهدین ایراد می‌کرد، بر اثر پیش آمدن سوءتفاهمی، روز چهارشنبه سوم شهریور ماه ۱۲۸۷ شمسی به دست تنی چند از مجاهدین ترور می‌شود. کسروی می‌نویسد:

"روز ۲۷ رجب یک روز پرخروشی بود. امروز چنان که نهاده بودند مردم از همه جا روبه انجمن آوردند. ناطقان به گفتار پردها - ختند، شریف زاده هم سخنی راند، ولی چه سخنی که پتیاره جاننش بود. مشهد محمد علی خان که در آنجا بوده چنین می‌گوید: حیاط انجمن پر از مردم و تماشاچی بود. مجاهدان دسته، دسته می‌رسیدند. زمانی کسه دسته محمد صادق خان چرندابی به روبه روی پنجره تالار رسید، شریف - زاده سخنی آغاز کرد و در پایان چنین گفت: "نگوشید جنگ، ها کرده، کار

۱ - روزنامه انجمن - سال سوم - شماره ۳ - پنجم شعبان ۱۳۲۶.

را از پیشتر برده ایم، هنوز آغاز جنگ، های ماست... مجاهدان خواست او را در نیا فته، سخت برآشتند. مشهد محمد صادق فرصت نداده، از پائین کلمه های درشت پرتاب کرد. از درن اطاق هم حاج محمد میراب و حاج علی اکبر دباغ تندی نمودند که این بی دین چه می گوید؟ من دم پنجره ایستاده بودم، شریف زاده را به زمین نشانده، خودم در جای او ایستادم و به سخن پرداختم و گفته شریف زاده را معنی نموده، به مجاهدان نکوهش کردم همچنین علی مسیوبه حاج محمد و دیگران نکوهش کرد. گاربه جایی رسید که مشهد محمد صادق هم بالا آمده، همگی از شریف زاده چشم پوشی طلبیدند جوش و خروش فرونشسته مردم پراکنده شدند.

شریف زاده که در روزهای بیم به کنسولخانه فرانسه پناهییده و هنوز در آنجا میزیست همراه حاج مهدی آقا از انجمن بیرون آمده روانه گردید. ولی به کنسولخانه نرسیده ناگهان عباسعلی آهنگر و سه تن دیگر او را گرفتند و با گلوله از پایش درآوردند. شوندا این داستان درست دانسته نشده، کسانی میگویند از اسلامیه پول فرستاده عباسعلی و همراهان او را به این کار واداشته بودند. (۱)

به عقیده حاج محمد باقر و بیجویه ای: "بعد از بازپرسی قاتلین معلوم شد که... از اسلامیه، هفتصد تومان به این ها داده اند که هفت نفر را بکشند که یکی شریف زاده بوده است. (۲) آن چهار نفر بعد از ارتکاب آن عمل شنیع گریخته و در خانه های شان مخفی می شوند. و بیجویه ای می افزاید: "عباسعلی خبیث، بعد از زدن سید جوان گریخته، در چرنداب در خانه خود مخفی شد... مجاهدین دور خانه اش را گرفتند، میخواستند بگیرند، مخفیان با چند نفر همراهش فرار کرده، به طویل... جناب سردار داخل وبستی شده، ایشان میفرماید: این عمل ملت است به من دخی ندارد، ایشان می دانند و تو، بعد از آن میفرمایند این ها را ببرید به ارک، تا فردا در انجمن استنطاق و رسیدگی نمایند." (۳)

سردار ملی این مرد زاده، چنان که از روح آزاد بخواه و شخصیت دموکرات وی انتظار میرفت، قضاوت را برای اعضای انجمن ایالتی

۱- کسروی پیشین - ص ۷۳۸.

۲ و ۳ - حاج محمد باقر و بیجویه ای - بلوای تبریز (تبریز - مهرماه

۴۸) - ص ۱۵۳ - ۱۵۱.

آذربایجان ورهبران آزادی، واگذاشت و آنان بعد از بازجوشی، عمل آنها را جرم تشخیص داده و عقیده داشتند اگر قاتلین مجازات نشوند، ممکن است حیات آزادیخواهان ورهبران انقلاب به خطر بیفتد. مطابقت رأی نمایندگان هردو عباسعلی - عباسعلی دمیرچی و عباسعلی تاجرشاگرد - رادر همان ساعت و در همانجا که شریفزاده را به شهادت رسانده بودند تیرباران کردند. (۱) آن دودو دیگر، همراهان قاتلین چون مجرم تشخیص داده نشدند آزاد گردیدند.

پس از شهادت این روحانی عالیقدر روزنامه انجمن، ارگسان ایالتی آذربایجان تصویرش را در صفحه اول روزنامه که به تاریخ پنجم شعبان ۱۳۲۶ ه.ق منتشر شده است. چاپ وزیر تصویر، این نوشته به چشم می‌خورد: "نور چشم افتخار ایرانیا ن زندگی بخش مدارس و معارف آذربایجان، شهید سعید آقا سید حسن شریفزاده طباطبائی قدس... سره" سپس مقاله بدین شرح درباره آن جوان ناکام درج نموده است:

فاجعه الیم

"وا اسفا، قلم را ایفای یک وظیفه جانگدازی در کار است کسه بی استعانت از لطف خداوندی اتمام آن را در حین اقتدار خود نمی‌داند. حقیقتاً هیچ فلاکت، هیچ بدبختی مر قلم را فراتر از این نمی‌تواند بود که به ناچار خبر موت یک نفر گرامی‌ترین وجودی را به دوستان و هواخواهان عالم تمدن و ترقی برساند، خاصه آن وجود، از نوا - در انسانیت بوده و از اولین طبقه ارباب حمیت به شما آید. بلی امروز ما و تمام ملت آذربایجان دچار این گونه بدبختی و فلاکت بوده و چونان وجودی از دست داده ایم که چه سالها می‌باید نظیر آن را دیگر باره آب و خاک آذربایجان برساند.

روز ۲۷ رجب ۱۳۰۰ ه.ق چه روزنا مبارک و چه روز شومی بود که وجود عدیم‌المثال آقا سید حسن شریفزاده آن جوان نامراد و پاک‌نهاد در حالتی که از زخم تنش اشک خونین تحسر به حال زار فلاکت‌زدگان تبریز می‌بارید دفین خاک نمودیم.

آن خاک تابناک، همان روزنه تنها تن محبوب شریفزاده ما را در برگرفت، نه خیر! بلکه آن مکان شریف و آن مطاف معزز و مقدر، هزاران

آمال ملیه و آرزوهای مستقبله ما را مدفن محترمی است که تا ابد ملت
آذربایجان را معکس انظار اشک آلود خواهد بود، چراکه این ذات علسوی
این شهید سعید دوره اول عصر ترقی وطن ما را که قدم به دایره مسعارف
می گذاشت یک نمونه مجبل یا به عبارت دیگر مساعی سی ساله آذربایجان
را یک نخبه و یک خلاصه معززی بود که به واسطه آن دوره ثانی یا غسود
استقبال ادبی ما را زمینة سعود و مطر آشی حاضر می شد، ولی افسوس ایین
امید ما هم که فقط منحصر به وجود این جوان سعادت مند بود با خود او
مدفون تراب نا امید گردید.

در حقیقت وجود این شهید سعید، مدارس تبریز را بسی مفتنم و تازه
نهالان وطن را مربی معظمی بود که از غیاب او شاگردان مدارس اگر سالها
گریه کنند سزا و بجاست.

قدرت علمی و استعداد ادبی او را همین قدر می توانیم گفت که سه
۲۷ ساله عمر عزیز خود را از آن زمانی که قدم به عالم رشد گذاشته بود
تمامی اوقات مشغول تحصیلات علمی بوده و در بسیاری از علوم متداوله
عصر حاضر، اختصاصی بسزا پیدا کرده و اخیراً در چند مدرسه به سمت معلمی
که مسلک عالی معارف پرورانه اش را تجلی گاه بلندی بود مشغول تعلیم
و ضمناً تمام مدارس تبریز از همت عالی انتباهکارانه او استمسداد
معنوی می نمود.

حمیت ملی، غیرت وطنی، فعالیت حب نوع، علویت افکار، پاکیزگی
اخلاق از ملکات مخصوصه این جوان سعادت مند بوده و مدت العمر با تمام
هویت خویش در اصلاح نواقصات ملی می کوشید.

در مقابل غیرت فطری و حودت ذاتی او، نامساعدتی طرز معیشت،
مانع از ترقی وی نتوانست شد، و به رغم اصرارات پدر که از علمای تبریز
بود، در مسلک عالی خویش ثبات قدم می ورزید.

متانت قلب و شجاعت روحیه اش به درجه قصوی و در طریق و اصول به
مقصد عالی خویش، خاصه استحقاق رحبات و استخفاف موت را دارا و از تمام
دینا غیر از وطن و ملت خویش، علاقه به چیزی نداشته و جز از مسلک مستقیم
خود چیزی را در نظرش واقعی نبود.

آری شریف زاده را قلب و روح مالی از حب وطن و ملت بوده و ایین
دور با قلب و روح خویش دوست می داشت.

فقط و احوفا که جهالت هموطنان ما مانع از تقدیر خدمات

صافیانه اوشده وبه جای آن که وجودش را مفتنم دانیم وبه سرچشمش
بنشانیم . بالاخره بایک ضربتی از دست یک نفر ظالم شقی، جام شهادت به
سرکشیده وبه خاک، سیاه فرونشست .

یعنی روز چهارشنبه ۲۷ رجب حوالی ظهر درحین بازگشت از انجمن
ایالتی آذربایجان، در موقعی که از دم درب کنسولخانه فرانسه عبور
میفرمود، چند نفر از الواد که داخل درسک تفنگچیان شهری بودند، از
پشت سرش صدا کرده وبعدا از آن که برگشته وبه طرفشان میآمد، دونفر آنها
هریک، تیری خالی می نمایند، یکی از تیرها رده شده ودیگری به ران چپ
بیچاره برخورد و همانجا می افتد .

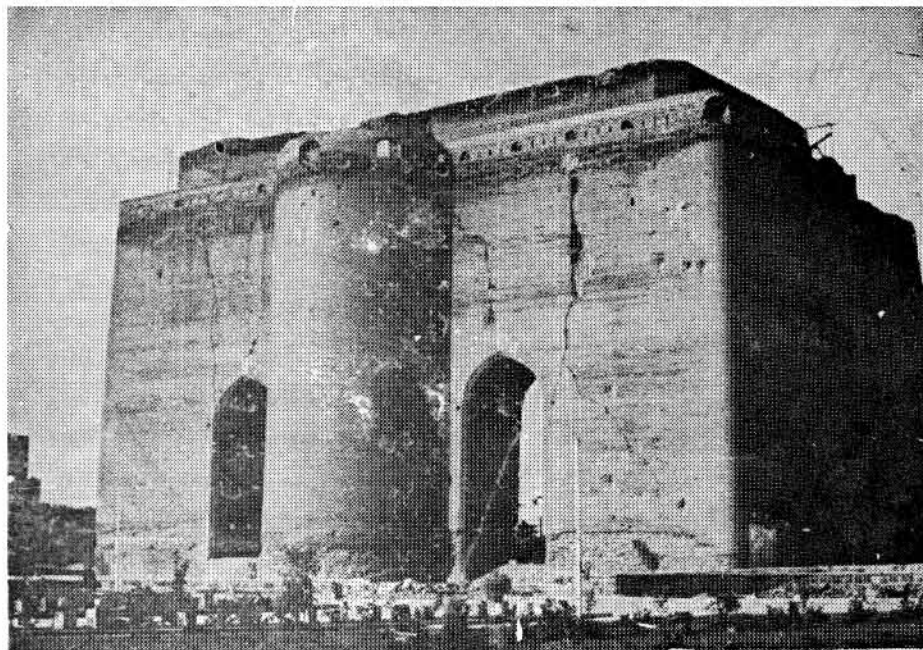
یک نفری که در آنجا حاضر بود می گفت همان ساعت دست خود را به
روی دل گذاشته وگفت : "تو را به خدایکی راهم از اینجا بزن".

اجزای کنسولخانه بیرون دویده وبرداشته به اندرونش میبرند
وفی الفور چند طبیب حاضر نموده وبه مداوات میپردازند ، لکن مثرشمر
نشده وبعدا از نیم ساعت ، دوستان خود را وداع می نمایند !
وقوع این حال را گرچه خیال مجال بعید دیده ونمیخواهد حقیقت
انگارد ، فقط اینست حقیقت و حال کار این جوان غیور .

پیکر پاک ومطهرش در گورستان گنجیل (محل فعلی باغ گلستان)
به خاک سپرده شد ، لکن پس از تسلط روسها بر تبریز "قبر شریف زاده
مرحوم را که از ارکان مشروطیت وشهدای آزادی بود ومملت بنای قشنگی
روی آن ساخته بود ، خراب وتاروما رکردند".

غافل از آن که حیات واقعی آن روحانی مبارز بعد از شهادتش آغاز
میگردد ، چنان که آقای حمید سید نقوی (حامد) در منظومه کؤنول دردی
هنگام گشت در محلات تبریز ، موقعی که به محله ارمنستان تبریز
میرسد چکاهاش را این چنین ادامه میدهد :

شریف زاده نی بورد ووردولار	سه شنبه گونی آخشا مایا خین
اونی وورماغا کلک قوردولار	مستبدلرین یکه باشلاری
دئمه کی قانیم. هدهر گشتدی	بیل کی قدریوی وطن بیلیری
دورباخ گؤر نئحه سنی دیریتدی	آنا وئنین بیرشاعر اوغلو
اونلار آدی دیل لرده قسالار	شریف زاده لره هئج وقت اولمز لر
اوغلان لاریندان مؤزدونی آلاز	آنا وئنه خدمت ائلبیسه ن
ملتون گینه انقلاب ائتدی	پیغمبر اوغلور احوالات راحات



توجه

- ۱- اداره مجله در حك و اصلاح و حذف مقالات وارده مختار است.
- ۲- مقالات وارده هرگز برگشت داده نمیشود.
- ۳- هرگونه مسئولیت مقالاتیکه با امضای نویسندگانشان در مجله چاپ میشود مر بوط به خود نویسندگان است و چاپ آنها الزاماً دلیل تأیید اداره مجله نیست.

وارلیق

VARLIQ

PERSIAN AND TURKISH
JOURNAL

13-th. Year No 83-4

Jan, Fev. April 1992

Add : 151, Nord Felestin Ave

Dr. Javad Heyet

Tehran - Iran

وارلیق

مجله فرهنگی ، ادبی ، هنری

به زبانهای فارسی و ترکی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول :

دکتر جواد هیئت

تهران : خیابان فلسطین شمالی پلاک ۱۵۱

عصرهای زوج تلفن : ۶۶۶۳۶۶

سازمان چاپ خواجه ، خیابان فردوسی جنوبی ، کوچه خندان شماره ۱۴